



بهای آزادی

روایتی مستند از حصر غیر قانونی

حضرت آیت الله العظمی منتظری

(رضوان الله تعالی علیه)

(۱۳۷۶-۱۳۸۱)

مطالب:

- ✓ یادآوری ۷
- ✓ بخش اول: در راه انجام وظیفه ۱۱
- ✓ بخش دوم: تاخت و تاز ۳۳
- ✓ بخش سوم: مقاومت‌های ماندگار ۷۳
- ✓ بخش چهارم: می‌اندیشم پس هستم ۱۰۹
- ✓ بخش پنجم: فرو ریختن حصر ۱۳۳

مرا مقرر است که امروز که من این تألیف می‌کنم...
بزرگان‌اند که اگر براندن تاریخ [این مردم] مشغول
گردند تیر بر نشانه زنند و به مردمان نمایند که ایشان
سواران‌اند و من پیاده و من با ایشان در پیادگی‌کند...
و چنان واجب‌کندی که ایشان بنوشتندی و من
بیاموزمی و چون سخن گویندی من بشنوممی. ولکن
چون دولت ایشان را مشغول کرده است... پس من به
خلیفتی ایشان این کار را پیش گرفتم که اجر توقف
کردمی، منتظر آنکه تا ایشان بدین شغل پردازند،
بودی که نپرداختندی و چون روزگار دراز برآمدی
این اخبار از چشم و دل مردمان دور ماندی و این
تجربت تاریخ نیاموختندی و کارهای گران دوباره به
خُردان سپردندی و بزرگان را بکشتندی و روزگار
مهمل گذاشتندی.

«بیہتی»

یادآوری:

﴿بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ﴾

مجموعه حاضر، برش‌هایی از پنج سال و دو ماه و دوازده روز زندان خانگی و حصر غیر قانونی حضرت آیت‌الله العظمی منتظری (ره) است که با هدف یادآوری و عبرت‌آموزی از حوادث پیرامونی آن روزها که پس از سخنرانی ۱۳ رجب (۲۳ آبان ۱۳۷۶) معظم‌له رخ داد تهیه و تنظیم شده است، و عاری از هرگونه قضاوت و تحلیل می‌باشد. چه بسیار بودند کسانی که در آن زمانه پر غوغا بیانات مرحوم استاد برایشان قابل هضم نبود ولی با گذشت زمان مشخص شد «آنچه آن پیر در خشت خام می‌دید، جوان در آئینه ندید!» چرا که اندیشمندان با نگرش عمیق خود حجاب زمان را در می‌نوردند و مسائل را در ورای دوران خویش می‌بینند.

گرچه در بیش از سه دهه پس از استقرار جمهوری اسلامی در ایران، رویدادها و اتفاقات فراوانی چون توقیف مکرر مطبوعات، زندانی کردن اصحاب قلم و جراید و حمله به سخنرانی‌ها و کتابفروشی‌ها و نظایر آن رخ داده‌اند که برای مرور سرگذشت آزادی بیان و سنجش وسعت نقض قانون اساسی و سلب حقوق شهروندان سندیت و اهمیت دارند، اما آنچه در پی سخنرانی سیزدهم رجب آیت‌الله منتظری رخ داد و با مطالعه آن در این مجموعه خواهید دید کنکاش و بازخوانی کارنامه آزادی بیان و شدت و حدت نقض آن در دوران حاکمیت بی‌قانونی و زورمداری است؛ و این برخوردها و واکنشها نسبت به موقعیت و شخصیت ایشان غیر قابل تصور بود.

چند توضیح ضروری:

۱- در بخش «تاخت و تاز» و گاه در بخش‌های دیگر، تهاجم‌کنندگان و حامیان آنها اعم از مقامات کشوری، لشگری، مطبوعاتی، بولتن‌نویسان و... در مقام تقابل با اظهارات آیت‌الله منتظری الفاظی بکار برده‌اند که اکثراً اهانت‌آمیز، خارج از نزاکت و خلاف واقع بوده است؛ اما به لحاظ پرهیز از دست بردن در تاریخ و حفظ سندیت و آشکارسازی طینت مهاجمان، ذکر آنها ناگزیر بود. نگارنده این حق را می‌دهد که علاقه‌مندان و مقلدان ایشان به درج و عدم سانسور این کلمات موهن انتقاد داشته باشند ولی با پوزش از فقیه فقید عالیقدر و خانواده‌ی صبور ایشان و علاقه‌مندان معظم‌له، برای حفظ و رعایت امانتداری در اسناد و ماندگاری آنها، از هر گونه حذف الفاظ و عبارات مذکور خودداری شده است.

۲- مستندات این مجموعه، اکثراً نشریات و جرایدی است که در آرشیوها موجود می‌باشد و یا بولتن‌های دولتی و حکومتی است که به طرق مختلف تهیه شده‌اند، و یا اطلاعیه‌ها و شب‌نامه‌هایی است که در طول این چند سال منتشر شده است. برخی قضایای تاریخی نیز نقل شده که افراد موثق و شاهدانی که خود از نزدیک نظاره‌گر بوده‌اند بر آن صححه گذارده‌اند.

سعی بلیغ شده است که برخلاف اخلاق اقتدارگرایان، تمامی موارد ذکر شده دارای استناد قوی باشد. به یقین در میان افرادی که اظهارنظرهای خشن، تند و خلاف واقعی کرده و یا در تهاجم به بیت آیت‌الله منتظری شرکت داشته‌اند، برخی از گذشته خود بازگشته باشند -ضمن استقبال- برای عدم تحریف تاریخ و عبرت‌آموزی، طرح و نقل مطالب آنها هم اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. نباید فراموش کرد که دل بی‌کینه آن مرد الهی در حالی در خاک به ودیعت نهاده شد که از تمام کسانی که بر

او آگاهانه یا ناآگاهانه جسارتی روا داشتند، کینه‌ای به دل نداشت؛ چنانچه در سطور پایانی کتابچه «انتقاد از خود» که پاسخ به پرسش‌های ۱۴ گانه فرزندش آقا سعید منتظری است، می‌نویسد:

«... من از هیچکس شکایتی ندارم و بخشش را بهتر از انتقام و شکایت می‌دانم. برخی از افراد به اقتضای موقعیت خود یا تحلیل‌هایی که داشته‌اند کارهایی انجام داده‌اند و لزوماً همه آنها یا همیشه با سوءنیت کاری را انجام نداده‌اند، چنان‌که خود من هم اشتباهاتی داشته‌ام ... من برای خودم و آنها که به هر نحوی ستمی بر من و خانواده و دوستانم روا داشته‌اند آمرزش می‌طلبم؛ و از ماکه گذشت، امید است این سرگذشت‌ها درس عبرتی برای آیندگان باشد. اگر کسی از روایت‌های من رنجیده است یا فکر می‌کند حقی از او ضایع شده است از او حلالیت می‌خواهم و حق پاسخ‌گفتن برای او محفوظ است. ان شاء الله توفیق یابیم که مصداق «لا یخافون لومة لائم» باشیم و بیش از پیش به ندای نفس لوامه خود که مأمور مراقبت ما از سوی خداوند است گوش بسپاریم».

همان گونه که گفته شد گرچه قصد از ثبت گفتارها و مواضع افراد و نهادها، ملامت کردن نیست و هدف حفظ اسناد تاریخی است، اما این پند را هم دارد که همگان بیاموزند آنچه می‌گویند می‌ماند و باید مآل‌اندیش باشند و بی‌مبالات هر سخنی را بر زبان جاری نکنند که فردا گریبانشان بگیرد و بدانند هر کسی در برابر هر کلمه‌ای مسئول است. در عین حال این را هم می‌دانیم که برخی از بیم موج و گردابی حائل، با هتاکان و مهاجمان هم‌نواپی کردند.

۳- در این مجموعه دروغ‌ها و افتراءات فراوانی نیز نسبت به حضرت آیت‌الله منتظری و منسوبین ایشان گفته شده که در مقام پاسخ نبوده‌ایم. اندکی خرد و انصاف برای فهم نادرستی‌ها کفایت می‌کند و

مطالعه دیگر آثار مرتبط با آیت‌الله منتظری و شناخت زندگی و افکار ایشان خود بهترین پاسخ است.

۴- ناگفته نباید نهاد که بلندترین صداهایی که در این مجموعه منعکس است صدای اصحاب قدرت است، آنان که بر اسب قدرت سوار یا از آن بهره‌مند یا در سودای بهره‌مندی بوده‌اند و رسانه‌های سراسری را در انحصار خود داشتند و به ندرت صدای انصاف در آنها دیده می‌شود؛ اما همان زمان خیل عظیمی از دانشوران و نخبگان و مردم رنج‌دیده خاطر بودند که نظاره‌گر این تاخت و تازها و ویرانگری‌ها بوده و صدای‌شان به جایی نمی‌رسید و جمعی هم نخواستند یا نتوانستند وظیفه خویش را انجام دهند. در بخش سوم برخی از این واکنش‌های مظلومانه دیده می‌شود.

۵- در طول حصر و حوادث قبل و پس از آن و طی سالیان متمادی بسیاری از مقلدان، شاگردان، علاقه‌مندان و اعضای خانواده معظم‌له تنها به جرم دفاع از مرجعیت شیعه و حقوق شهروندی آیت‌الله منتظری، دستگیر، زندانی، شکنجه، تبعید و برخی به زندانهای طویل‌المدت محکوم شده‌اند، و این گذشته از شهروندانی است که حقوق طبیعی و شهروندی آنها ضایع شده و می‌شود. این مجموعه جای پرداختن مفصل به این موضوع مهم نبود و ضمن اظهار همدردی با رنج‌های این راست‌قامتان و خانواده‌های صبور و مظلوم آنان، امید است طی یک مجموعه مفصل و مستقل به آنها پرداخته شود.

در پایان امیدواریم آن استاد سفر کرده با اولیای الهی محشور گردد و زندگی پر فراز و نشیب او و استقامتش در برابر ناملايمات زمانه، چراغ راهی برای ما و آیندگان باشد. ان شاء الله.

«والسلام»

بخش اول:

در راه انجام وظیفه

فَإِنْ أَقْلُ يَقُولُوا:
حَرَصَ عَلَى الْمُلْكِ؛
وَإِنْ أَسْكُتُ يَقُولُوا:
جَزَعٌ مِنَ الْمَوْتِ!
هِيَهَاتَ بَعْدَ اللَّتِيَّاتِ وَالَّتِي!

«اگر سخنی گویم می گویند:
بر خلافت و رهبری حرص می ورزد
و اگر ساکت شوم می گویند:
از مرگ هراسان است!
هیئات که پس از آن همه فداکاری و مجاهدت
از مرگ هراسی داشته باشم»

«امام علی عليه السلام»

بسمه تعالی

آیت‌الله العظمی منتظری(ره) در تاریخ ۲۳ آبان ۱۳۷۶ مطابق با ۱۳ رجب ۱۴۱۸ هـ ق مصادف با ولادت امام علی علیه السلام در جمع کثیری از دیدار کنندگان از شهرهای مختلف کشور، سخنان مبسوطی ایراد کردند. این سخنان سرآغاز فصلی دیگر از نمایان شدن چهره اقتدارگرایی شد که حاضر بودند در پاسداشت قدرت و حفظ آن، از هیچ کوششی فرو نگذارند. تاریخ، روزگاری هر آنچه را در سینه نهاده است برملا خواهد کرد.

متن کامل سخنان معظم‌له:

اعوذ باللّٰه من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

امروز روز ولادت با سعادت مولی امیرالمومنین (ع) است. افتخار ما شیعیان این است که از دوستان امیرالمومنین (ع) هستیم. این را من بارها عرض کرده‌ام که بعضی‌ها خیال می‌کنند لفظ «شیعه» که به ما گفته می‌شود لفظ مستحدثی است؛ در صورتی که این نام را پیغمبر اکرم (ص) بر شیعیان علی (ع) اطلاق فرموده‌اند. حال من حدیثش را از کتب اهل سنت می‌خوانم. «در المثنوی سیوطی» تفسیری است که «جلال‌الدین سیوطی» نوشته، در جلد ششم چاپ سابق در تفسیر سوره بینه چند روایت نقل

می‌کند؛ می‌گوید: «اخرج ابن عساکر عن جابر بن عبد الله»؛ ابن عساکر که از علمای اهل سنت است، صاحب تاریخ دمشق، از جابر بن عبد الله با سند نقل می‌کند: «قال كنا عند النبي (ص) می‌گوید ما نزد پیغمبر اکرم (ص) بودیم؛ «فاقبل علی (ع)» امیرالمؤمنین (ع) وارد مجلس شد «فقال (ص): پیغمبر فرمود: «والذی نفسی بیده ان هذا و شیعته لهم الفائزون یوم القیامه»، این شخصی که علی بن ابیطالب (ع) باشد و شیعیانش، اینها هستند که روز قیامت رستگارند؛ تعبیر «شیعه» کرده‌اند. بعد می‌گوید: «ونزلت» این آیه نازل شد: ﴿انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریّه﴾، یعنی آنهایی که ایمان آوردند و کارهای صالح کردند، آنها بهترین مخلوقاتند؛ «فکان اصحاب النبی (ص) اذا اقبل علی (ع) قالوا: جاء خیر البریّه» از آن وقت وقتی که امیرالمؤمنین (ع) وارد مجلس می‌شد اصحاب پیغمبر (ص) می‌گفتند: خیر البریّه یعنی «بهترین خلق» وارد شد. همچنین در حدیث دیگر: «واخرج ابن عدی و ابن عساکر عن ابی سعید - که ابی سعید الخدری است - مرفوعاً - خبرش را مرفوعاً نقل کرده است - علی خیر البریّه» علی (ع) بهترین مخلوقات است. اینها همه را از سیوطی نقل می‌کنم که از علمای اهل سنت است.

همچنین در حدیث دیگر ابن عدی از ابن عباس نقل کرده: «قال لَمَّا نزلت: ﴿انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریّه﴾ قال رسول الله (ص) لعلی (ع) هم انت و شیعته یوم القیامه راضین مرضیین»: وقتی که این آیه نازل شد پیغمبر (ص) به علی (ع) فرمود: آنان تو و شیعیان تو هستید؛ در روز قیامت خدا از دست شما راضی است، شما هم از دست خدا راضی هستید. این خیلی مقام است؛ پیغمبر (ص) این اسم را گذاشته است.

همچنین در حدیث دیگر: «واخرج ابن مردویه عن علی (ع) قال: قال لی رسول اللّٰه (ص) ابن مردویه که از محدثین اهل سنّت است از امیرالمومنین نقل می‌کند که پیغمبر به من فرمود: «الم تسمع قول اللّٰه: ﴿انّ الذین آمنوا و عملوا الصالحات اولئک هم خیر البریّه﴾ علی (ع) می‌فرماید: پیغمبر (ص) به من فرمود: این آیه را نشنیدی؟ «انت و شیعتک» این آیه مصداقش تو و شیعیان تو هستی. «و موعدی و موعدکم الحوض» پیغمبر می‌فرماید: وعده گاه من و شما حوض کوثر است؛ «اذا جئت الامم للحساب» وقتی که من می‌آیم سراغ امت‌ها برای حساب. پیغمبر در حساب امت‌ها دخالت دارد، «تدعون غرا محجلین» شیعیان علی (ع) افراد بارز و مشخص هستند؛ البته این یک اصطلاح است. عربها به اسب پیشانی سفید می‌گویند «اغرّ» که جمعش «غرّ» می‌شود، و به اسبی که دست و پایش هم سفید باشد می‌گویند «محجل» یعنی اسب‌های بارز برجسته. می‌خواهد بفرماید در میان همه امت‌ها شیعیان در روز قیامت یک درخشندگی دارند. اینها چند روایت از طرق اهل سنّت است که راجع به امیرالمومنین وارد شده و پیغمبر (ص) پیروان علی (ع) را تعبیر به «شیعه» کرده‌اند. پس این اسم، اسمی نیست که بعداً گذاشته باشند. البته دشمنان برای اینکه با شیعه مخالف بودند می‌گفتند: «رافضی» هستند؛ یعنی رفض کردند، ترک کردند سیره و سنت پیغمبر را، در صورتی که ما عقیده‌مان این است که سنت پیغمبر را ما اخذ کرده‌ایم، ولی این اخبار را دیگر نتوانسته‌اند کاری بکنند. خود علمای سنّت این را نقل کردند که پیغمبر (ص) پیروان علی (ع) را تعبیر به «شیعه» کرده‌اند. بسیار خوب! روز ولادت امیرالمومنین (ع) را به شما برادران و خواهران شیعه و به همه شیعیان و به همه مسلمانهایی که علاقه‌مند به اسلام و دین هستند تبریک

می‌گوییم؛ و اینکه اسم «شیعه» را پیغمبر اکرم (ص) بر شما اطلاق کرده، این را هم به شما تبریک می‌گوییم.

اما می‌دانید که به اسم تنها نمی‌شود قناعت کرد؛ خوب ما شیعه علی بن ابیطالب هستیم، شیعه یعنی پیرو؛ اگر من بگویم شیعه علی هستم، علی (ع) اهل دفاع از اسلام بود، اهل دفاع از حق بود، تمام عمرش را صرف اسلام کرد؛ در زمان پیغمبر در همه جنگ‌ها، مبارزه‌های علی، فداکاری‌های علی برای حق و حقیقت و دین، و بعد هم در زمان حکومتش چقدر علی (ع) برای دین خدا زحمت کشید. علی (ع) دلسوز فقرا بود، علی اهل سخاوت بود، علی وقتی که مثلاً زنی را دید که بچه‌های یتیم دارد به قدری ناراحت شد که خودش در زمان خلافت و حکومتش رفت در خانه آن زن و یتیم‌نوازی کرد؛ به فقرا و ضعفا و درماندگان رسیدگی می‌کرد. امیرالمومنین در نامه ۴۵ نهج البلاغه که به عثمان بن حنیف می‌نویسد، می‌فرماید: «الا و انّ لكل مأموم اماماً یقتدی به و یستضیء بنور علمه» هر مأموم یک امامی دارد که به او اقتدا می‌کند. بعد در ادامه می‌فرماید «... الا و انکم لا تقدرون علی ذلک» شما قدرت ندارید که مثل علی عمل کنید؛ «و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفة و سداد» و لکن کمک کنید علی را، اهل ورع باشید، اهل محکم‌کاری باشید، سراغ حرام نروید، سراغ شبهه‌ناک نروید.

حالا من آن نامه را نمی‌خواهم بخوانم؛ آن نامه بسیار خوبی است و به عثمان بن حنیف نوشته‌اند که (عثمان بن حنیف استاندار علی (ع) بوده است در بصره) یک جوانی یک مجلس عروسی یا مهمانی داشته، سران و اعیان شهر را دعوت کرده، عثمان بن حنیف را هم دعوت کرده و در آن غذاهای رنگارنگ و سفره چرب و نرمی بوده است، به امیرالمومنین

خبر می‌رسد. حالا ببینید آن وقت نه تلگراف بوده، نه تلفن و نه فاکس و نه تلکس، مع‌ذلک حضرت می‌فرماید: «به من خبر رسیده...» حتی یک مجلس مهمانی استاندار، خبرش به علی (ع) می‌رسد و گزارش می‌شود؛ و چون مجلسی بوده است که اعیان و اشراف شرکت کرده‌اند و خلاصه ریخت و پاش در آن بوده و فقرا از آن محروم بوده‌اند، امیرالمومنین او را توبیخ می‌کند که تو نباید در یک چنین مجلسی شرکت می‌کردی! مجلسی که «غنیهم مدعو و عائلهم مجفو» فقرا از آن محروم و ثروتمندان به آن دعوت شده‌اند، حتی یک مجلس شامی که استاندار رفته خبرش به علی (ع) می‌رسد با وسایل کم آن روز؛ و امیرالمومنین (ع) بی تفاوت نمی‌گذرد؛ خوب این استاندار است یک شب خوشش باشد! نه، می‌گوید یک چنین مجلسی شأن تو نیست، تا آخر نامه.

یکی از چیزهایی که امیرالمومنین در کلمات و خطب خود در نهج‌البلاغه زیاد روی آن عنایت دارد مسأله «امر به معروف و نهی از منکر» است.

شاید بعضی از آقایان دیده باشند، یک عده از اساتید دانشگاه از من راجع به احزاب سؤال کرده‌اند؛ سؤال کتبی. اول اینجا آمدند گفتم سؤالتان را بنویسید؛ سؤالشان را نوشتند و من جواب دادم، جواب آن آقایان را راجع به تشکیل احزاب سیاسی از راه امر به معروف و نهی از منکر، وارد شدم. در آن نامه اول من آیه شریفه قرآن را ذکر کردم که خداوند تبارک و تعالی در سوره توبه می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾، در این سوره آیه دیگری هم راجع به منافقین است که در آنجا تعبیر می‌کند: ﴿وَالْمُنافِقُونَ وَالْمُنافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ﴾، یعنی: منافقین و منافقات بعضی‌هایشان از

بعضند؛ تعبیر به «اولیاء» نمی‌کند، در حالی که آنها هم دوست هم هستند؛ اما «ولی» به معنای دوست نیست. منافقون و منافقات بعضی هاشان از بعضند یعنی سرشان در یک آخور است. اما راجع به مؤمنین و مؤمنات می‌فرماید: ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾، «ولی» در لسان قرآن و حدیث به معنای «صاحب اختیار» است؛ «ولایت» یعنی صاحب اختیاری؛ منتها ولایت مراتب دارد؛ ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا﴾ خدا ولایت دارد، اما ولایتش مطلقه است. درباره پیغمبر (ص) هم خدا می‌فرماید: ﴿النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ﴾؛ امام (ع) هم ولایت دارد؛ ولی فقیه هم اگر واجد شرایط باشد ولایت دارد. در این آیه خدا یک ولایت عمومی را می‌گوید؛ آقایان اهل ادب توجه دارند، الف و لام موصوله که بر سر اسم فاعل و اسم مفعول درآید مفید عموم و استغراق است. خدا می‌فرماید: همه مردان مومن و همه زن‌های مومن - فقط منحصر به مردها نیست - ﴿بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ﴾ بعضی هایشان نسبت به بعضی دیگر ولایت دارند. این را اول خدا مقدمه چینی می‌کند؛ چرا؟ برای اینکه اگر از اول امر به معروف و نهی از منکر را بیان می‌کرد ممکن بود کسی به ذهنش بیاید من که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنم دخالت در کار دیگران می‌کنم، طرف هم می‌گوید به تو چه؟! جهنم می‌روم خودم می‌روم به تو چه؟! برای اینکه نگویید به تو چه، خدا از قبل جوابش را داده. می‌گوید خدایی که ولی همه مردم است این مومن را ولی قرار داده؛ پس راجع به امر به معروف و نهی از منکر، همه مردان و زنان مومن نسبت به همه مؤمنین و مؤمنات ولایت دارند؛ همه، از آن بالا تا پایین؛ نسبت به هر کس کج برود، ظلم بکند، خلاف شرع انجام بدهد؛ اینجا منحصر به یک عده خاصی نیست؛ پس قبل از دستور امر به معروف و نهی از منکر به عنوان

مقدمه ولایت عمومی را ذکر می‌کند که همه مردم ولایت دارند؛ کسی نمی‌تواند بگوید به تو چه؟! هیچ‌کس نمی‌تواند از امر به معروف و نهی از منکر جلوگیری کند. همه مردم مسئولند و هیچ‌کس نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. خوب گاهی امر به معروف و نهی از منکر موارد جزئی دارد؛ یک وقت هم معروف و منکر یک چیزی است که شخص نمی‌تواند وظیفه را به تنهایی انجام دهد؛ احتیاج به تجمع، تشکل و تشکیلات دارد. روزگار فرق می‌کند، در هر زمان بایستی معروف در جامعه بسط پیدا کند و جلوی منکرات گرفته شود. حالا یک فردی یک کار جزئی انجام می‌دهد که خلاف است، این را من می‌توانم نهی از منکر کنم؛ اما مثلاً یک منکری است در جامعه که این نهی را شخص نمی‌تواند انجام دهد، باید مردم متشکل شوند. حالا شما از لفظ «حزب» نترسید، قرآن هم می‌گوید: ﴿الَا انّ حزب الله هم المفلحون﴾. من در این نامه‌ام تذکر دادم که این دو آیه چقدر با هم تناسب دارند، یک جا می‌گوید: ﴿ولتکن منکم امة یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون﴾: «از میان شما امتی باید باشند که امر به معروف و نهی از منکر کنند و اینها رستگارانند». یک جا هم می‌گوید: ﴿الَا انّ حزب الله هم المفلحون﴾: همانا حزب الله رستگارانند.

حزب الله اینهایی نیستند که یک عده تحریکشان می‌کنند، یک شعار عوضی هم به آنها می‌دهند، می‌روند یک شعاری می‌دهند، جو را به هم می‌زنند، یک هیاهو راه می‌اندازند، بعد هم غیب می‌شوند؛ این که حزب الله نیست. «حزب الله» آن است که روی مبنا متشکل بشوند، مجتمع باشند، یکی باشند و جامعه را زیر نظر بگیرند. تا جامعه به طرف خیر برود؛ معروف را در جامعه بسط بدهند، جلوی منکر را بگیرند.

و این وظیفه است؛ این را خدا در سوره توبه و سوره های دیگر واجب کرده است.

علی (ع) وقتی که می خواهند از دنیا بروند در نامه ۴۷ نهج البلاغه - که وصیتنامه امیرالمومنین هست - می فرمایند: حسن (ع) و حسین (ع) را و هر کسی را که نامه من به او برسد وصیت می کنم به «تقوی الله و نظم امرکم» تا به اینجا می رسد: «لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنکر»: امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید؛ خوب اگر ترک کنیم چه می شود؟ «فیولئ علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتجاب لکم»، اگر ترک کنیم چه می شود؟ اثر طبعیش این است: ملت مسلمان، شیعه علاقه مند که متشکلت شد، متفرق شد، هر کس رفت سراغ کار خودش و نسبت به اموری که در جامعه می گذرد بی تفاوت شد، طبعاً نتیجه اش این می شود که از این صحنه خالی بدان سوءاستفاده می کنند. پستها، مقامها، تشکیلات، امتیازات به دست بدان می افتد؛ آن وقت شما بنشین هر چه می خواهی دعا کن، دعا مستجاب نمی شود؛ برای اینکه راهش دست خودت است. چرا بی تفاوت ماندی نسبت به آنچه در جامعه می گذرد؟ تمام مردم مسئولند؛ به فرمایش پیغمبر اکرم: «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته».

بنابراین بایستی این وظیفه امر به معروف و نهی از منکر عمل شود. وقتی که مردم متجمع شدند، متشکل شدند، تشکیلات درست شد، آدمهای هماهنگ، آدمهای علاقه مند؛ حالا اسم این تجمع را می گذارند «حزب»؛ از لفظ حزب هم ناراحت نشوید؛ قرآن می گوید: ﴿الان حزب الله هم المفلحون﴾، ﴿الان حزب الله هم الغالبون﴾.

آن وقت قهراً یک حزبی که متشکل از مردم علاقه مند و هماهنگ

باشد اینها کاری که می‌توانند بکنند اولاً کادرسازی کنند؛ یعنی افرادی را در حزب بسازند؛ در مسائل اقتصادی، در مسائل سیاسی، در نیازهای کشور، یک آدمهای متخصص را تربیت کنند که یک روزگاری اگر سفیر کم هست، اگر کاردار کم هست، اگر وزیر کم هست، اگر استاندار کم هست، آدم حسابی ندارند، اینها را بسازند؛ احزاب سیاسی که در دنیا هست دنیا را این طور اداره می‌کنند.

حالا دیگر در دنیا با چماق نمی‌شود کار کرد؛ حکومت چماقی دیگر در دنیا پیش نمی‌رود. مردم روشن شده‌اند، بیدار شده‌اند، هرکسی اهل مطالعه است، اهل کتاب خواندن است، بیدار است. در دنیا این گونه حکومت می‌کنند؛ حکومت دست ملت است؛ ما هم که گفته‌ایم «جمهوری اسلامی». جمهور باید خودشان کشور را اداره کنند؛ مردم و جمهور بایستی متشکل بشوند، نیروهای خوب را بسازند و برنامه‌های خوب داشته باشند. این انتخابات که در کشور انجام می‌شود، یک روز انتخابات ریاست جمهوری است، یک روز انتخابات مجلس است، یک روز انتخابات خبرگان، شما آقایان دیده‌اید در وقت انتخابات یک افرادی قیم می‌شوند و آقابالاسر و یک گروههای خلق‌الساعه و آنی درست می‌کنند و به طور چماقی می‌خواهند پیش ببرند، برای این که یک عده می‌خواهند از ناآگاهی مردم و از اینکه مردم در صحنه نیستند سوءاستفاده کنند؛ و این یک گرفتاری است. باید مردم خودشان مجهز باشند، تشکیلات داشته باشند، نیرو و کادر ساخته باشند. یک حزب قوی حزبی است که اگر در انتخابات پیروز شد هم وزیر خوب داشته باشد، هم وکیل خوب داشته باشد، هم استاندار خوب داشته باشد؛ در همه قسمتها دارای نیروهای خوب باشد.

در دنیای امروز که بشر پیشرفته است و به مسائل اقتصادی و سیاسی توجه دارد و به مسائل دینی هم الحمدلله روی آورده است، این مردم باید تشکیلات داشته باشند؛ تشکیلات که داشته باشند قهراً باید روزنامه داشته باشند، رادیو و تلویزیون در اختیارشان باشد؛ روزنامه‌ها، جرائد، رادیو و تلویزیون اینها که فقط مال دولت نیست؛ دولت را مردم روی کار می‌آورند؛ مردم نباید دستشان به رادیو و تلویزیون برسد؟ رادیو و تلویزیون فقط در اختیار چهار نفر که آن بالا می‌نشینند و یک دستوری می‌دهند باشد؟ مردم اگر حرفی داشته باشند باید حرفشان را رادیو و تلویزیون پخش کنند؛ روزنامه‌ها باید افکار و نظریات مردم را منتشر کنند. در دنیا این‌گونه است و اگر ما کوتاه بیاییم پس‌گردنی می‌خوریم و عقب می‌مانیم. آن طور که دو سه نفر بنشینند برای کشور تصمیم بگیرند این در دنیای فعلی پیش نمی‌رود؛ «جمهوری» یعنی «حکومت مردم».

البته این را هم ذکر کنم: در عین حالی که مردم، باید حزب داشته باشند، تشکیلات داشته باشند، در وقت انتخابات بیدار باشند، با شعور و با بینش خودشان مستقلاً افرادی را انتخاب کنند. با این همه در قانون اساسی ما یک «ولایت فقیه» ذکر شده است؛ اما معنایش این نیست که ولی فقیه یعنی همه کاره؛ آن وقت دیگر «جمهوری» معنایی نخواهد داشت. ولی فقیه هم با آن شرایطی که در قانون اساسی دارد وظایفی در قانون اساسی برایش مشخص شده؛ عمده وظیفه‌اش - که مهمتر است - اینکه نظارت کند بر جریان جامعه، مشی جامعه یک وقت از موازین اسلام و حق منحرف نشود؛ «فقیه» به این مناسبت است. در حکومت کمونیستی شوروی وقتی که می‌خواستند حکومت را بر اساس

مارکسیزم و کمونیسم اداره کنند می‌آمدند ایدئولوگ حزب را رأس کار می‌گذاشتند که او بتواند برنامه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی کشور را براساس همان مرام کمونیسم تنظیم کند؛ خوب این یک چیز طبیعی است. حالا ما از باب اینکه می‌خواهیم براساس اسلام و شرع کشورمان اداره بشود با اینکه جمهوری است، همهٔ مردم باید شرکت کنند، حزب باید باشد، تشکیلات باید باشد، با این همه در رأس کشور باید فقیه جامع‌الشرایط باشد و نظارت کند.

البته مردم هستند که دولت را روی کار می‌آورند. دولت یعنی رئیس حکومت، رئیس جمهور، نماینده‌ها را واقعاً باید مردم بیاورند روی کار؛ هیچ کس حق ندارد دخالت کند؛ اگر بنشینند خاصه خرجی (رفاقت‌بازی) کنند یک افرادی - ولو شورای نگهبان - ظلم کرده‌اند به حقوق مردم.

کسی را که صالح باشد حق ندارند کنار بگذارند؛ از نظر دینی صالح باشد، در عین حال مسائل سیاسی و فرهنگی و اقتصادی را بلد باشد؛ متملق هم نباشد، مستقل باشد؛ مثل مرحوم مدرس باشد که به تنهایی در مقابل تمام حکومت رضاخان می‌ایستاد؛ نمایندهٔ مجلس باید یک چنین شخصی باشد؛ نه آدم متملق خودفروخته که احیاناً هزار دروغ و تملق بگوید برای اینکه بخواهد وکیل مردم باشد!

علاوه بر اینکه خود مردم باید دولت را بیاورند روی کار، رئیس جمهور را بیاورند روی کار، مع ذلک در رأس باید یک کسی باشد که به اسلام و دستورات شرع از همه آگاه‌تر است؛ این از باب این است که ما مذهبی هستیم، دینی هستیم. حال اگر در زمان پیغمبر (ص) بود، پیغمبر رأس کار قرار می‌گرفت؛ اگر در زمان علی (ع) بود، علی در رأس کار بود.

همین علی (ع) خودش می‌گوید امر به معروف و نهی از منکر بکنید، مردم وارد شوند در کارها؛ اما در رأسش علی (ع) است. حالا اگر علی و امام معصوم (ع) حاضر نباشد، ولی فقیه در رأس است. یعنی مجتهد عادل اعلم ناس؛ این اعلمیت در روایات هست؛ این شخص بیاید رأس کار. رأس کار به این معنا که علاوه بر وظایف و حقوق مقرر در قانون اساسی، نظارت داشته باشد بر کار دولت؛ نه اینکه دارای یک تشکیلات جدای از مردم باشد؛ نمی‌دانم کدام یک از شما مشرف شده‌اید نجف، خانه امیرالمومنین در کوفه پشت مسجد کوفه نزدیک دارالاماره است؛ من داخل آن خانه رفته‌ام؛ حدود صد تا صد و پنجاه متر است، دو سه تا اطاق کوچک داشته، آن وقت علی حکومت مطلقه داشته، از همین خانه یک کشوری را که شاید ده برابر ایران شما بوده اداره می‌کرده.

حضرت با اینکه حاکم بودند می‌آمدند در بازار کوفه و صدا می‌کردند: «یا معشر التجار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر» یک روز در این بازار، یک روز در آن بازار؛ در روایت داریم - من در کتاب ولایت فقیه این روایت را نوشته‌ام - نقل شده در این بازار کوفه یک عده ایرانیها هم بودند، یک ایرانی در آنجا بود تا دید علی (ع) می‌آید، گفت: «جاء المرء شکمه!»، علی (ع) یک مقداری شکمش بزرگ بود، امیرالمومنین فهمید، یک خنده‌ای کرد؛ نگفت بگیردش و... حضرت فرمودند: بالایش علم است و پایش هم غذا! یعنی امیرالمومنین یک شوخی با او کردند، اینجور می‌روند در میان مردم؛ مردم هم می‌رفتند حاجاتشان را به ایشان می‌گفتند. ولایت فقیه آن طور نیست که یک تشکیلات سلطنتی و مسافرت‌های تشریفاتی میلیاردی و اینجور چیزها

داشته باشد؛ اینها با ولایت فقیه سازگار نیست.

آقایان تا چیزی می شود به ما می گویند «ضد ولایت فقیه» ضد ولایت فقیه! خدا پدرت را بیامرزد، اصلاً ولایت فقیه را ما گفتیم، ما علم کردیم، ما کتاب در باره اش نوشتیم، حالا ما شدیم ضد ولایت فقیه؟!^(۱) یک عده بچه که اصلاً وقتی که ما بودیم و این کارها را می کردیم اصلاً نطفه شان هم منعقد نشده بود، حالا راه می افتند: ضد ولایت فقیه! خجالت بکشید؛ این چه کارهایی است؟!

ولایت فقیه مثل ولایت امیرالمومنین (ع) باید نظارت بر کشور داشته باشد، نظارت بر احزاب داشته باشد، نظارت بر دولت داشته باشد؛ اما نه اینکه در همه جا دخالت کند، در جمهوری اسلامی دولت باید مستقل باشد؛ یعنی دولتی که بتواند کار بکند. من یکی از اشکالاتم به آقای رئیس جمهور آقای خاتمی واقعاً این است، من پیغام هم دادم نمی دانم به ایشان گفته اند یا نه، البته ایشان با من ارتباطی ندارند، اما من اول که انتخاب شدند برایشان پیام دادم، بعد هم به ایشان پیام شفاهی دادم که این طور که پیش می روید نمی توانید کار کنید؛ یک نفر رئیس دولت اگر وزرایش، استاندارهایش، با او هماهنگ نباشند یک قدم نمی تواند بردارد؛ من پیغام دادم که من اگر جای شما بودم می رفتم پیش رهبر می گفتم: شما مقام محفوظ، احترام محفوظ، ولی ۲۲ میلیون مردم به من رأی دادند، به من هم که رأی دادند این ۲۲ میلیون همه می دانستند که رهبر کشور به کسی دیگر نظر دارد. دفترشان و خودشان و همه

۱- از آنجا که دیدگاههای آیت الله منتظری در موضوع ولایت فقیه تنقیح شده و تطوّر یافته است، برای آگاهی از سیر تطوّر آن بنگرید به: کتاب "دیدگاهها" و "فلسفه سیاسی اجتماعی آیت الله منتظری".

شخص دیگری را تأیید می‌کردند؛ ۲۲ میلیون آمدند به ایشان رأی دادند؛ معنایش این است که ما آن تشکیلات را قبول نداریم. رأی این ۲۲ میلیون معنایش این است که ما آن را که شما می‌گویید قبول نداریم، ایشان قاعده‌اش این بود می‌رفت پیش مقام رهبری می‌گفت شما احترامت محفوظ، ۲۲ میلیون به من رأی دادند، از من انتظارات دارند و اگر بنا بشود که بخواهید در وزرای من، در استاندارهای من دخالت بکنید، افرادی را به من تحمیل کنید من نمی‌توانم کار بکنم؛ بنابراین من ضمن تشکر از مردم استعفا می‌دهم، به مردم می‌گویم: ایها الناس می‌خواهند در کار من دخالت کنند. قاعده این بود که به این صورت عمل نماید.

مردم از وزرا هم انتظارات دیگری داشتند. من برای آقای درّی هم که وزیر اطلاعات شد، پیغام دادم که مشکل وزارت اطلاعات فقط وزیرش نبود، اصلاً بافت وزارت اطلاعات خراب است. در عین حالی که در اطلاعات آدم‌های خوب، آدم‌های علاقه‌مند و متدین نیز وجود دارد. ما خودمان طرفدار تشکیل اطلاعاتیم؛ شما مبانی فقهی من را مطالعه کنید، در جلد چهارم یک فصلش به طور مفصل راجع به «اطلاعات» است - به طور جداگانه هم چاپ شده است. آقای سراج (وقتی که رئیس کمیته بود) آن را چاپ کرد - اما اطلاعات باید روی اساس باشد نه این کارهایی که می‌کنند. به ایشان پیغام دادم که اطلاعات بافتش خراب است. اگر بناست همان معاونها و همان کادر باشند و جنابعالی فقط ماشین امضاء باشی و در اطاق وزارتخانه بنشیننی هر چه معاونها و مدیر کل‌ها آوردند زرتی امضا کنی بدان کلاهت پس معرکه است. آنچه مردم از تو می‌خواهند این است که اصلاً بافت آنجا را

عوض کنی. اطلاعاتی که هماهنگ با مردم باشد، نه یک آدمهای ناجور، آدمهایی که می‌خواهند پرونده برای افراد درست کنند. من اطلاع دارم بعضی آدمهای عوضی آنجا هستند؛ البته آدم خوب هم در آنجا هست. آقای رئیس جمهور به عقیده من قاعده‌اش این بود یک قدری محکم‌تر می‌آمد. مقام رهبری هم بایستی که همان رهبریش را می‌کرد. معنای رهبری این است که نظارت کند که در کشور کارهای خلاف شرع انجام نشود. اگر یک وقت رئیس جمهوری، وزیری خواست کار خلاف بکند، از مقررات شرع منحرف شود او جلوی او را بگیرد؛ نه اینکه یک تشکیلات و یک گارد سلطنتی درست کند از پادشاهان دنیا زیادتر؛ و کسی هم دسترسی نداشته باشد و در وزارتخانه دخالت کنند، در استاندار دخالت کنند، در همه جا دخالت کنند؛ خود ایشان، اینهایی که اطراف ایشان هستند، این غلط است. این طور کشور پیش نمی‌رود؛ کشوری که چند ارگان حکمفرما داشته باشد، دولت جدا، مجمع تشخیص مصلحت جدا و دفتر رهبری جدا، هر کدام بخواهند اعمال قدرت کنند، اینجور کشور اداره نمی‌شود؛ و حکومت مطلقه به این صورت که تکلیف کشور را دوسه نفر معین کنند و مردم هیچ‌کاره باشند این در دنیای امروز مواجهه با شکست می‌شود.

گاهی از اوقات هم می‌گویند این حرفهایی که می‌زنید تضعیف نظام است؛ آقای هاشمی شنیدم گفته: می‌ترسیم ایران هم افغانستان شود؛ خوب اشتباه کرده، نظام که شخص نیست، نظام یعنی نظام اسلامی؛ واللّه همین مردم اگر ببینند نظام اسلامی - یعنی اسلام - بخواهد زیر پا برود قیام می‌کنند.

این مردم روی علاقه به اسلام آمدند قیام کردند؛ زورگویی‌های

مأمورین و مسئولین است که مردم را از آخوند زده می‌کند! اینجور مرتب ولایت فقیه گفتن، این بیشتر زدگی دارد. ما آنچه از آقای درّی در این مدت که وزیر شده دیدیم هر جا رسیده - در خطبه جمعه شهر ری و هر جای دیگر - مرتب می‌گوید ولایت مطلقه، ولایت مطلقه! باباجان یک چیز را اگر خیلی تعریف کردی، این بد تعریف کردن است. اصلاً مردم می‌گویند ولایت فقیه چیست؟ اما اگر به او بفهمانی که دولت را مردم انتخاب می‌کنند، حکومت حکومت مردم باید باشد، مردم خودشان کشور را اداره کنند.

«ولی فقیه» هم به شرط اینکه اعلم باشد، مجتهد اعلم مدیر مدبر باید نظارت کند که بر خلاف شرع و قانون کاری انجام نشود.

آن وقتی که بازنگری قانون اساسی بود - مشروح مذاکراتش چاپ شده - در مشروح مذاکرات بازنگری قانون اساسی آقای امینی این روایاتی را که دلالت می‌کند کسی را که انتخاب می‌کنیم، باید اعلم باشد خوانده است؛ آنجا آقای خامنه‌ای یک صحبتی کرده‌اند؛ من عین عبارت را یادداشت کردم برای برادران بخوانم. در جلد اول مذاکرات بازنگری قانون اساسی صفحه ۱۹۴ وقتی آقای امینی روایات را می‌خوانند آقای خامنه‌ای می‌گویند - این عبارتی است که در بازنگری چاپ شده - : «منتها آن دو سه روایتی که آقای امینی اشاره کردند که در ذهن ما هم این روایات همواره بود واقعاً باید این روایات علاج شود. این جوابی که جناب آقای یزدی فرمودند که اعلمیت یعنی اعلمیت به اداره امر، نه این انصافاً خلاف ظاهر است؛ علاوه بر اینکه افقهیت، و فیهم من هو افقه منه، و فیهم من هو اعلم منه؛ این را حالا آقایان علما و فضلا فکر کنند و یا برایش علاجی بکنند.»

خوب جناب آقای خامنه‌ای علاجی ندارد، دو سه روایت نیست بلکه برحسب ضبط من دوازده روایت است، صحیحه هم در آنها هست؛ در روایت آمده: «هرملت‌ی که کسی را بیاورد روی کار در صورتی که اعلم از او در مردم وجود دارد، این مردم کارشان به سراشیب و سقوط می‌رود؛ مگر اینکه برگردند به آنچه ترک کردند». در آن موقع من روایات را جمع‌آوری کردم و نوشتم لیکن بعضی از آقایان مانع از ارسال آنها شدند، ولی حالا بجاست آقایان آنها را ببینند. این روایات دوازده روایت است؛ روایت‌های خیلی محکم و متقن. نوشتم: «حضرات آیات و حجج اسلام و آقایان محترم اعضای شورای بازنگری قانون اساسی دامت برکاتهم؛ و در همان نامه روایاتش را ذکر کرده‌ام. یکی از روایات این است: «انهم قد سمعوا رسول الله (ص) يقول عودا و بدءا، یعنی پیغمبر همیشه می‌فرمود: ما ولت امة رجلاً قط امرها و فيهم من هو اعلم منه الا لم يزل امرهم يذهب سفالا حتى يرجعوا الى ما تركوا».

بنابراین رهبر باید اعلم باشد؛ شخص اعلم به کتاب خدا باید نظارت داشته باشد که مردم کج نروند. اما کشور را دولت باید اداره کند و منتخب مردم باشد؛ جمهوری است؛ قانون اساسی ما این را می‌گوید. جمهوری است، مردمی است، مردم هم باید احزاب تشکیل بدهند، خودشان حکومت تشکیل بدهند و ولی فقیه - اگر واجد شرایط باشد - باید نظارت بکند، البته اختیاراتی هم دارد که در قانون اساسی ذکر شده است.

و این راهم به شما بگویم اینکه می‌گویند «خط قرمز»! این خط قرمز که مرتب می‌گویند، خط قرمز خدا و پیغمبر (ص) و امام معصوم (ع) است،

غیر از اینها خط قرمز نیست. کسی به خلیفه دوم گفت اگر کج بروی من با این شمشیر راستت می‌کنم. تازه مردم به پیغمبر هم می‌آمدند نظرشان را می‌گفتند.

این را هم به شما بگویم، اینکه چهارتا روزنامه را وادارند به یکی حمله کنند، یک عده بچه در قم راه بیندازند، اینها دیگر فصلش گذشته است. فرضاً ائمه جمعه را هم تحریک کنند یک چیزی بگویند، همه می‌دانند که امام جمعه‌ها بعضاً حقوق بگیرند؛ اگر چهارتا بچه را راه بیندازند همه فهمیده‌اند اینها دیگر بُرد ندارد. اگر روزنامه‌ها را وادارند بنویسند روزنامه‌ها این همه چیز نوشتند، آبروی خودشان را می‌برند. اینها دیگر برد ندارد باید روش را عوض کرد، باید حق را شنید و عمل کرد.

اینجا باید به آقای خامنه‌ای گفت اینکه می‌گویید این دو سه روایت را باید علاج کرد اولاً دو سه تا روایت نیست بلکه من تا دوازده روایت را اینجا جمع کرده‌ام، ثانیاً باید عمل کرد، «اینکه می‌گویید» باید فکری کرد فکرش این است که به آنها عمل کنید.

حالا صرف نظر از مسأله رهبری، مرجعیت را چرا دیگر؟! شما که در شأن و حد مرجعیت نیستید. من قبلاً به ایشان تذکر دادم، در شرف فوت مرحوم آیت‌الله اراکی بود، من به وسیله آیت‌الله مومن راجع به چند چیز برای ایشان پیام دادم. این صورت متن پیام است؛ به دست ایشان هم رسیده است، بند هفتم آن را من می‌خوانم؛ به ایشان پیام دادم: «مرجعیت شیعه همواره قدرت معنوی مستقلی بوده؛ بجاست این استقلال به دست شما شکسته نشود و حوزه‌های علمیه جیره‌خوار حکومت نشوند که برای آینده اسلام و تشیع مضر است؛ و هرچند ایادی شما

تلاش کنند جنابعالی اثباتاً موقعیت علمی مرحوم امام (ره) را پیدا نمی‌کنید؛ نگذارید قداست و معنویت حوزه‌ها با کارهای دیپلماسی ارگان‌ها مخلوط شود. - تیپ فلان چه حقی دارد بیاید در قم یک عده بچه راه بیندازد و حوزه را به هم بزند؟! - به مصلحت اسلام و حوزه‌ها و جنابعالی است که دفتر شما رسماً اعلام کند: چون ایشان کارشان زیاد است و وظیفه اداره کشور را به دوش دارند از جواب دادن مسائل شرعی معذورند و از حال به بعد جواب مسائل شرعی داده نمی‌شود و رسماً مراجعات علمی و دینی و حتی وجوه شرعی جزئی را کمافی السابق به حوزه‌ها ارجاع دهید»، این پیام تاریخش ۷۳/۸/۱۲ است وقتی که تازه آقای اراکی را برده بودند بیمارستان؛ و خود آیت‌الله مومن به من گفت یکی از این آقایان که می‌رود در دفتر ایشان در قم می‌نشیند و مسائل را مطابق نظر آقای خامنه‌ای جواب می‌دهد به ایشان گفتم که ایشان که رساله ندارد، شما چگونه فتاوا را بر طبق نظر ایشان جواب می‌دهید؟ گفت ما روی تحریر امام جواب می‌دهیم! گفتم مردم آخر مسأله ایشان را می‌خواهند، گفت: می‌گویند ایشان فتوایش مثل فتوای امام است، ما روی تحریر امام جواب می‌دهیم!

خوب این معنایش مبتدل کردن مرجعیت شیعه نیست؟! اینکه آمدند در شب بعد از فوت آیت‌الله اراکی، عده‌ای بچه راه انداختند در خیابان جلوی جامعه مدرسین، مثل همین الان که راه می‌اندازند؛ بعد هم سه چهار نفر از تهران آمدند، و اصلاً کسانی که ایشان را می‌گفتند هفت هشت نفر بیشتر نبودند و به زور هفت نفر را به عنوان مرجع گفتند که ایشان را هم جزو کنند، در صورتی که ایشان در حد فتوا و مرجعیت نیست. بنابراین مرجعیت شیعه را مبتدل کردند، بچه‌گانه کردند، با یک

عده بچه اطلاعاتی که راه انداختند! اینها مصیبت‌هایی است که ما در این کشور می‌بینیم.

خدایا به حق محمد و آل محمد (ص) استقلال این کشور امام زمان (عج) را حفظ فرما.

گرفتاریها برطرف بفرما.

مریضها شفای عاجل عنایت بفرما.

به حق محمد و آل محمد (ص) تعجیل در فرج امام زمان (عج) بفرما.

نام ما را در طومار طرفداران امیرالمومنین (ع) ثبت و ضبط بفرما.

(آمین حضار)

از همه شما معذرت می‌خواهم.

والسلام علیکم جميعاً و رحمة الله و برکاته

بخش دوّم:

تاخت و تاز

«و راستی که چه امیدها بر باد رفت، چه دلها خون شد، چه روزها تیره شد، چه برقها در چشمها کسوف گرفت و چه خندهها بر لبها فرو مرد و چه خشمها در سینهها رسوب کرد و ستبر شد! از دانشگاہیان و قلمزنان و روحانیون و در صدرشان آیتالله منتظری بپرسید بر آنان چه رفته است تا آشکارشان شود که حکایت احوالشان چگونه دل عدالت را به درد می آورد و کام مروّت را تلخ می کند و آب در چشم سنگ می نشاند.

بیست سال بر عمر جمهوری اسلامی گذشته است. بوی قدرت، خامان و کم مایگان را چنان مست کرده است که سمع و بصر خود را در باختند، قصه ما تنها نیست؛ قصه همه جایی و همیشگی است و هیچ امت و ملتی از آن مستثنی و مصون نیست».

«سیاست نامه، دکتر سروش»

□ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۷۶/۸/۲۶

با سخنرانی ۱۳ رجب در یکی از بیوت قم، ابعاد تازه‌ای از تحریکات که در ماه‌های اخیر وجود داشت آشکار گردید... طراحان این سخنرانی در این خیال بودند که با شیطنت‌های ماه‌های اخیر عناصر مطرود و کج‌اندیش که خیمهٔ انقلاب را نشانه گرفته بودند، زمینهٔ تهاجم آشکارتر و گسترده‌تر آغاز شده را فراهم کنند... امروز نه حوزه از فرزندان و عاشقان امام خالی است و نه نیروی کشور در صحنهٔ دفاع از ارکان انقلاب ناتوانند.

□ هفته‌نامهٔ ارزشها: ۷۶/۸/۲۶

فقیهی که هرچند در عرصهٔ علم دین دستی کارآمد داشته اما متأسفانه در قلمرو سیاست و حکومت از هیچ توفیقی برخوردار نبوده... دچار سوءتفاهم شده و مرتکب سخنانی سخت آشفته و بی‌مبنا می‌شود....

□ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۷۶/۸/۲۷

این عنصر ساده‌اندیش، این مجسمهٔ ساده‌اندیشی... جای تأسف دارد امروز کسانی که کوس رسوائی‌های اخلاقی‌شان در همهٔ کوی و برزن‌ها زده شده، با رفت و آمد به بیت و دفتر این شخص توانسته‌اند او را بر طبق اشتباهی سیری ناپذیری خود به عرصهٔ اظهار نظر سیاسی بکشانند و رسوائی او و خود را دوچندان کنند....

□ روزنامه رسالت: ۷۶/۸/۲۷

● کسانی که فکر می‌کنند در مرکز فهم عالم قرار دارند و سخنان مستبدانه بر زبان می‌آورند و با خشن‌ترین لحن با مردم و رهبری انقلاب سخن می‌گویند؛ نگذارند کاسه صبر ملت لبریز از نفرت این همه بی‌وفایی و نامردی گردد. خدایا تو را به مظلومیت علی (ع) قسمت می‌دهیم نگذار امام، رهبر و مقتدایمان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را مظلوم و خانه‌نشین کنند و کینه دشمنان را به خودشان برگردان.

● یا علی جان مقتدای من توئی

در هجوم فتنه‌ها مأمن توئی

با تو بیعت کرده‌ام من بارها

دست بر دامان گل چون خارها

ای ولیّ مسلمین روحی فداک!

خسته‌ام از قیل و قال ما سواک

قدر تو چون مرتضی معلوم نیست!

هیچ کس مانند تو مظلوم نیست

□ روزنامه کیهان: ۷۶/۸/۲۷

● موحدی کرمانی نایب رئیس مجلس: «واقعاً شما به دنبال چه هستید و می‌خواهید خون مقدس شهداء و ایثارگران را پایمال کنید...»

● نمایندگان مجلس پس از نطق نماینده قم شعار دادند: «مرگ بر ضدّ ولایت فقیه، مرگ بر مخالفین زهراء (ع)؟!»

● مجلس خواستار برخورد قاطع مسئولان با حرکات مشکوک علیه نظام و ولایت فقیه شد.

□ روزنامه اخبار: ۷۶/۸/۲۸

جامعه مدرسین و شورای عالی و مدیریت حوزه علمیه قم اعلام کرد: به پشتیبانی از ولایت فقیه دروس حوزه علمیه قم از ساعت ۱۰ تا ۱۲ امروز تعطیل است. از طلاب و فضلا دعوت می شود در جلسه‌ای که به همین منظور در مسجد اعظم قم با سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی تشکیل می شود شرکت کنند.

□ روزنامه رسالت: ۷۶/۸/۲۸

آیت‌الله جوادی آملی: شبهه علمی در باب ولایت فقیه را پاسخ می دهیم و شهوت عملی را در گلو خفه می کنیم... شما این حکومت را با آخرین امام نسنجید، بلکه با اولین امام بسنجید، حکومت ما را حکومت امام را حکومت شما مردم را با حکومت علی علیه السلام بسنجید. در این سنجش دو مطلب را از هم جدا کنید یکی شخص علی علیه السلام یکی حکومت علی علیه السلام.

□ روح‌الله (خسرو) حسینیان طی بیانیه‌ای در تاریخ ۷۶/۸/۲۸ خطاب به

آیت‌الله منتظری:

شما دروغگو هستید... سخنان متکبرانۀ جناب عالی که بوی گند دنیاطلبی از آن به مشام می رسد... نزاع شما نزاع منتظری - خامنه‌ای نیست نزاع شما نزاع خمینی - منتظری است... مردی که امام او را فاسق و فاجر نامید... کجایند آن لیبیک گویان خمینی بزرگ تا با شمشیر آخته‌شان بر نفاق چند چهره که هر دم سری چون رؤوس شیاطین از گوشه‌ای برمی آورند حمله برند و این شجره خبیثه را که چندی است پر از شاخه شده است از بن برکنند؟

□ روزنامه قدس: ۷۶/۸/۲۸

- هزاران نفر از مردم و طلاب قم در حمایت از ولایت فقیه راهپیمائی کردند.
- جامعه روحانیت مبارز تهران حرکات دشمن پسند بعضی افراد جاه طلب را محکوم کرد.

□ روزنامه ایران: ۷۶/۸/۲۹

انتشار نامه ۶۷/۱/۶ حضرت امام به آقای منتظری.

□ روزنامه اخبار: ۷۶/۸/۲۹

- شهر قم یک پارچه دیروز تعطیل بود. دیروز مراکز دانشگاهی، مؤسسات تحقیقی و فرهنگی شهر و دانشجویان و دانش پژوهان در این راهپیمائی عظیم شرکت کردند. گزارشهای عصر دیروز ایرنا از قم حاکی است آقای منتظری که دفتر وی مقارن ظهر دیروز مورد تعرض راهپیمایان خشمگین قم قرار گرفت در سلامت به سر می برد.
- فاکر نماینده مشهد قبل از قرائت نامه ۶۸/۱/۶ امام خطاب به آیت الله منتظری: حدود یک سال قبل چند تن از حامیان آقای منتظری به خانه من آمدند خواستار کپی گرفتن از چهار هزار سندی شدند که نزد بنده بود، آنها به این دلیل که می خواستند اسناد انقلاب را تدوین کنند از من خواهش کردند و من دستگاه زیراکس را در اختیارشان گذاشتم. وقتی ظهر به خانه آمدم دیدم آنها حدود یک هزار سند را سرقت کرده اند، اما به لطف خدا متوجه نامه ۶۸/۱/۶ نشده اند و آن نامه در پوشه باقی مانده است.

□ روزنامه ایران: ۷۶/۸/۲۹

عده‌ای از اجتماع کنندگان پس از مراسمی که در مسجد اعظم قم برگزار شد به سوی دفتر آقای منتظری حرکت کرده و قصد تصرف و تخریب این محل را داشتند. نیروهای انتظامی برای کنترل اوضاع وارد عمل شدند و برای متفرق کردن اجتماع کنندگان مبادرت به شلیک گاز اشک‌آور کردند. در جریان اقدامات بازدارنده چندتن از نیروهای انتظامی نیز زخمی شدند.

□ روزنامه کیهان: ۷۶/۸/۲۹

طی یادداشتی به قلم محمد خامه‌یار: آنچه امروز در قم گذشت خاموش کردن ابدی آتش مانده در زیر خاکستر بود که پس از ۸ سال دوباره هوس شعله‌ور شدن کرده بود. مردم دیگر از پاننشستند و ضمن تحکیم بیعت با مقام‌های ولایت در صدد برجیدن کانون اصلی این توطئه برآمدند تا کار را یکسره کنند.

□ روزنامه قدس: ۷۶/۸/۲۹

واعظ طبسی: بنده در حدّ موقعیت و مسئولیت خود از این تریبون اعلام می‌کنم که از این پس هر کس قلمش، گفتارش و در مذاکرات و مباحثاتش کوچکترین تأیید و تبلیغی به نفع جریانی که سردمدار آن منتظری‌ها هستند داشته باشد، باید در انتظار آینده‌ای بسیار تلخ باشد... آن روز، کسانی در رابطه با قائم‌مقامی ایشان شعار می‌دادند که امروز سخن از مردم سالاری می‌گویند.

□ هفته‌نامه شلمچه: ش ۲۱، نیمه دوم آذرماه ۷۶

● بیانیه شماره یک طلاب حزب‌الله، تسخیر کننده لانه جاسوسی دوّم: (۱)

لانه فاسقی که ضدّ دین است لانه جاسوسی دوّمین است سرانجام صبر انقلابی جوانان دلسوخته بسیجی و طلاب فدائی حضرت بقیه‌الله الاعظم تمام و در برابر پرخاشگری شیخ معلوم‌الحال و جرثومه فسق و بی‌دینی حسینعلی منتظری... اقدامی شایسته انجام دادند و دوّمین لانه جاسوسی استکبار جهانی را فتح کردند.

● بیانیه شماره ۴، مورخ ۷۶/۸/۳۰ خواسته‌های قانونی و شرعی خود را به شرح زیر اعلام می‌دارد:

- ۱- محاکمه علنی حسینعلی منتظری.
 - ۲- ممنوعیت تردد نامبرده و اطرافیان درجه یک او به گونه‌ای که با سران کفر از ابتدای انقلاب تاکنون برخورد شده است.
 - ۳- تعطیلی درس و پخش پولهای مشکوک که به عنوان شهریه پرداخت می‌شد.
 - ۴- حسینیّه و دفتر وی که متعلق به بیت‌المال است و غصب شده بود برای همیشه از تصرف وی خارج شود.
- ... چنانچه در عملی شدن خواسته‌هایمان از جانب برخی مسئولان تعللی شود به امت حزب‌الله معرفی خواهند شد.
- آقای منتظری محاکمه خواهد شد. می‌خواستند نامه امام را بدزدند. آقای منتظری تو کمر امام را شکستی.

۱- منظور از لانه جاسوسی، حسینیّه شهدا می‌باشد که محل برگزاری جلسات درس آیت‌الله منتظری و برگزاری مجالس عزاداری و... بوده است.

● بیانیۀ شماره ۵:

آغاز حماسه تا پایان آن نشأت گرفته از یک حرکت مردمی خودجوش بود و همه می‌دانند که شرکت ۱۴۰ هزار نفر در راهپیمائی و ۴۰ هزار نفر در تجمع مقابل لانه فساد و توطئه، کار یک تشکیلات و گروه خاصی نمی‌تواند باشد... علیرغم شایعات از سوی ایادی منتظری هیچ تخریبی نسبت به حسینیه و دفتر صورت نگرفته است - اگرچه چنین کاری دور از عقل و شرع به نظر نمی‌رسد - اما ما این کار را نکردیم بلکه محل‌ها کنترل شد و اسناد و مدارک حفظ شد.

□ نشریۀ انصار ولایت، نشریه داخلی حزب‌الله اصفهان: شماره ۱۲، سال دوم:

طی گزارشی با عنوان «چهار روز در دفتر منتظری» آورده است:

«پس از ایراد سخنان از دهان یاوه‌گوی پدر بزرگوار مهدی هاشمی معدوم... نوار سخنان او سریعاً در شهر پخش گردید... پس از سخنرانی آیت‌الله جوادی آملی حدود چهل هزار نفر از جمعیت حاضر در مسجد اعظم به طرف بیت منتظری حرکت کردند و با وجود بسته بودن درب‌های دفتر و حسینیه‌ای که تبدیل به لانه جاسوسی دومی برای نظام اسلامی بود آن را به تصرف درآوردند و همان روز اشخاص درجه اول منتظری دستگیر شدند. پس از پاکسازی دفتر و حسینیه و حفاظت از منزل منتظری طبق یک دسته‌بندی، برادران حزب‌الله همدوش با برادران اطلاعات و سربازان گمنام امام زمان شروع به تفحص در آن لانه جاسوسی نمودند، از جمله موارد کشف شده یک دستورالعمل اجرائی برای منتظری مفلوک که از آن طرف مرز برای وی آمده بود. همچنین تعدادی نوارهای مبتدل ویدئویی و صوتی، دستگاه خردکننده کاغذ

پیشرفته، سیستم مخابراتی مجهز، عکس‌ها، مجلات مبتذل و نوشته‌های حاج دباغ (سروش) و شریعتی، تصاویر بسیار زیاد منتظری و... به دست آمد. مردم در پیرامون منزل و حسینیه وی می‌گفتند:

خانه خائنی که ضد دین است

خانه جاسوسی دوّمین است

□ **فرازهایی از سخنرانی آقای مقتدایی (دادستان کل کشور) در جمع**

تسخیرکنندگان حسینیه شهدا:

● این حرکتی که شما انجام دادید که حمایت از ولایت و رهبری بود جداً تقدیر و تشکر دارد و شما این را به حساب خدا بگذارید و اجر و پاداش این حرکت را از خدا بگیرید هنیئاً لکم. پاداش خیر و جزای نیک خواهید گرفت. ... در جلسه‌ای که در جامعه مدرسین بودیم رأی گرفته شد، این تشکیلات [دفتر و حسینیه شهدا] را به صورت عادی دریاوریم که فردا اگر افرادی می‌آیند از این جا حرکت می‌کنند این جا صورت عادی داشته باشد.

● یکی از اشغال‌گران حسینیه در اینجا می‌گوید: من فکر می‌کنم این حسینیه در این سالها وضعیت نسبتاً نکبت‌باری داشته. ان‌شاءالله می‌خواهیم از حالا به بعد حسینیه شهدا به معنای واقعی شهدا باشد. می‌خواهیم برای حسینیه جبران کنیم. می‌خواهیم دعای کمیل و تمام مراسم مذهبی برقرار کنیم.

● مقتدایی: شما مراسمتان را برگزار کنید هیچ منافاتی ندارد. در اختیار شما باشد برنامه‌هایتان را اجرا کنید... شب جمعه دعای کمیل داشته باشید، صبح جمعه دعای ندبه بخوانید عزاداری داشته باشید.

● یکی از سران انصار حزب الله: اگر امام در حیات خودش این غده سرطانی را نمی‌کند چه می‌شد؟ با این که این غده سرطانی را امام با دست مبارک خودش کند دارند تلاش می‌کنند، توصیه می‌کنند یکی از بزرگان آمده بود به من می‌گفت: این مرجع تقلید است صاحب رساله است. بله حاج آقا، شریعتمداری هم صاحب رساله بود، ابوموسی اشعری هم صاحب رساله بود... روز ظاهراً دوشنبه گذشته بود، ما یک برنامه‌ای با جناب آقای ری شهری داشتیم توی همان حرم حضرت عبدالعظیم. ناهار هم آنجا بودیم تا چهار بعد از ظهر که من از آنجا آمدم قم آن جلسه فوق‌العاده را شرکت کردیم...

● آقای مقتدایی: ... ما جور هستید و زحمت کشیدید. این خدمتی که کردید ان شاء الله مورد توجه امام زمان - ارواحنا فداه - قرار بگیرد و در آینده هم اگر خدای نکرده یک قضایایی پیش آمد انتظار این هست که همین شماها بپاخیزید جوان هستید نشاط دارید از عرق مذهبی و دینی شما بهره‌برداری شود.

● یکی دیگر از سران انصار حزب الله: با مشورتی که با برادر بزرگواری که در جریان کارها بودند و ارتباطات و هماهنگی با بعضی مسئولین که در این قصه همراه و همدل ما بودند انجام می‌شد؛ تصمیم گرفته شد که راهپیمایی بعد از نماز جمعه هر چه باشکوه‌تر انجام شود. با خبر شدیم که آقای ری شهری حکمی دادند و طی آن حکم مصوبه شورای تأمین را در امور که مربوط به دادگاه ویژه بوده در ارتباط با این آقا، نافذ دانستند. خوب با این حکم می‌بینیم که قسمت دیگری از خواسته‌های ما چون ممنوعیت تدریس و تحت‌الحفظ بودن رسماً و کتباً اعلام شد... درباره محاکمه وی هم الآن وقتش نیست و مصلحت

نیست... این بچه‌ها دل‌باخته‌آقا هستند. اگر آقا نمی‌فرمایند ما سمعاً و طاعتاً می‌گذاریم و می‌رویم. الآن جوسازی‌هایی علیه ما می‌شود البته ناگفته نماند که به بی‌تدبیری ما مربوط است.

آن برادری که ما داشتیم این جا فعالیت می‌کردیم رساله را پاره پاره می‌کرد و از پنجره بیرون می‌انداخت... این را یادتان باشد ما بچه حزب‌اللهی‌ها احساساتی که می‌شویم یک خرده بی‌تدبیری می‌کنیم. بنا بر این شد که ان‌شاءالله دفتر و حسینیه در اختیار ما باشد ولی به این صورت که تظاهر آن بیرون نباشد... در بیرون از نجف‌آباد آمدند به عنوان حمایت از این بابا [آیت‌الله منتظری] در یک مسجد دعای توسل خواندند (خنده حضار) شوخی نمی‌کنم جدی می‌گویم البته افرادی هم این جا حمایت ازش می‌کردند که بچه‌ها گرفتند و در اختیار مأموران اداره [اطلاعات] گذاشتند.

□ هفته‌نامه پیام‌هاجر: ۱۸ آبان ۷۸

طی گزارشی با عنوان: مرجع تقلید است، خانه‌اش زندان؛ به شرح مفصلی از وقایع پیرامونی تهاجم به بیت آیت‌الله منتظری پرداخته است. «سالاری» که خود از نزدیک شاهد ماجراها بوده آورده است: «...کوچه را دور زدیم و به طرف در سالن ملاقات رفتیم. عده‌ای مشغول بازکردن درب دفتر بودند و عده‌ای هم مشغول ور رفتن به در کوچک حسینیه بودند. همه‌گونه فریادی به گوش می‌رسید: بکشید! بکشید! پاره کنید! این ملعون‌ها را باید بکشیم!

پس از گشودن درب‌ها به داخل هجوم بردند گویی فتح بزرگی کرده‌اند به هر چیز که می‌رسیدند اگر شکستنی بود می‌شکستند. اگر

کتاب بود پاره می‌کردند. به این هم راضی نشده و کتاب‌ها را به داخل کوچه پرتاب و زیر دست و پاله می‌کردند. جالب‌ترین که عده‌ای از میان برادران حزب‌الله فریاد می‌زدند: بین این‌ها آیه قرآن است، نهج‌البلاغه‌ها را پاره نکنید ولی کو گوش شنوا!

... نماز مغرب و عشا را بر روی همین اوراق پاره‌ها و آیات قرآن خواندند، نماز که به پایان رسید یکی از حمله‌کنندگان با لباس روحانی فریاد می‌زد: «برادران جمع شوید برویم مسجد اعظم آنجا آقای ری شهری سخنرانی دارد من با آقای یزدی تماس تلفنی گرفته‌ام ایشان گفته‌اند: آقای ری شهری باید دستور بدهند. حالا برویم و این جا را از ریشه و بُن برکنیم» به مسجد اعظم رسیدیم، جناب ری شهری در مورد اخلاق صحبت می‌کرد و اشاراتی به حوادث شهر داشت و بلافاصله اشاره کرد به نامه امام. در همین حین یکی از جلو مجلس گفت: حاج آقا نامه پخش شده است یک نمونه‌اش این جاست. جناب ری شهری نامه را گرفت، نگاهی به آن انداخت و اظهار داشت: آن نامه مفصل‌تر است و این قسمت‌هایی از آن است. این در حالی بود که نامه تحویل شده به وی هم بسم‌الله داشت و هم والسلام و امضا. ... ساعت ۸/۵ - ۹ شب بود کم‌کم هر کس پی‌کار خودش می‌رفت... عده‌ای که به منظور وارد شدن به منزل مسکونی آیت‌الله منتظری - به قول خودشان کشتن ایشان - با مشت و لگد با یک میله آهنی شروع به گشودن درب می‌کنند که موفق نمی‌شوند یکی از آنها با بی‌سیم اطلاع می‌دهد: دیلم بیاورید با این میله‌ها نمی‌شود درب را باز کرد. با سر و صدایی که ایجاد می‌شود آیت‌الله صانعی که خانه‌اش در همان کوچه است از منزل بیرون می‌آید و فریاد می‌زند: خجالت بکشید! شرم کنید! این دیگر چه کاری است که

انجام می‌دهید! ... و سرانجام برادران مهاجم از این کار می‌گذرند. و اما مردم قم در رفت و آمد بودند و با نگاه‌های حیرت‌زده چند لحظه‌ای ساختمان اشغال‌شده حسینی را ویراندازی می‌کردند و بعضی‌ها سری تکان می‌دادند...».

□ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۷۶/۹/۱

محمد یزدی در خطبه‌های نماز جمعهٔ تهران: همزمانی ظهور این ریشه‌ها قرینهٔ روشنی است که شخصاً رفت و آمد و پشت‌پردهٔ افراد تز ملیون با این آقا را دیده‌ام... این‌ها چند بار می‌خواهند مردم را آزمایش کنند، واقعاً جای امام خالی است که بگویند به کجا می‌روید. در دنیا به سوی آمریکا و در آخرت به قعر جهنم. مگر از اسلام چه بدی دیده‌اید؟ ... من با چشم خود دیده‌ام که این آقایان [ملی - مذهبی‌ها] به منزل این آقا رفت و آمد می‌کنند... مگر بقیه مسلمان نیستند هر کس از ایشان [رهبری] تقلید می‌کند ایشان را انتخاب کرده‌اند... شمایی که حرف‌های حاشیه‌ای و چرند می‌زنید باید بدانید استفتائات ایشان به اندازهٔ رساله است و خودشان قبول نکردند که رساله بدهند چه اشکالی دارد که ایشان از فقیه اعلیشان چیزی یاد بگیرند. مگر بحث‌های ایشان را شنیده‌اید و در کلاس‌های ایشان بوده‌اید. چطور مرجعیت ایشان را زیر سؤال می‌برید؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم رهبر کشور هستند هم مرجع مسلمانان جهان و حرف‌های شما هیچ نقشی ندارد... مگر مسلمانان نشسته‌اند که مراعات تو را بکنند. نه خیر حساب و کتابی در کار است این جا جمهوری اسلامی است... انتخابات جدید ریاست جمهوری چماق نیست، حرف‌های بی‌هوده را برای رسیدن به مقاصد شهوانی مطرح می‌کنید؟

□ روزنامهٔ سلام: ۷۶/۹/۱

آیت‌الله مشکینی ضمن حمایت از برگزار کنندگان مراسم مسجد اعظم، اقدامات پس از آن را نکوهش کرد.

□ روزنامهٔ کیهان: ۷۶/۹/۱

● حجة الاسلام ری شهری: امام در حضور شخصیت‌های برجستهٔ انقلاب عادل بودن آقای منتظری را رد کردند.

● میلیون‌ها ایرانی در حماسهٔ تجدید بیعت با ولیّ امر مسلمین توطئهٔ تعرض به حریم ولایت را محکوم کردند.

● آیت‌الله مشکینی در نماز جمعهٔ قم: این سخنرانی بسیار بد بود. به صلاح نظام و انقلاب و خود آن شخص نبود، در این سخنرانی هم رعایت نزاکت نشده بود، این سخنرانی مفسده‌دار بود که هیچ رعایت مسائل اخلاقی هم در آن نشده بود... ما هیچ اشکالی را در رهبری نظام نمی‌بینیم... این سخنرانی بسیار زشت و زننده بود، حالا آیا این سخنران خودش در مورد آنچه گفته بود فکر کرده است یا نه من نمی‌دانم.

● نامهٔ آیت‌الله قدیری به آقای منتظری: متأسفانه هیچ یک از مراتبی که قبلاً دربارهٔ شما قائل بودم امروز قائل نیستم و شرعاً نمی‌توانم بنویسم.

□ روزنامهٔ رسالت: ۷۶/۹/۱

تجمع برائت از منافقین و اعلام انزجار حزب‌الله از نفرین شدهٔ خمینی، افشای خط سقیفهٔ انقلاب اسلامی، دوشنبه ۷۶/۹/۳ مسجد امام خمینی. مراسم زیارت عاشورا توسط حاج منصور ارضی، سخنران حضرت آیت‌الله جنتی.

□ روزنامه ابرار: ۷۶/۹/۱

ری شهری: حضرت امام آقای منتظری را تفسیق کردند... عادل نبودن یک فقیه بهترین سند دنیاطلبی است.

□ روزنامه رسالت: ۷۶/۹/۱

بی ولایت هر که فتویٰ می دهد	درس شیطان به دلها می دهد
ما که مفتون خوارج نیستیم	از ره پاک تو خارج نیستیم
چون خمینی مرگ منما آرزو	نام تو امت نیارد بی وضو

● عسکراولادی: اگر آقایان منتظری و آذری قمی هیچگونه ارتباطی با آمریکا نداشته باشند با سخنان خود بدون مزد به آمریکا خدمت کرده اند.

□ روزنامه کیهان: ۷۶/۹/۱

مشکینی: این فرد معزول همه کمالاتش تحت الشعاع یک عیب قرار گرفت و فکرش به دست یک عده ناصالح افتاد.

□ روزنامه اطلاعات: ۷۶/۹/۲

هیات رئیسه مجلس خبرگان بر حمایت از حریم مقدس ولایت فقیه تأکید کرد.

□ روزنامه رسالت: ۷۶/۹/۳

علی غیوری: تقلید از آقای منتظری جایز نیست.

□ روزنامه کیهان: ۷۶/۹/۳

● فرمانده نیروی مقاومت بسیج: مانور پنج میلیونی لشگریان حضرت مهدی (عج) پس فردا در سراسر کشور برگزار می شود.

● اصفهان، مشهد و تبریز صحنه تظاهرات میلیونی مردم در حمایت از ولایت فقیه و محکومیت فتنه انگیزان.

● موحدی کرمانی: عناصر ساده لوح در صورتی که از عملکرد خود عذرخواهی نکنند حکم الهی در مورد آنان به طور قاطع اجرا خواهد شد.

● فاکر نماینده مشهد: در صورت تکرار حوادث اخیر نامه سراسر توهین آقای منتظری را به شخص حضرت امام (ره) منتشر خواهیم کرد... شخص آقای منتظری حتی نسبت به اعلم بودن حضرت امام نیز شک داشت و به برخی تصمیمات ایشان ریشخند می زد.

□ روزنامه جمهوری اسلامی: ۷۶/۹/۴

جمعیت دفاع از ارزشها: اظهارات آقای منتظری فاقد مبنای عقلی و شرعی است.

□ نشریه معرفت: ش ۲۳

مصباح یزدی: من آقای منتظری را بیش از چهل سال است که می شناسم ایشان از نظر معلومات حوزوی در سطح بالائی هستند، از نظر حسن نیت و خیرخواهی هم فرد شناخته شده ای هستند ولی یک نقطه ضعفی دارد و آن زودباوری و سادگی ایشان است... اینجور حرکت های ناموزون را ناشی از سادگی ایشان می دانم... با توجه به

علاقه خاصی که مردم ایران به مقام رهبری دارند طبیعی است که در مقابل حرفهای سبکی که نسبت به ایشان زده شده، همه نتوانند خویشان داری کنند.

□ روزنامه جمهوری اسلامی: ۷۶/۹/۴

● راهپیمائی میثاق با ولایت در شهرهای مختلف همچنان ادامه دارد.

● راهپیمایان اهوازی پس از نماز جمعه:

مرگ بر سه عنصر دین فروش منتظری و آذری و سروش

● راهپیمایان کرمانشاه پس از نماز جمعه:

آذری و منتظری خوارج زمانند

● راهپیمایان آذرشهر پس از نماز جمعه:

خامنه‌ای امام است، رهبر شیعیان است

□ روح‌الله (خسرو) حسینیان در جمع فرماندهان سپاه تهران:

از امام خواسته بودند که آقای منتظری به درس و بحث ادامه دهد. حضرت امام فرموده بودند: این رجل فاسق فاجر درس هم بدهد شاگرد فاسد تربیت می‌کند. امام یک فرد عادی نیست ما به ارتباط او با عالم غیب اعتقاد داریم. (پیاده شده از نوار)

□ روزنامه کیهان: ۷۶/۹/۴

هاشمی رفسنجانی: تعرض به حریم ولایت ناشی از تحلیل‌های اشتباه و نفوذ دستهای ناپاک دشمنان است.

□ روزنامه سلام: ۷۶/۹/۵

● مجمع روحانیون مبارز: ایجاد شبهه در ارکان نظام و قانون اساسی کاری عبث و دور از خرد و عاقبت‌اندیشی است. مجمع روحانیون مبارز از مردم شریف به‌خاطر حمایت از نظام و رهبری تقدیر و تشکر کرد.

● سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی: هر اظهار نظری که متضمن تلاش برای بی‌اعتبار شدن قانون اساسی، اصل ولایت فقیه، القای تصور مقابله میان رئیس‌جمهوری و رهبری صورت پذیرد... تضعیف دولت خاتمی ارزیابی می‌شود. ... اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌هایی که در جریان تظاهرات قم با نام‌های مجعول جمعی از طلاب آزاده قم و حزب‌الله و... منتشر شده است ثابت می‌کند مسأله اصلی این جماعت محکوم کردن سخنان و اقدامات علیه ولایت فقیه نیست. ... ما ضمن محکوم کردن اظهارات و اقداماتی که اصول نظام و قانون اساسی و ولایت فقیه را مورد خدشه و تهاجم قرار می‌دهد... هشدار می‌دهیم جامعه ما به آرامش نیاز دارد... هرگونه سخنی که مستقیم یا غیر مستقیم به خشونت دامن بزند عملاً در خدمت حاکمیت فساد و در نهایت استعمار قرار دارد.

□ دو هفته‌نامه ایران فردا: شماره ۳۹

اخیراً آقای محسن رفیق‌دوست در روزنامه رسالت ۷۶/۹/۵ مقاله‌ای نوشته که ضمن آن گفته‌اند: «وعدۀ الهی حق است که تا بین سر و بدن فتنه‌گر فاصله نیفتد از فتنه و فساد دست نخواهد کشید. بیت آقای منتظری از زمانهای قدیم کانون فتنه و توطئه علیه نظام و امام و صاحب ولایت از یک سو و مورد غضب اولیای دین از طرفی دیگر بوده است».

□ روزنامه قدس: ۷۶/۹/۵

رازینی رئیس شعبه اول دادگاه ویژه روحانیت: اظهارات آقای منتظری بوی توطئه و همکاری با ضد انقلاب را می دهد.

□ روزنامه کیهان: ۷۶/۹/۶

● **مقام معظم رهبری:** با خیانت کارانی که می خواستند مردم را مقابل هم قرار دهند باید طبق قانون برخورد شود. در این قضیه اگر به شخص من ستمی رفته است و کسی ظلمی کرده باشد من از حق شخصی خودم به طور کامل می گذرم و هیچ شکایتی از هیچ کس ندارم، ولی از حق مردم مطلقاً اغماض نخواهم کرد. استکبار با یک رهبر مقتدر در نظام اسلامی دشمن است ... ایادی استکبار جهانی راحت می توانند ده واسطه را پیدا کرده و خودشان را در حوزه قم به بیچاره ای برسانند... آنها خبر غلط و حرف دروغی را به فلان آدم بیچاره و مفلوکی بدهند او خیال کند که اوضاع و احوال به صورتی است که باید حالا حرفی زد و خودش و دیگران و زن و بچه خود را در بلا اندازد.

● شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی راهپیمایی فردا را لغو کرد.

□ هفته نامه شما: ۷۶/۹/۶

● باید عناصری که در دستگاههای اجرائی دولت، استانداری ها ... مرتبط یا مقلد این فرد ساده لوح و غیر عادل هستند کنار گذاشته شده و نظام اجرائی از اشخاص وابسته به جریان ضد ولایت پاکسازی شوند.

● رادیو آمریکا از قول شاهدان گفت: او باش شیشه‌ها و پنجره‌های محل کار آیت‌الله را شکستند و کلیه اثاثیه او را خرد کردند. این رادیو برای چندمین بار به مردم لقب او باش داد.

● زهرا مصطفوی [دختر امام خمینی]: امام با دلی پر خون منتظری را کنار گذاشت.

□ روزنامه سلام: ۷۶/۹/۸

سؤال یک خواننده: چرا شما در برابر گفته‌های اخیر در قم سکوت کردید؟ باور کنید که خیانت بزرگی در این باب کردید.

جواب روزنامه سلام: درباره اینکه ما به دلیل سکوتمان خیانت کردیم یا کسانی که ریختند و زدند و بستند و شکستند خدمت کردند؛ آینده روشن خواهد کرد و مردم قضاوت می‌کنند.

□ روزنامه همشهری: ۷۶/۹/۱۰

هاشمی رفسنجانی: من شهادت می‌دهم که رهبر عزیزمان آیت‌الله خامنه‌ای برای خودشان یک قدم هم برنداشتند... من فکر می‌کنم عملکرد این دوره زعامت ایشان واقعاً مشعشع است و کسانی که بخواهند از این زاویه نظر منفی بدهند ظلم می‌کنند... شماها همه یادتان است دورانی که بحث مرجعیت بود من سخنانی نکردم و درباره مرجعیت ایشان هیچ نگفتم... یک بار بحث کردیم ایشان گفتند که من حالا اگر بخواهم مسئولیت مرجعیت را بگیرم چقدر باید وقت بگذارم مگر می‌شود؟ حتی اگر رهبر هم نباشم بخواهم در یک مدت کوتاهی این کار را بکنم نمی‌شود... دیگران روی مصلحتی که

تشخیص دادند گفتند به هر حال اگر رهبری حالت مرجعیت نداشته باشد ممکن است بعضی احکامی که می دهد افرادی بیایند و بر آن خدشه وارد کنند... من اتهاماتی که به ایشان زده می شود را بی انصافی و ظالمانه می دانم.

□ محمد دشتی در جمع نیروهای سپاه:

... یک ساعت به من وقت بدهید می روم پشت تلویزیون از اول انقلاب تا حالا را تحلیل می کنم؛ علی مانده و حوضش. روز قدس و بیست و دوّم بهمین اگر راهپیمایی می آید و طرفدار انقلاب هستید چرا خانه فساد تشکیل می دهید، دنبال زن مردمید. پس چرا بیت منتظری این کار را می کنی، چرا دنبال احزاب سیاسی هستی... امام توانست این غده چرکین را از جا بکند. امام در آن نامه به منتظری نوشت تو نیاز به عزل نداری تو عدالت نداری، این ها را امام نوشت. احمد آقا رنج نامه نوشت، آقای ری شهری خاطرات سیاسی نوشت حالا این آقا می گوید: کی بود کی بود من نبودم... بارها آن سید مهدی خبیث روبروی منتظری نشسته بود او می خواست حرفی بزند سید مهدی با ابرو اشاره می کرد او هم این حرف را نمی زد. ما خودمان بودیم خودمان دیدیم. هر چه ترور بود زیر سر این آقا بود. از خانه این آقا چندین وانت اعلامیه و امکانات و اسلحه پیدا کرده اند. شما منافقین را آزاد کردی و در عملیات مرصاد آمدند. شماها باید صد بار اعدام می شدید. امام شما را عفو کرد و گفت اگر راست می گویی با درس و بحث حوزه را نورانیت ببخش. خیلی خوب آیا بخشیدید؟ یا هر چه آخوند خلع لباس شده آنجا آمدند یا هر چه قاضی شرع خلع لباس شده جمع می شوند، یک آدم درست و حسابی آنجا نمی رود که انقلاب و امام را قبول داشته باشد... امام پس از

آن نامه چون مسئولان و شخصیت‌ها گفتند پخش نشود به احمد آقا گفت: آن نامه را بیاورید و پخش نشود سپس امام به یارانش گفت: می‌ترسم اگر پخش شود مردم بریزند توی خانه این بابا خفه‌اش کنند، بکشند و بشود یک آیت‌الله نوری برای انقلاب ما.

این آخر ما دیدیم بازرگان آنجا رفت و آمد می‌کند یکی از دوستان خودش گفت: آقای فلانی، بازرگان آمده بود در قم دولت موقت تشکیل بدهد و با زیر شلوار در حیاط با ایشان قدم می‌زدند به عنوان وحدت استراتژیک ضد امپریالیستی قدم می‌زدند.... ما که بد نکردیم بازرگان را از زندان شاه آزاد کردیم مرتیکه داشت کشور را به آمریکا می‌فروخت، اسلحه بار می‌کرد در کردستان به همین کومله‌ها تقسیم می‌کرد.... این بنده خدا هم [آیت‌الله منتظری] در زندان بودی، توی سرت می‌زدند. باباش در نجف‌آباد به او گفته: پسر! روحانیت ذلیل بود امام شما را آزاد کرد، حالا قائم‌مقام شدی چرا این جور می‌کنی. چرا امام را در مقابل چهارتا منافق می‌فروشی؟ گوش نکرد. آخر بالاتر از این قائم‌مقامی چه می‌خواستی؟! پس از قائم‌مقامی رهبری اگر جامعه مدرسین اطلاعیه می‌داد و محافظه‌کاری نمی‌کرد این جور نمی‌شد و اگر طلبه‌های جان برکف نبودند حالا جزء آن هفت نفر مراجع اسمش ذکر می‌شد. چون من یک خیرهایی دارم. طلبه‌ها آمدند دور جامعه مدرسین روی آسفالت نشستند و نماز جماعت مغرب و عشا خواندند دیدند این جا جایی نیست که با خون شهدا بازی کرد این جا نباید امام را تنها گذاشت، شما فکر می‌کنید آمریکا بیاید به شما رحم می‌کند.... کل این باند باید دستگیر می‌شدند و اعدام می‌شدند. امام بزرگوارانه عمل کرد باز هم دهان باز می‌کند علیه نظام حرف می‌زند فکر کردید! یک عده خالص رفتند خون دادند جان دادند و شما این جا خیانت می‌کنید.

خدا ریشه این‌ها را بکند. از آیت‌الله صاحب رساله‌اش تا گورباچفش به واسطه خون شهدا نتوانستند هیچ غلطی بکنند... وقتی می‌خواهم افشا کنم می‌گویند این آخوند تند است و مُخس خوب کار نمی‌کند، می‌گویند چه ضرورتی دارد از امام دفاع کنی...^(۱)

□ روزنامه رسالت: ۷۶/۹/۱۱

ما منتظریم تا محرّم گردد

هنگامه امتحان فراهم گردد

ما می‌دانیم و تیغ و حلقوم شما

یک موز سر علی اگر کم گردد

● سیاست‌مداران بی‌دین در مشروطیت با استفاده از ساده‌لوحی

برخی علماء انقلاب را منحرف کردند.

□ درّی نجف‌آبادی وزیر اطلاعات وقت، ۷۶/۹/۱۱ در جمع عده‌ای از

روحانیون و شخصیت‌های کشوری:

از گذشته می‌گفتند ایشان فردی عجول است. البته خدا خواست که

۱- محمد دشتی یکی از روحانیون حوزه علمیه قم و از شاگردان آیت‌الله منتظری بود. وی در دوران قائم‌مقامی معظم‌له در مدرسه امام باقر (ع) قم در جمع طلاب با اشاره به عکس آیت‌الله منتظری وی را «خورشید تابان» توصیف می‌کرد. ایشان با وجود آنکه یکی از مترجمان نهج‌البلاغه بود اما چنانکه بایسته است از مکتب نهج‌البلاغه، اخلاق مواجهه با متقدمان و مخالفان را نیاموخته بود. وی پس از بازگشت از جلسه سخنرانی بر علیه آیت‌الله منتظری برای توجیه نیروهای سپاه کاشان، در جاده کاشان - قم بر اثر سانحه چپ‌شدن اتومبیل از دنیا رفت.

در این کار عجله کند. این سخنرانی از نظر خبرگان قانون اساسی، و نظرات امام و رهبری دارای اشکال است. این مسائل نشان می‌دهد که ایشان از یک سلامت کامل در برخورد و نقد و نظر برخوردار نیست. به نظر می‌رسد این سخنرانی یک عقده‌گشایی واقعی نسبت به امام، خبرگان و مقام ولایت است.

□ نشریه بنیاد: شماره ۱۳۱، ۷۶/۹/۱۱

محسن رفیق‌دوست: اوایل سال ۵۹ و اواخر سال ۵۸ بود که خدمت امام شرفیاب شدم در مورد مبلغی بلاصاحب که نزد من بود سؤال کردم ایشان نحوه هزینه کردن پول را به آقای منتظری محول کردند. اولین حواله آقای منتظری پرداخت هفتاد میلیون ریال به سید مهدی هاشمی بود. هیأتی از عراق مهمان مهدی هاشمی بود، بنده را دعوت کردند هنگامی که شب وارد شدم مشاهده کردم بر روی میز، تعداد زیادی شیشه خالی و پراز مشروب الکلی قرار دارد؛ با اعتراض مجلس را ترک کرده موضوع را به آقای منتظری منعکس کردم. ایشان در جواب گفت: شما در این کارها مداخله نکن. معلوم بود خودش اطلاع کافی داشته؛ من دلم آرام نشد و موضوع را خدمت امام رساندم. امام با تغییر و ناراحتی فراوان دستور دادند از باقی مانده پول هیچ مبلغی در اختیار آقای منتظری قرار نگیرد.

□ روزنامه رسالت: ۷۶/۹/۱۲

منتظری با حصری که دور خود پیچیده تشخیص حق و باطل را از دست داده است.

□ هفته‌نامه کیهان هوائی: ش ۱۲۵۸، ۷۶/۹/۱۲

گل آقا (کیومرث صابری): ...این قلم با رهبر نیز بیعتی دائم دارد، آنان که ثبات مقدس انقلاب را به آشوب و پراشوب می‌خواهند و رهبر و رهبری را نشانه گرفته‌اند بدانند: این قلم نیز تا هست بر بیعت خود با رهبر استوار است، ما نیز چشم به رهبر داریم امروز و همیشه.

□ هفته‌نامه شما: ۷۶/۹/۱۳

● در روزهای هفته جاری صداهای استعماری و غربی به‌طور هماهنگ از محاکمه آقای منتظری اظهار نگرانی کرده و تحلیل‌هایی کرده‌اند که اضطراب آنها را کاملاً آشکار می‌سازد.

● تنها راه جلوگیری از بی‌حرمتی به حریم مرجعیت آن است که جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و روحانیت با انتشار بیانیه‌ای آقای منتظری را به دلیل فقدان عدالت از این منصب خلع کنند.

□ روزنامه جمهوری اسلامی: ۷۶/۹/۱۵

احمد جنتی در نماز جمعه تهران: رادیوها و دستگاه‌های تبلیغاتی و بعضی «عالم‌نماها» برای متزلزل کردن ارکان نظام انقلاب اسلامی همچنان توطئه‌های گوناگون را طرح‌ریزی می‌کنند.

□ کیهان هوایی: ش ۱۲۵۹، ۷۶/۱۲/۱۹

در پی تظاهرات گسترده و اعتراض‌آمیز علما و مردم قم به سبب تحرکات اخیر یکی از کانونهای مورد طمع مبلغان جدایی دین از سیاست، افراد مرتبط با هادی هاشمی (برادر مهدی هاشمی معدوم) از

جمله همسر وی چند قرآن را به آتش کشیدند و اوراق نیمه سوخته آن را نزد برخی شخصیت‌های سرشناس این شهر بردند و ادعا کردند که افرادی از تظاهرکنندگان وارد حسینیه شده (حسینیه مجاور منزل فرد معزول از جانب حضرت امام) و این قرآن‌ها را به آتش کشیده‌اند.

□ هفته‌نامه شما: ۷۶/۹/۲۰

اینکه ولی فقیه باید مرجع باشد، مرجع نیز باید اعلم باشد از جمله شبهاتی است که از سوی برخی فریب‌خوردگان ساده لوح مطرح گردید. حال آنکه همین شبهه می‌توانست در زمان امام هم مطرح باشد. وقتی انسان به دام شیطان می‌افتد در امر سیاست به فتوای آمریکا عمل می‌کند و به چنین وادی مسخره‌ای سقوط می‌کند.

□ روزنامه ایران: ۷۶/۹/۲۴

خاتمی: مسأله قم مسأله فوق‌العاده‌ای نیست، اظهار نظری شده که خیلی از علماء با آن مخالفت کرده‌اند، این اظهار نظرها و مخالفت‌ها لازمه دموکراسی است.

□ روزنامه اطلاعات: ۷۶/۹/۲۷

خاتمی: دفاع از قانون یعنی دفاع از ولایت فقیه... نباید کسانی خارج از دولت، متولی حق مردم، حق اسلام و چیزهای دیگر بشوند.

□ هفته‌نامه ارزشها: ۷۶/۹/۳۰

مجید انصاری: آقای منتظری مرتکب زشت‌ترین منکرات یعنی تضعیف نظام مقدس جمهوری اسلامی شده است.

□ ماهنامهٔ پیام امروز: درّی نجف آبادی وزیر اطلاعات، ۲۱/۱۰/۷۶

انتقاد و تذکر دوستانه با توهین و مسأله آفرینی و به راه انداختن جنگ قدرت و برخورد سیاسی فاصله دارد... افرادی با نغمه‌های شوم ولایت فقیه را زیر سؤال می‌برند... بعضی‌ها به خاطر آنکه امام آنها را صالح ندانستند با وسوسه‌های شیطانی و نفسانی می‌خواهند انتقام بگیرند.

□ روزنامهٔ جامعه: ۲۸/۱۱/۷۶

محمد یزدی [رئیس وقت قوه قضائیه]: در پی سخنرانی خطرناک آیت‌الله منتظری در ۱۳ رجب و انتشار آن، مردم قم به سمت حسینیه‌ای که تحت نظارت وی است راهپیمائی کردند و این مکان را تحت اختیار گرفتند ولی حمله به خانه آقای منتظری صحت ندارد. رئیس قوه قضائیه گفت: به دلیل تندروی‌های آقای منتظری محدودیت‌هایی برای وی وجود دارد ولی از جان وی حفاظت می‌شود.

□ بهمن: ۷۶

چاپ ویژه نامهٔ جمعیت دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی با عنوان: «منتظری از اوج تا فرود».

□ هفته‌نامهٔ عصر ما: اسفندماه ۱۳۷۶

ذیل حرفهای آقای رفیق دوست در نشریهٔ بنیاد ش ۱۳۱:

ما به هیچ وجه قصد دفاع از کسی را نداریم... اما به خود حق می‌دهیم پرسیم تا چه حد حاضریم به حضيض ابتدال و بی‌مایگی سقوط کنیم که برای نیل به منافع خود به سخیف‌ترین شیوه‌ها برای پایمال کردن

حریف دست بزنییم... نسبت دادن چنین اتهامی به یک مرجع شیعه در تاریخ بی سابقه است.

□ خبرنامه سیاسی فرهنگی جامعه مدرسین: ش ۷۱۰

اطلاعیه‌ای در خصوص خطر مطرح شدن دوباره باند سید مهدی هاشمی و حامیان وی در کشور، در نماز جمعه قم توزیع شده است.

□ روزنامه جامعه: ۷۷/۲/۹

رحیم صفوی فرمانده کل سپاه: بعضی‌ها را باید گردن بزنییم، بعضی‌ها را زبانشان را قطع می‌کنیم زبان ما شمشیر ماست... من در شورای امنیت ملی ایستادم و گفتم جریان آقای منتظری باید مشخص شود، زیرا او یک شخص نیست یک جریان است.

□ روزنامه جامعه: ۷۷/۲/۲۶

رهبری در پیام به مردم اصفهان: عناصر فریب خورده و فتنه‌گر بدانند که اینجانب اجازه نخواهم داد آنان امنیت و آرامش ملت ایران را برای هدفهای خائنانه و حقیر خودشان برهم زنند.

□ روزنامه رسالت: ۷۷/۲/۲۶

علی‌اکبر پرورش: اعلامیه رهبر معظم انقلاب [به مردم اصفهان] آن بارش رحمت بود که آتش فتنه را خاموش ساخت و نسیم جانبخش را در هوا پراکند.

□ ۷۷/۲/۲۷

در اطلاعیه‌ای که به شرح وقایع روز جمعه (۷۷/۲/۲۵) می‌پردازد آمده است: ...نیروهای انصار حزب‌الله از شهرهای مختلف برای لبیک به ندای رهبری! به اصفهان آورده شده بودند. راستی اگر آنها مردم اصفهان بودند چرا اکثریت‌شان نمازشان را شکسته خواندند؟!

□ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۷۷/۲/۲۸

یک گروه از منافقان که برای ایجاد آشوب در نجف‌آباد و اصفهان به این شهرها رفته بودند بعد از تجمع عظیم مردمی روز جمعه در این دو شهر و برهم خوردن نقشهٔ فتنه‌گران، در حین بازگشت از اصفهان در جادهٔ دلیجان دستگیر شدند.

□ تابستان ۷۷

انتشار کتابی با عنوان: «از جدایی تا رویارویی» با هدف بررسی ماجرای ۱۳ رجب و حوادث پس از آن. تألیف و چاپ این کتاب توسط ادارهٔ سیاسی ستاد نمایندگی ولی‌فقیه سپاه صورت گرفت. این کتاب دارای یک مقدمه و هفت فصل می‌باشد. فصول این کتاب با این عنوان‌ها ترتیب یافته:

منتظری و دوگانگی در گفتار، پاسخ به چند شبهه پیرامون موفقیت و اختیارات ولی‌فقیه، تحلیل مقام معظم رهبری پیرامون حادثهٔ ۲۳ آبان، اظهارات علما و شخصیت‌ها دربارهٔ آقای منتظری، موضع‌گیری گروه‌های سیاسی و نهادها.

ادارهٔ سیاسی سپاه که این کتاب را طی دو نوبت به چاپ رسانیده و

هدف اصلی را توجیه سیاسی کادر سپاه در قبال سخنرانی ۱۳ رجب آیت‌الله منتظری قرار داده است. در ذیل فصل دوم با عنوان ج: «زیرکی آقای منتظری در خروج از تنگناها» آورده است:

«از جمله ویژگی‌های آقای منتظری که در ورای چهره و خوی ساده وی نهفته، زیرکی همراه با ذکاوتی است که با اتکا به آن توانسته بارها خود را از تنگناهای به وجود آمده برای خود رهایی بخشد». در این کتاب در شمار موارد زیرکی آیت‌الله منتظری؛ سخنرانی ۱۳ رجب و مطرح کردن بحث فقهی اعلمیت در مرجعیت با استفاده از اسلوب فقهی - سیاسی را ذکر کرده است. در این کتاب آمده است: «از قضا این مرتبه نیز ترفند وی کارگرافتاد و با زیرکی توانست با مطرح کردن بحث اعلمیت و نظارت ولایت فقیه اذهان بزرگان حوزه را تنها متوجه بخش فقهی حادثه کند؛ به طوری که هسته و انگیزه نهایی بحث که یک امر کاملاً سیاسی بود از انظار مخفی و پنهان باقی بماند. متأسفانه به جز بخش اندکی مابقی به همان سمتی رفتند که مورد نظر آقای منتظری بود، ...دلیل دیگر در تأیید انحراف اکثر اذهان از اصل غائله اخیر منتظری، فرمایشات مقام معظم رهبری در پنجم آذر بود که بر خلاف اغلب اظهارات ارائه شده درباره حادثه قم که بیشتر به مباحث فقهی و قانونی توجه داشت، به تحلیل ابعاد سیاسی حادثه پرداخت». در همین کتاب آمده است (ص ۱۰۳): «باید منتظر ماند دید که سرانجام توازن وضعیت کنونی به سمت حذف قاطع و همیشگی وی از عرصه کلیه امور برهم خواهد خورد یا این که همچون گذشته این اوست که می‌تواند صحنه را به سود خود دگرگون سازد، اگر چه به طور قطع وضعیت اول می‌تواند برای نظام دستاوردهای بسیار مثبتی به همراه داشته باشد».

□ ۲۷ آبان ۷۸

طی امروز و دیشب بسته کوچکی در قم پخش شده و بعضاً داخل منازل انداخته می‌شد که داخل آن دو عدد شکلات با یک نوشته بر کاغذی رنگی است که در آن آمده: ولادت با سعادت حضرت علی اکبر و یوم‌الله ۲۸ آبان دومین سالگرد تسخیر کانون توطئه و نفاق بر امت مسلمان گرامی باد. «حزب الله»

□ بهمن ۷۸

تحصن برخی از طلاب و روحانیون که تعداد آنها را بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ تن ذکر کرده‌اند و نوعاً از شاگردان آیت‌الله مصباح یزدی و برخی چهره‌های شناخته شده حوزه در حوادث و اغتشاشات مختلف بودند، در تاریخ ۷۸/۱۱/۱۴ در مسجد اعظم قم برگزار شد. این تحصن در اعتراض به چاپ کاریکاتوری از نیک‌آهنگ کوثر در روزنامه آزاد بود. در این کاریکاتور تمساحی با دم خود روزنامه‌نگاری را از کمر حلقه کرده بود. همزمان با این تحصن، هفته‌نامه پرتو سخن متعلق به مؤسسه آموزشی امام خمینی (ره) تحت اشراف آقای مصباح یزدی کاریکاتوری را چاپ کرد که هر بیننده‌ای در اولین نگاه پی می‌برد با قصد توهین صریح به آیت‌الله منتظری طراحی شده است. این عمل ناشیانه، بی سابقه و توهین آمیز نشریه مؤسسه آیت‌الله مصباح یزدی یکی از عوامل اساسی جهت برچیده شدن بساط تحصن شد، چون فریادهای این نشریه و صاحبان آن گوش فلک را کر کرده بود که «توهین به علمای اسلام توهین به دین است» ولی همان‌گونه که مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم طی بیانیه‌ای اعلام کرد: «چرا یک جا سکوت

و جایی دیگر فریاد؟!» در این طرح، کاریکاتوریست فردی را کشیده بود که دارای محاسن خاص و کروات است و عموسام بر مغز وی مهر می زند.

هیأت نظارت بر مطبوعات در تاریخ: ۷۸/۱۱/۱۶ طی یک اقدام بی سابقه - در مورد هتاکی های بی شمار علیه آیت الله منتظری توسط جراید مختلف - با اعمال ماده ۲۷ قانون مطبوعات طی یک جلسه به بررسی کاریکاتور فوق پرداخته و پروانه آن را لغو کرد.

ابوالحسن حقانی از شاگردان آقای مصباح طی نوشتاری که در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۷۸/۱۱/۱۹ به چاپ رسید از عمل خود دفاع کرد و منکر آن شد که قصد توهین به فقیه عالیقدر را داشته است. هم چنین وی به هیأت نظارت بر مطبوعات شدیداً انتقاد کرده بود که: «ماده ۲۷ قانون مطبوعات اهانت به مراجع مسلم تقلید را از موجبات لغو امتیاز نشریات شناخته و گذشته از این که این هیأت نمی تواند بگوید چه کسی مرجع است، با توجه به نامه ۶۸/۱/۶ امام خمینی و مواضع بسیاری از افراد و نهادها در مرجعیت آقای منتظری تردید وجود دارد.»

سرانجام مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تحت ریاست آقای مصباح یزدی به دیوان عدالت اداری شکایت کرد که توسط این نهاد - با ریاست آقای درّی نجف آبادی - از این نشریه رفع توقیف شد و پرتو سخن در تاریخ ۷۹/۲/۱۱ تیتراژ زد: «پرتو سخن آزاد شد» تا کارنامه عدالت سوزی سنگین تر از گذشته شود. از آن زمان تا به حال اگر چه پرتو سخن در صفحات میانی خود گاه به گاه ستونی تحت عنوان: «تقوای مطبوعاتی» را به خود اختصاص می داد ولی هر از چند گاهی با

هدف نقد آیت‌الله منتظری و نظرات ایشان از توهین، افترا و کذب کم نگذاشته است.

□ جمعه: ۸۰/۴/۱۵

حملات هماهنگ برخی ائمه جمعه در مراسم نماز جمعه به آیت‌الله منتظری و طرح مجدد مسایل مربوط به سید مهدی هاشمی و حمله به کتاب خاطرات.^(۱)

□ ۱۸ تیرماه ۸۰

خرابکاری در سایت اینترنتی آیت‌الله منتظری و قرارداد آن روی سایت سازمان مجاهدین خلق. روزنامه‌های کیهان و رسالت نوشتند: معلوم می‌شود هماهنگی میان آقای منتظری و مجاهدین وجود دارد. گفته می‌شود متصدی خرابکاری در سایت فردی از مجاهدین خلق است که ساکن سوئد می‌باشد.

□ روزنامه کیهان: ۸۰/۴/۳۰

با امضای طوماری خطاب به رئیس قوه قضائیه، هزاران شهروند قمی به دلایل زیر خواستار محاکمه آقای منتظری شدند:

- ۱- توهین و اهانت به امام امت؛
- ۲- افشای اسناد و اسرار نظام؛
- ۳- اهانت به فرزند امام راحل و مسئولان نظام؛
- ۴- زیر سؤال بردن هشت سال دفاع مقدس.

۱- کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری در سال ۱۳۷۹ منتشر شده بود که در بخش بعدی به آن پرداخته شده است.

□ ۸۰/۵/۱

موحدی کرمانی نماینده ولی فقیه در سپاه: خدا لعنت کند منتظری را که گفته است ولایت فقیه به استبداد منتهی می شود. جای تعجب است که این شخص هنوز در لباس روحانیت است و در چند سال اول انقلاب وجهه و حیثیتی بیهوده به هم زد.

□ ۸۰/۵/۱۵

مسدود شدن کلیه حساب های آیت الله منتظری و دفتر ایشان و افتتاح حسابی توسط دادسرای ویژه روحانیت قم به شماره ۱۱۵۳۰ و واریز مبالغ متعلق به آیت الله منتظری و دفتر به این شماره.

□ ۸۰/۶/۱

صدور دستورالعمل ممانعت خبرنگاران خارجی برای سفر و تهیه گزارش از نجف آباد.

□ خبرنامه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ۸۰/۶/۱۵

در این خبرنامه ویژه نامه ای با عنوان: «عملکرد و مواضع آیت الله منتظری بعد از حصر» به چاپ رسیده که با تقطیع برخی مواضع آیت الله منتظری آنها را نقطه ضعف محسوب کرده است.

□ هفته نامه پرتو سخن: ۸۰/۱۱/۱۷

برخی گزارش های رسیده حاکی از آن است که دست هایی با جدیت در پشت پرده تلاش می کنند تا در وضعیت آقای منتظری تغییر ایجاد

کنند. دلیل تلاش‌کنندگان نرمش آقای منتظری در برابر بعضی از مسئولان و پشیمانی ظاهری از گذشته است. یادآوری این نکته لازم است که آقای منتظری برای نفوذ در افکار عمومی مواضع خود را به صورت ظاهری تغییر داده، اما هیچ موفقیتی به دست نیاورده است، احتمال می‌رود موضوع مذکور نیز طرح جدیدی از سوی آقای منتظری علیه نظام اسلامی باشد.

□ خبرنامه سیاسی فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمی قم شماره ۷۵۰.

۸۰/۱۱/۲۵: چاپ مطلبی با عنوان: تلاش‌های پشت پرده.

● عین مطالب ذکر شده در هفته نامه پرتو سخن در بولتن جامعه مدرسین هم آمده است. (معلوم نیست منبع اصلی تهیه آن کدامیک هستند و شاید هم ارگان ثالثی تهیه کننده خبر مجعول باشد).

□ بولتن خبری و تحلیلی شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی: ش

۱۱، نیمه دوم خرداد ماه ۸۱

شخصی به نام نصرالله صالحی نجف‌آبادی در شهر رهنان از توابع اصفهان مدعی شده است: امام خمینی تروریست بوده و من امام را قبول ندارم و نامه ۶۸/۱/۶ نیز جعلی است... وی در دفاع از منتظری گفته است: آقای منتظری به خاطر یک جمله که آقای فلانی شما به حکومت رسیده و به مرجعیت کاری نداشته باشید پنج سال در حصر بوده است. ملاحظه: حصر منتظری به خاطر دخالت وی در امور سیاسی به نفع گروه‌های محارب صورت گرفته است و این کار با تصویب شورای عالی امنیت ملی بوده است.

□ ۸۱/۵/۱۰

انتشار اعلامیه‌ای ۴ صفحه‌ای با امضای «مدیریت سیاسی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم» با عنوان فتنه خاموش در رابطه با حصر فقیه عالیقدر که مشتمل بر دروغ و اهانت‌های بسیار است. در این اعلامیه آمده است: «برخی مربوطین به بیت آقای منتظری از دفتر وی ماهیانه دویست هزار تومان دریافت می‌کنند.»

□ روزنامه همبستگی: ۱۳۸۱/۶/۲

الهام رئیس مرکز تحقیقات و پژوهش‌های شورای نگهبان: رفع حصر از آقای منتظری ناامنی در کشور بوجود می‌آورد و این همان چیزی است که آمریکا می‌گوید.

□ ۸۱/۶/۳

جوابیه حجة الاسلام احمد منتظری به اظهارات غلامحسین الهام رئیس مرکز تحقیقات شورای نگهبان

□ بولتن برگزیده اخبار: ۸۱/۶/۴

حمایت منتظری از پورزند، ناراحتی از افشای ارتباط ضد انقلاب با این بیت فاسد.

□ ۸۱/۸/۲۳

ارسال نامه‌ای با امضای «جمعی از طلاب و فضلالی حوزه علمیه قم» خطاب به معاونت جامعه و روحانیت جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

این نامه که با امضای کلی مذکور ارسال شده و به تاریخ و شماره $\frac{۲۴}{۷۰۱}$ به دفتر معاونت جامعه و روحانیت وارد شده، از پرداخت شهریه آیت الله منتظری که به طور مخفی بوده و علنی شده ابراز نگرانی کرده دلایل آن را ذکر کرده است.

□ روزنامه کیهان: ۸۱/۹/۱۱

ابوالقاسم خزعلی (عضو سابق شورای نگهبان): آقای خامنه‌ای مردی فاضل است دانشمند و پخته. امروز هم می‌گویم بهتر از ایشان نداریم. در مجموع فضایل از همه بالاتر است. ببینید کسی مثل آقای منتظری از نظر فقهی خیلی خوب است ولی از نظر سیاسی خام خام است. آقای منتظری با من رفیق است. اتفاقاً می‌گویند من هر وقت قرآن می‌خوانم خزعلی را یاد می‌کنم ولی من از اول هم با رهبری او مخالف بودم چون می‌دانستم ساده است. وقتی خبرنگار رأی‌گیری شد اغلب رأی دادند ولی من و آقای جوادی آملی و چند نفر دیگر رأی ندادیم چون او ساده است و دامادش کلاه سرش می‌گذارد ولی شما نگاه کنید به آقای خامنه‌ای چقدر بیدار است....

□ نام پنج تن از سران عملیاتی شرکت کننده در تهاجم به بیت آیت الله منتظری:

- ۱- احمد پناهیان، ۲- حسین استادآقا، ۳- محمدحسین یکتا، ۴- مهدی سلحشور ۵- ابوالفضل نوری.

لازم به ذکر است اسامی بیش از ۲۰۰ تن از تهاجم‌کنندگان و اسناد مربوط به آنان محفوظ است که نوعاً از اعضاء بسیج مدارس علمیه زیر نظر تیپ ۸۳ امام صادق (علیه السلام) و برخی طلاب مبتدی مدرسه معصومیه

بودند. گذشته از نیروهای مهاجم قم، از گروه «کمیل کاوه» اصفهان هم در این حملات استفاده شد. ناگفته پیداست که آمران از چه نهادها و ارگانهایی اعم از انتخابی یا انتصابی بوده‌اند.

از چشم یار

□ روایتی از حاج احمد آقا منتظری دربارهٔ حضور نیروهای سپاه و اطلاعات در منزل آیت‌الله منتظری:

«... حدود ساعت ده صبح از طرف سپاه آمده بودند که ایشان به هیچ وجه صلاح نیست توی این منطقه و توی این منزل باشند، چون گروه زیادی در حال حرکت هستند و ما توانایی جلوگیری از آنها را نداریم؛ و ممکن است درون منزل بیایند و خسارتی به ایشان وارد شود به حدی که امکان دارد ایشان زخمی و یا کشته شوند و ایشان باید از اینجا بروند. با من مطرح کردند و من وقتی با آقا مطرح کردم ایشان به شدت مخالفت کردند و گفتند: «اینها ادعا دارند که هشت سال در مقابل لشگرهای صدام ایستاده‌اند که از طرف همهٔ دنیا حمایت می‌شد؛ حالا چطور در مقابل یک عده آدم‌های بی‌سلاح نمی‌توانند مقاومت کنند؟! اگر وظیفه دارند در مقابل کارهای خلافی که صورت می‌گیرد مقاومت کنند و از ما حفاظت کنند این کار را بکنند؛ وگرنه من همین جا هستم و اگر کشته هم بشوم توی همین اتاق خودم کشته شوم».

من وقتی برای سپاهی‌ها این را نقل کردم قبول نکردند و گفتند ما باید خودمان بیائیم و ایشان را قانع کنیم؛ که آمدند و با ایشان صحبت کردند و همان صحبتها را آقا تکرار کردند... بعد که داخل حیاط منزل آمدند من

درب اتاق را قفل کردم و همین طور که در حیاط بودند یک وقتی بی سیم سردار کریمی [فرمانده سپاه قم] به صدا درآمد که گویا فرمانده مافوقش بود و می‌گفت: باید ببریدش، حتماً باید ببریدش، بکشید بیرون، با طناب ببندید و بکشید ببرید.»

بخش سوم:

مقاومت‌های ماندگار

قالوا تروح الى السجن فقلت اي
انّ السجن مواطن الآساد
و ما كان كل من دخل السجن مجرم
قد كان يوسف ذروة الامجاد *

گفتند: به زندانی شدن تن می دهی؟ گفتم: بلی!
چراکه زندان جایگاه شیران است
و این گونه نیست که هر کس زندانی شود مجرم باشد
چراکه یوسف خود قلّه رفیع مجد و عظمت بود

* این دو بیت را «وهبه الزحیلی» از اندیشمندان و مفسران عرب اهل
سوریه در سفری به ایران در تمجید از آیت الله منتظری - هنگامی که معظم له
محصور بودند و او موفق به دیدار نشد - بازخوانی کرد که سالهای حصر این
دو بیتی بر دیوار مجاور بیت آیت الله منتظری چشم و دل هر بیننده ای را
به خود جلب می کرد.

□ نامه مسعود حرّی ۱۱ ساله خطاب به آقای خاتمی: ۷۶/۹/۸

بنام ایزد یکتا

سلام به رئیس جمهور عزیزمان

شما مگر نمی‌دانید با پدر بزرگ من چه کرده‌اند؟ منظور آیت‌الله منتظری است. شما اگر نمی‌توانید کاری بکنید، عکس‌العمل نشان دهید. آقای خامنه‌ای می‌خواهد شما را به طرف خود بکشد و از آیت‌الله منتظری دور کند، ولی من می‌دانم که شما این کار را نمی‌کنید. خواهش می‌کنم به خواسته من عمل کنید. لطفاً جواب نامه من را بدهید و به کسی نگوئید.

متشکرم مسعود حرّی، چهارم (ب) (۱) - ۷۶/۹/۸

جواب آقای خاتمی:

فرزند عزیزم آقای مسعود حرّی، سلام مرا بپذیر.

نامه خوب و پر از احساس شما را دریافت کردم. از محبت شما سپاسگزارم. ما و شما باید بدانیم که همیشه در زندگی مشکلات هست منتها انسانهای بزرگ کسانی هستند که با هوش و صبر و حوصله در صدد شناخت درست مشکلات و حل مناسب آنها به صورتی که هم خدا راضی باشد و هم مصلحت مردم در آن باشد برمی‌آیند. امیدوارم

۱- مسعود حرّی از نوادگان آیت‌الله منتظری می‌باشد که با فرزند آقای خاتمی همکلاس بوده و توسط ایشان نامه به آقای خاتمی رسیده است.

شما هم دارای صبر و انصاف باشید و بکوشید با بالابردن سطح دانش و بینش خود برای اسلام و جامعه فردی مفید و خدمت‌گذار باشید. موفقیت شما را خواستارم.

سیدمحمد خاتمی - ۷۶/۹/۱۴

□ طی نامه‌ای خطاب به آقای خاتمی: ۷۶/۹/۳

اعتراض شدید جامعه زنان انقلاب اسلامی نسبت به توهین‌ها و اقدامات تخریبی و حصر آیت‌الله منتظری.

□ هفته‌نامه نوید اصفهان: ۷۶/۱۱/۸

نامه هشتاد و چهار تن از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور به رئیس جمهور: یکی از مصادیق بارز ناامنی، حمله سازمان یافته به بیت آیت‌الله العظمی منتظری و محصور شدن بعدی و تعطیلی درس و دفتر ایشان و دستگیری عده زیادی در قم و مشهد بود....

□ جریده الشراع (سوریه):

مناشدة اسلامية للسید خاتمی دفاعاً عن منتظری: ...بلغنا شدید الأسف انباء تعرض بسماحة آية‌الله العظمی الشیخ حسین علی المنتظری للضرب علی ید مجموعات متوجهة قم توجیها من قبل جهات مسؤوله ارادت النيل من سماحته بسبب آراء عرضها سماحته وجد التكلیف الشرعی یحتم علیه الادلاء بها، لكن جهات مسؤولة معروفة استغلت الموقف فی توجیه اقدر التهم لسماحته والتعرض الیه، ومحاولة اغتیاله جسدياً و شخصياً.

...مما يشكل بادرة خطيرة في ظل الجمهورية الاسلامية التي يستوجب عليها حفظ مقام المرجعية الدينيه، كما ان استغلال المنابر و صلاة الجمعة في الدعوة الى هتك سماحته و سماحة آية الله الشيخ احمد آذرى قمى... فالقضية ليست قضية اشخاص انتقدوا تصرفات هذا و ذاك، انما هي قضية التشيع والحوزة العلمية والمرجعية الدينية... ان الاهانة التي وجهت للشيخ المنتظري و للشيخ آذرى قمى، انما هي اهانة لمقام العلم و العلماء و هي لا تحتمل، واعتداء على الحوزة العلمية، و تحد لمشاعر مئات الملايين من المسلمين، بنحو لم يجر تحت اى نظام سابق في العصر الحالى لا في ايران و لا في غيرها. ان كلمة الحق واجبه و عليه جاننا نناشدكم بوصفكم رئيساً للجمهورية الاسلامية اعمال حكومتكم التي استمدتم شرعيتها من اصوات الشعب الايرانى المسلم وقف هذا التداعى والانحطاط. و ان لا يسمح لقوى امنية خارجة عن ارادة حكومتكم فى تنفيذ سلطاتها خلافاً للقانون، كما ندعو سيادتكم الى العمل من اجل حل المحكمة الخاصة برجال الدين «دادكاه ويزه روحانيت» بعد ما زادت خروقاتهما... فمن يجرؤ على الاعتداء على حصن التشيع لا يتورع عن ارتكاب اى شى، و التجارب السابقه والحالية ماثلة امامكم.

□ ۷۶/۱۲/۱۷

اطلاعيه‌ای با امضای جمعی از خانواده‌های شهدا: «امروز دست دوستی با صدام و شاه فهد می‌دهید ولی رنج‌دیدگان انقلاب گویا از آنها بدترند؟!»

□ هفته‌نامه فردا: ۷۶/۱۲/۱۷

تجمع گروهی از مردم نجف‌آباد در اعتراض به حصر آقای منتظری.

□ هفته‌نامه آوا: ش ۳۰، ۷۶/۱۲/۲۵

روز شنبه ۷۶/۱۲/۱۶ مردم و بازاریان نجف‌آباد در اعتراض به حبس و تضيیقاتی که نسبت به آیت‌الله منتظری در منزل شخصی ایشان اعمال شده دست به اعتصاب زدند و شهر را یکپارچه تعطیل کردند.

□ زمستان ۷۶

نامه‌ای با امضای مجمع مدرّسان حوزه علمیه قم خطاب به رهبری: نه حضرت‌عالی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام بالاترید و نه آیت‌الله منتظری نعوذبالله از یک یهودی پائین‌تر، در عین حال مرد یهودی از علی علیه السلام در زمانی که خلیفه‌ای مقتدر بود به قاضی شکایت برد، قاضی نیز حضرت را به دادگاه احضار و به نفع مرد یهودی امام (ع) را محکوم کرد... مأموران اطلاعاتی و امنیتی شما با چه مجوزی جلوی ابراز نظر عموم مردم خصوصاً طبقات صاحب فکر و اندیشه را می‌گیرند؟

□ روزنامه جامعه: ۷۶/۱۲/۲۸

● نامه سرگشاده ۳۸۵ تن از علماء، اساتید، محققان و فضایی حوزه‌های علمیه به محضر مبارک مراجع عظام در رابطه با ادامه حصر آیت‌الله منتظری.

● سعید منتظری: خبرهائی وجود دارد مبنی بر اینکه آقای خاتمی علاقه دارد حصر پایان پذیرد اما می‌گویند قضیه باید جای دیگری حل شود.

□ ۷۶/۱۲/۲۹

● اعلامیه‌ای با نام مجعول جمعی از روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم. در این اطلاعیه آورده‌اند: در میان امضاءکنندگان نامه ۳۸۵ نفر افرادی فاسد، دیوانه، غیر طلبه، ساواکی، مارکسیست، اخراجی و مربوط به باند آدم‌کش مهدی هاشمی وجود دارد.

□ ۷۷/۱/۳

نامه آیت‌الله خلخالی به رهبری با هدف ارائه تصویری از آنچه بر آیت‌الله منتظری گذشته و لزوم رفع حصر و شروع مجدد درس‌های ایشان.

□ روزنامه جامعه: ۷۷/۱/۱۵

به دنبال تلاشهای انجام شده توسط برخی مسئولین و علمای کشور، خانواده و خویشان ایشان در نخستین روزهای عید موفق شدند با آیت‌الله منتظری دیدار کنند. همچنین خط ارتباط تلفنی ایشان نیز برقرار شده است.

□ روزنامه جمهوری اسلامی: ۷۷/۱/۱۶

تعطیلی بازار نجف‌آباد با هدف درخواست رفع حصر از آقای منتظری.

□ ارزشها: ش ۶۴، ۷۷/۱//۲۴

توسط یکی از مقامات شورای عالی امنیت ملی که نخواست نامش

فاش شود دلایل حصر آقای منتظری ذکر شده: توهین به رهبری توسط ایشان؛ ایشان یک منتقد معمولی نیست گامهائی که ایشان برمی دارد اصلاح گرایانه نیست.

□ هفته نامه آوا: ۷۷/۱/۲۵

آقای درّی، دست شما درد نکند.

□ روزنامه کیهان: ۷۷/۱/۳۱

اخیراً زمزمه هائی به گوش می رسد که عده ای نامه ای به شورای عالی امنیت ملی نوشته و خواستار برگزاری مجدد درس آقای منتظری هستند. به حضرات آقایان شورای امنیت ملی بگوئید طلاب عزیز کفن هایشان را آماده کرده اند و تا مرز شهادت پیش خواهند رفت ولی نخواهیم گذاشت اشعری زمان دوباره غوغاسالاری و آشوب کند.

□ هفته نامه آوا: ۷۷/۲/۱

آیت الله موسوی اردبیلی: در دوره طاغوت هم معمول نبود هیچ مرجعی را در شورای امنیت ببرند، من یک خطری می بینم برای مرجعیت، برای روحانیت.

□ عصر سه شنبه: ۷۷/۲/۱

پس از معاینه چند روز قبل آیت الله منتظری توسط چند نفر از پزشکان که با هماهنگی و اجازه مقامات اطلاعاتی و قضایی صورت گرفت، ایشان صبح این روز با اسکورت نیروهای امنیتی به تهران

منتقل شدند. عصر همین روز به دنبال بازگرداندن آیت‌الله منتظری از بیمارستان، جمعی از مقلدان و شاگردان و مشتاقان در کوچه‌های اطراف بیت تجمع کردند و با آب‌پاشی کوچه و ذبح نمودن گوسفند از معظم‌له استقبال کردند. آنان خواستار دیدار با ایشان بودند که نیروهای امنیتی مانع ارتباط جمعیت حاضر با ایشان شدند. یکی از طلاب حاضر به جرم عکس گرفتن از استقبال مردم، تحت تعقیب نیروهای اداره اطلاعات قم قرار گرفت.

□ روزنامهٔ جامعه: ۷۷/۲/۲

انتقال آیت‌الله منتظری به بیمارستان در پی عارضهٔ بالا رفتن قند خون و بی‌حرکتی دو دست تحت مراقبت‌های ویژهٔ نیروهای امنیتی.

□ روزنامهٔ جامعه: ۷۷/۲/۹

ادامهٔ اعتصاب در نجف‌آباد.

□ دوهفته‌نامهٔ نامه: ش ۱، ۷۷/۲/۱۵

نجف‌آباد، جمعه ۷۷/۲/۱۸: تشییع ۳۱ تن از شهدای مفقودالجسد جنگ توسط مردم. شعارهای مردم در حین تشییع جنازه:
عزا عزاست امروز، روز عزاست امروز
منتظری نستوه صاحب عزاست امروز
این گل پرپر ماست هدیه به مرجع ماست
ابوالفضل علمدار، ریشه ظلم رو بردار
منتظری نستوه برای ما نگه‌دار

□ روزنامهٔ جامعه: ۷۷/۲/۱۹

طی روزهای تاسوعا و عاشورا در جریان برگزاری مراسم عزاداری در منزل احمد منتظری چند تن از حاضران دستگیر شده‌اند.^(۱)

□ ۷۷/۲/۲۰

پخش اطلاعیه‌ای که در آن برای اعتراض به حصر و اهانت به آیت‌الله منتظری، دعوت به تجمع در میدان امام اصفهان در تاریخ ۷۷/۲/۲۵ و شرکت در نماز جمعه به امامت آیت‌الله طاهری شده است.

□ روزنامهٔ جامعه: ۷۷/۲/۲۶

احمد منتظری: برطبق شنیده‌ها تصمیم شرکت در نماز جمعه اصفهان و اعتراض بر علیه محدودیت اعمال شده بر علیه آیت‌الله منتظری از جانب خانوادهٔ شهدا، دانشجویان، کسبه و سایر اقشار مردم گرفته شده است... صبر مردم دیگر تمام شده است اما در عین حال مردم به دنبال تشنج نیستند.

□ روزنامهٔ جامعه: ۷۷/۲/۲۶

رهبری در پیام به مردم اصفهان: عناصر فریب خورده و فتنه‌گر بدانند که اینجانب اجازه نخواهم داد آنان امنیت و آرامش ملت ایران را برای هدفهای خائنانه و حقیر خودشان برهم زنند.^(۲)

۱- با آغاز حصر آیت‌الله منتظری و اشغال حسینیه و دفتر معظم‌له، اتاقی در منزل حاج احمد آقای منتظری محلّ مراجعهٔ مردم شده بود.

۲- این پیام در واکنش به دعوت مردمی برای تجمع در میدان امام اصفهان صادر شده بود.

□ روزنامهٔ رسالت: ۷۷/۲/۲۶

علی اکبر پرورش: اعلامیهٔ رهبر معظم انقلاب [به مردم اصفهان] آن بارش رحمت بود که آتش فتنه را خاموش ساخت و نسیم جانبخش را در هوا پراکند.

□ ۷۷/۲/۲۷

در اطلاعیه‌ای که به شرح وقایع روز جمعه (۷۷/۲/۲۵) می‌پردازد آمده است: ...نیروهای انصار حزب‌الله از شهرهای مختلف برای لبیک به ندای رهبری! به اصفهان آورده شده بودند. راستی اگر آنها مردم اصفهان بودند چرا اکثریت‌شان نمازشان را شکسته خواندند؟!

□ روزنامهٔ جمهوری اسلامی: ۷۷/۲/۲۸

یک گروه از منافقان که برای ایجاد آشوب در نجف‌آباد و اصفهان به این شهرها رفته بودند بعد از تجمع عظیم مردمی روز جمعه در این دو شهر و برهم خوردن نقشهٔ فتنه‌گران، در حین بازگشت از اصفهان در جادهٔ دلیجان دستگیر شدند.

□ دو هفته نامهٔ نامه: ۷۷/۳/۵

- یک مقام وزارت اطلاعات، اخبار تلویزیون و بعضی از روزنامه‌های جناح راست مبنی بر دستگیری یک تیم از مجاهدین خلق را تکذیب کرد.
- اتوبوس‌های بسیاری از شهرهای مختلف کشور پس از انتشار وسیع پیام رهبری عازم اصفهان شدند.

- بیانیه جمعی از فعالان سیاسی کشور در اعتراض به اعمال محدودیت‌های ایجاد شده به آیت‌الله منتظری.
- داماد آقای منتظری و دیگران در زندان.

□ هفته نامه نوید اصفهان: ش ۲، ۷۷/۳/۵

آیت‌الله صانعی: نعوذ بالله در پرونده عمل ما تضييع آبروی مسلمانی، روحانی، انقلابی، هتک حرمت مرجع باشد ما چگونه می‌خواهیم جواب بدهیم؟ ... آبروی افراد را حفظ کنید، سیاه لشگر نشوید... این طور نیست که هر بلائی بر سر هر کس آوردم سر خودم در نیاورند.

□ نجف‌آباد: ۷۷/۳/۱۴

اطلاعیه جمعی از مقلدان: حسب اطلاع موثق مرجع عالیقدر ما راضی به برگزاری اعتصاب در نجف‌آباد نشده‌اند. بر آن شدیم با تبعیت از معظم‌له به ندای حکیمانۀ این مرجع مظلوم لبیک گوئیم و بدینوسیله لغو اعتصاب مذکور و اعلام شده را اعلام می‌داریم.

□ دو هفته نامه نامه: ش ۲، ۷۷/۳/۱۶

نامه سرگشاده ۵۰ دانشجوی دانشگاه شریف به رهبری و رئیس جمهوری در اعتراض به حصر آیت‌الله منتظری.

□ روزنامه رسالت: ۷۷/۳/۱۹

با دستگیری عوامل تهیه و تکثیر و توزیع شب‌نامه برنامه اعتصاب

در نجف‌آباد با شکست مواجه شد.

□ هفته نامه نوید اصفهان: ۷۷/۳/۲۰

یکصد و ده تن از استادان، فضلا و طلاب به حمایت از نامه ۳۸۵ نفر از علما و فضلاء حوزه‌های علمیه و در اعتراض به ادامه حصر حضرت آیت‌الله العظمی منتظری با امضای اطلاعیه‌ای خواستار رفع حصر شده‌اند.

□ روزنامه جامعه: ۷۷/۳/۲۴

محمدحسن موحدی ساوجی فرزند حجة‌الاسلام موحدی ساوجی نماینده مجلس در نامه‌ای خطاب به هیأت نظارت و پیگیری اجرای قانون اساسی، موارد نقض قانون اساسی در حمله به دفتر و حسینیه و بیت آیت‌الله منتظری و ادامه حصر ایشان و نیز دستگیری و برخورد با تعدادی از شاگردان و مقلدان ایشان را برشمرد. (گفتنی است چند روز پس از این تاریخ وی با حکم دادگاه ویژه روحانیت بازداشت گردید).

□ هفتم تیرماه ۷۷

طی نامه‌ای با بیش از ۲۵۰ امضاء از محققان و روحانیون حوزه علمیه قم خطاب به آیت‌الله منتظری: فرارسیدن هجدهمین سالروز شهدای هفتم تیر بویژه آیت‌الله بهشتی و فرزند اسلام و قرآن شهید محمد منتظری بر شما تسلیت باد.

□ هفته نامه آبان: ش ۳۱، ۷۷/۴/۶

اسدالله بادامچیان: آقای منتظری مرجع نیست.

عمادالدین باقی: آقای بادامچیان صلاحیت اظهارنظر پیرامون این

مسائل را ندارد.

□ تیرماه ۷۷

در اطلاعیه‌ای با نام «فدائیان اسلام شاخه نجف آباد» خطاب به رهبری:

آیا آیت‌الله منتظری عمر خویش را صرف تنقیح مبانی اسلام و شریعت

نکرده است؟ اگر این چنین است پس چرا به فرمان شما دست‌های

تازه کار نیروهای تیپ ۸۳ امام صادق علیه السلام قم، مدارس علمیه، سپاه،

نیروهای اطلاعات همگی تحت ریاست رئیس قوه قضائیه و...

بدان‌گونه با حیثیت ایشان بازی کردند و ایشان را در منزل خود محبوس

کردید؟!

□ اطلاعیه شماره ۴ ستاد دفاع از حقوق زندانیان سیاسی: ۷۷/۴/۲۷

متأسفانه زندانیان بسیاری به اتهام ارتباط یا علاقه مندی به آیت‌الله

منتظری در چنگال دادگاه ویژه روحانیت اسیر و گرفتار شده‌اند.

اطلاعات مربوط به شکنجه برخی از آنها به رئیس جمهور نیز گزارش

شده است.

□ هفته نامه راه‌نو: ش ۲۱، ۷۷/۵/۲۱

عبدالله نوری: من با برخوردهایی که با آیت‌الله منتظری شده و

می‌شود موافق نبوده و نیستم و اشکال به من این است که حرکات انجام

شده را تأیید نکردم و اگر در جایی قرار بود رأی دهم به سیاست‌های اعمال شده رأی منفی داده‌ام.

□ مردادماه ۷۷

● اطلاعیه‌ای خطاب به رهبری با امضای مقلدین مرجع مظلوم شیعه در استان فارس در محکومیت حصر آیت‌الله منتظری: از قرار مسموع در پاسخ به نامه آیت‌الله شبیری زنجانی به نحوه برخورد با آیت‌الله منتظری نوشته‌اید: ما جلوی خشم مردم را نمی‌توانیم بگیریم. آیا واقعاً نمی‌دانید که حمله‌کنندگان به بیت و دفتر و حسینیه محل تدریس آیت‌الله منتظری مردم نبودند؛ یا می‌دانید ولی صلاح نمی‌دانید به آن اعتراف کنید؟!

● پخش اطلاعیه‌ای که به مقایسه دو خط و دو متن متفاوت پخش شده از نامه ۶۸/۱/۶ منسوب به امام خمینی خطاب به آیت‌الله منتظری می‌پردازد. نتیجه این بررسی نشان از آن دارد که نامه معروف ۶۸/۱/۶ دست‌خط فردی دیگر به جز امام خمینی است.

□ روزنامه کیهان: ۷۷/۶/۱۵

برخی با پخش شب‌نامه‌ها و روزنامه‌ها می‌کوشند تا درس کسی که امام خمینی او را از عدالت ساقط کرده بود دوباره برقرار کنند.

□ ۷۷/۵/۳۰

نامه سرگشاده حجة الاسلام احمد منتظری خطاب به ریاست جمهوری: در این نامه احمد منتظری پس از ذکر گوشه‌ای از حوادث ایجاد شده

پس از سخنرانی ۱۳ رجب از رئیس جمهوری خواسته است نسبت به این حرکات سکوت روا مدارد. وی آورده است: «امید است در دوره نوین جمهوری اسلامی و ریاست شما، دامن نظام مقدس جمهوری اسلامی از این لکه سیاه پاک شود و مسئولین محترم نظام رفتار ناشایستی را که بیش از ده ماه است در مورد استاد پیر خود روا داشته‌اند ادامه ندهند».

□ روزنامهٔ قدس: ۷۷/۶/۱۵

دو فرد به اصطلاح روحانی، که عامل شروع تشنج و در حال پخش نامهٔ احمد منتظری به رئیس جمهوری بودند بلافاصله مورد اعتراض قشرهای حزب‌الله قرار گرفته و توسط مأموران امنیتی و انتظامی دستگیر شدند.^(۱)

□ شهریور ۷۷

● نامهٔ مجدد احمد منتظری خطاب به آقای خاتمی در اعتراض به سکوت وی در قبال هتاک‌ها و حملات فیزیکی به آیت‌الله منتظری و غصب اموال و اماکن مربوط به ایشان.

● اعلامیهٔ استمداد از مراجع عظام با امضای جمعی از پدران شهدا، ائمهٔ جماعات مساجد و... پیرامون رفع حصر از آیت‌الله منتظری.

● اطلاعیهٔ جمعی از دانشجویان دانشگاه اصفهان: علمای اعلام اگر

۱- روحانی جانباز بازداشت شده مدت چهار ماه در سلول‌های انفرادی زندان توحید (کمیتهٔ مشترک ضد خرابکاری) به سر برد و پس از آن مدت شش ماه به زندان محکوم شد.

در برابر وضعیت موجود سکوت نمایند هتک مراجع باب خواهد شد و مابقی هم در امان نخواهند ماند.

● بیانیه جمعی از طلاب حوزه علمیه اصفهان در رابطه با وضعیت خاص کشور، اقتدارگرایی‌ها، چپاول‌ها، ظلم‌ها و اهانت‌های صورت گرفته در رابطه با آیت‌الله منتظری.

● انتشار نامه‌ای بی‌نام خطاب به آقای خاتمی درباره اقدامات انجام شده توسط گروههای رسمی و فشار در پی سخنرانی ۱۳ رجب آیت‌الله منتظری.

□ روزنامه کیهان: ۷۷/۷/۲۲

به گزارش رسیده در آستانه انتخابات مجلس خبرگان، گروهی ناشناس با دعوت از بازاریان و دیگر اقشار مردم نجف‌آباد به اعتصاب در روز شنبه ۲۵ مهرماه، مذبوحانه می‌کوشند فضای این شهر را متشنج کنند.

□ ۷۷/۸/۱۶

نامه آقای فتح‌الله ربانی‌املشی فرزند مرحوم آیت‌الله ربانی‌املشی به آقای درّی نجف‌آبادی وزیر اطلاعات در اعتراض به برگزاری نمایشگاه پیچک انحراف توسط وزارت اطلاعات و سوء استفاده از یاد پدر ایشان جهت نیل به اهداف سیاسی. در این نامه سئوالات و شبهاتی از سوی وی در مورد ادعای مسمومیت آیت‌الله ربانی‌املشی توسط سید مهدی هاشمی مطرح شده است.

□ ۷۷/۱۱/۵

● نامه حجة الاسلام احمد منتظری خطاب به آقای مهاجرانی وزیر

وقت ارشاد در اعتراض به هتاک‌های برخی روزنامه‌ها بویژه کیهان، نسبت به آیت‌الله منتظری و شاگردان و علاقه‌مندان ایشان.
● اطلاعیه‌ای با امضای «جمعی از اساتید حوزه علمیه قم» در رابطه با شرایط رهبر جامع‌الشرایط.

□ هفته‌نامه آوا: ش ۵۲، ۷۸/۲/۱۴

عاشورا در نجف‌آباد، فریاد و اعتراض به ادامه حصر حضرت آیت‌الله منتظری.

□ ۷۸/۵/۱۶

مناظره مکتوب احمد منتظری با مهدی کروی در مورد حوادث سالهای ۶۵ تا ۶۸ به ویژه اعدام‌ها و مباحث مربوط به سید مهدی هاشمی.

□ هفته‌نامه آوا: ش ۷۰، ۷۸/۶/۱۵

آیت‌الله منتظری پس از دو سال و اندی حصر در پاسخ به یکی از شاگردان: اگر فرضاً بقای نظام اسلامی به محصور بودن من است، من به قضای الهی راضی هستم.

□ هفته‌نامه آوا: ش ۷۴، ۷۸/۷/۱۳

حسینیان و اعتراف به شکنجه؛ آیا حق با آیت‌الله منتظری نبود؟!

□ هفته‌نامه آوا: ش ۸۰، ۷۸/۸/۲۵

محو نام آیت‌الله منتظری از صفحه تاریخ سیاسی این مرز و بوم ناممکن است و به همین اندازه برخورد با کسانی که به نحوی با ایشان

ارتباط دارند نیز غیر ممکن است و انواع و اقسام فشارهای فیزیکی و غیر فیزیکی کارساز نیست.

□ هفته‌نامه آوا: ش ۸۱، ۷۸/۹/۲

طی تماسی که دادگاه ویژه روحانیت با احمد منتظری فرزند آیت‌الله منتظری گرفته است یک لیست ۱۵ نفره ارائه شده که آنها مجازند به دیدار آیت‌الله منتظری بروند. آیت‌الله منتظری در واکنش به این تصمیم گفته‌اند: «دادگاه ویژه روحانیت حق ندارد بگوید چه کسی به ملاقات من بیاید و چه کسی نیاید! لذا باید تمام مردم به طور آزادانه حق رفت و آمد داشته باشند».

□ هفته‌نامه آوا: ش ۸۲، ۷۸/۹/۹

محسنی اژه‌ای دادستان کل ویژه روحانیت: شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهوری و اعضا تصمیم به حصر آقای منتظری گرفتند و اگر مؤثر نشد تبعید و در مرحله بعدی محاکمه شود. در سال ۷۷ مصوبه دیگری گذشت که حصر به طور مرحله‌ای برداشته شود ولی دو اتفاق افتاد، یکی اطلاعیه ایشان درباره کوی دانشگاه و دیگری اطلاعیه درباره نظارت استصوابی و این جا بحث شد که آیا او تخلف کرده است یا نه؟!

□ هفته‌نامه آوا: ش ۸۳، ۷۸/۹/۱۶

آیت‌الله منتظری: محکومیت آقای نوری توسط دادگاه ویژه روحانیت باعث اعتبار، آبرو و استقامت او و افتخار روحانیت شد.

□ هفته‌نامه آوا: ش ۹۱، ۷۸/۱۱/۱۴

عسگر اولادی پس از گذشت ۲۸ ماه از حصر خانگی آیت‌الله منتظری اعلام کرد: حصر آیت‌الله منتظری یک شوخی است. (!!)

□ ۷۹/۷/۱۲

نطق اعتراضیه پیش از دستور آقای مهندس مصطفی طاهری در مجلس شورای اسلامی: آیا انصاف است از زمان سخنرانی ۱۳ رجب تاکنون آیت‌الله منتظری در حصر باشند و آیا انصاف است حوزه و نظام از بحث و درس ایشان محروم بماند؟!!

□ ۷۹/۸/۱۶

دستگیری آقای سعید منتظری فرزند جانباز آیت‌الله منتظری: دستگیری سعید منتظری دلایل متعددی داشت. اگرچه فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی وی در دفاع از پدر بود اما از مهم‌ترین آنها می‌توان به‌طور مصداقی انتشار کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری و پخش نوار ویدیویی مربوط به بازجویی و شکنجه متهمان قتل‌های زنجیره‌ای پائیز ۷۷ را به عنوان دو دلیل مهم و اساسی بیان کرد.

سعید منتظری قریب به یک سال زندانی موقت و تحت بازجویی بود. وی ۳۲۵ روز را در سلول‌های انفرادی در زندان‌های اداره اطلاعات قم و ۵۹ سپاه و بند ۲۴۰ اوین تحت فشارهای روحی و بازجویی به سر برد.

□ ۷۹/۱۰/۲۷

نامه سرگشاده ۲۱۲ تن از محققین و روحانیون حوزه علمیه قم به

ریاست جمهوری در اعتراض به دستگیری آقای سعید منتظری فرزند فقیه عالیقدر توسط نیروهای وزارت اطلاعات.

□ روزنامه کیهان: ۷۹/۱۱/۲۰

محسنی اژه‌ای دادستان داسرای ویژه روحانیت: آقای منتظری به خانواده و زندانیان سیاسی کمک مالی کرده است.

□ ۷۹/۱۱/۲۵

ماشاءالله شمس‌الواعظین سردبیر نشریات تعطیل شده توس و عصرآزادگان که در زندان اوین در حال طی کردن محکومیت خویش بود با ارسال نامه‌ای از زندان آورده است:

«با مطالعه نام چند تن از اصلاح‌طلبان زندانی دریافت‌کننده هدایای نقدی آیت‌الله منتظری در سخنرانی آقای محسنی اژه‌ای شگفت‌زده شدم، چراکه ایشان نام مرا از قلم انداخته بود و من البته این موضوع را به حساب فراموشکاری جناب اژه‌ای گذاردم... این جانب وجوهات دریافتی را مایه افتخار، مباحات و تبرک می‌دانم و این مایه مباحات برای ماست که علی‌رغم تبلیغات وسیع با عنوان دریافت از خارجی‌ها آشکار شده است یک مرجع تقلید وارسته در ورای هیاهوها در اندیشه تأمین بخش کوچکی از هزینه‌های معیشتی گروگانهای سیاسی بوده‌اند. خواهشمندم از این به بعد نام خانواده من از قلم نیفتد.»

□ روزنامه‌های کیهان: ۷۹/۱۱/۳۰ و رسالت: ۱ اسفند ۱۳۷۹

خانواده زندانیان مطبوعاتی (باقی، سحابی، گنجی، شمس و صفری)

با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند دریافت کمک از پول شرعی مردم متدین باعث افتخاری است که به نیت تبرک به عنوان وجهی پاک‌تر از شیر مادر دریافت می‌داشتیم.

□ ۷۹/۱۲/۲۸

نامهٔ جمعی از پدران شهداء و معتمدین شهرستان نجف آباد خطاب به استاندار اصفهان در اعتراض به دستگیری‌های صورت گرفته به اتهام دفاع از آیت‌الله منتظری.

□ ۸۰/۳/۱

نصب دوربین‌های مداربسته و نورافکن‌های بسیار قوی توسط سپاه در کوچه‌های مجاور بیت آیت‌الله منتظری و روی پشت بام منزل معظم‌له و اشراف یکی از دوربین‌ها به منزل شخصی معظم‌له. گفته می‌شود متصدی این امر نیروهای سپاه هستند.

□ ۸۰/۳/۲۴

نامهٔ تظلم خواهی فرزندان آیت‌الله منتظری خطاب به مراجع معظم تقلید.

□ روزنامهٔ نوروز: ۱۳۸۰/۴/۶

سخنرانی قبل از دستور آقای اسماعیلی مقدم نمایندهٔ مردم قم در مجلس شورای اسلامی و ابراز نگرانی از وضعیت پزشکی آیت‌الله منتظری و ادامهٔ حصر معظم‌له.

□ بولتن پیام: ش ۶

انصار حزب الله نجف آباد در اطلاعیه‌ای خطاب به آقای طاهری نماینده مردم نجف آباد در مجلس شورای اسلامی ضمن انتقاد از عملکرد وی به عنوان نماینده مردم و حمایت از آقای منتظری، گفت: «راستی مگر فراموش کرده‌اید که امام راحل به او فرمودند: از آنجا که ساده لوح هستید و سریعاً تحریک می‌شوید در هیچ کار سیاسی دخالت نکنید!!»

□ ۷ تیرماه ۱۳۸۰

ممانعت شدید نیروهای امنیتی سپاه و دادگاه ویژه روحانیت نسبت به برگزاری مراسم سالگرد شهید محمد منتظری در منزل آن شهید و درگیری میان مردم و نیروهای امنیتی و دستگیری جمعی از مردم شرکت کننده. متعاقب آن خانم زهره حرّی همسر شهید محمد منتظری طی بیانیه‌ای گزارش مختصری از نحوه برخورد نیروهای امنیتی و سپاه با شرکت کنندگان را منتشر نمود. وی بارها با شکایت سپاه به دادگاه فرا خوانده شد، اما به دلیل آگاهی دقیق قاضی مربوطه از حوادث شب هفتم تیرماه، خانم حرّی از اتهامات وارده تبرئه شد.

□ بولتن پیام: ش ۱۱

بر اساس خبرهای دریافتی نیروهای امنیتی سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی ساعت‌ها پیش از برگزاری مراسم هفتم تیر و سالگرد شهادت دکتر بهشتی و محمد منتظری که همه ساله در بیت شهید محمد منتظری برگزار می‌گردد با مسدود کردن دو طرف کوچه منتهی به بیت از رفت و

آمد مردم جلوگیری کردند. مردمی که برای شرکت در مراسم آمده بودند به سردادن شعارهایی با مضمون لا اله الا الله - مرجع مظلوم ما آزاد باید گردد - یا حجة ابن الحسن ریشه ظالم بکن، پرداختند. نیروهای امنیتی که مجهز به باتوم و کلاه خود بودند به جمعیت حاضر بویژه زنان حمله ور شدند که در نتیجه عده‌ای زخمی و تعدادی نیز دستگیر شدند. ورود نیروهای انصار حزب الله به این مراسم و حمله ور شدن آنان به مردم موجب افزایش تشنج و درگیری‌ها گردید. نیروهای انصار هم چنین به دادن شعار علیه شرکت کنندگان و آیت الله منتظری پرداختند. این مراسم همه ساله در بیت شهید محمد منتظری برگزار می‌گردید و جمعیت حاضر پس از سخنرانی و تذکرات برگزار کنندگان به آرامی پراکنده می‌شدند.

□ بولتن مجمع مدرسین و محققین: ش ۷

● به نقل از روزنامه کیهان ۸۰/۴/۱۱: به گزارش خبرنگار ما نیروهای امنیتی، پلیس و یگانهای ویژه پاسداران تنها نظاره گر اوضاع [مراسم ۷ تیر در قم] بودند که با سر دادن شعارهای انحرافی از سوی جمعیت حاضر فرمانده ناحیه انتظامی با استفاده از بلندگوی یکی از خودروها از تجمع کنندگان خواست شعار انحرافی ندهند و متفرق شوند که افراد اقدام به هو کردن وی نمودند. با این اقدام نیروهای امنیتی و سپاه وارد صحنه شدند و درصدد متفرق کردن آنان برآمدند، اما عده‌ای از تجمع کنندگان که قصد درگیری داشتند هم چنان در محل باقی ماندند.

● به نقل از روزنامه نوروز ۸۰/۴/۹: طالقانی معاون امنیتی استانداری قم مداخله دادگاه ویژه روحانیت را دلیل عدم برگزاری مراسم سالگرد

شهید منتظری ذکر کرد. وی ضمن اظهار بی‌اطلاعی از دلایل ارائه شده از سوی این دادگاه گفت: شورای تأمین استان طبق سنوات گذشته با برگزاری مراسم در منزل شهید موافقت کردند.

□ خبرنامه سیاسی فرهنگی جامعه مدرسین: شماره ۷۱۰

تلاش‌های آشکار و پنهان به منظور ترویج آقای منتظری؛ به گزارش واصله تعدادی از بستگان درجه یک آقای منتظری طی نامه‌ای به مراجع عظام تقلید درخواست نمودند که جهت رفع حصر از نامبرده اقدام نمایند. لازم به ذکر است این نامه در راستای تلاش‌های سازمان‌دهی شده اخیر هواداران ایشان در مجلس، دولت و برخی احزاب سیاسی حاکم می‌باشد.

هم‌چنین در مجلس آقای عبایی خراسانی متنی را تهیه و توسط آقای اعلمی نماینده تبریز از تعدادی نمایندگان امضا جمع‌آوری می‌کند. در این نامه خواستار رفع حصر از آقای منتظری گردیده بودند.

از دیگر تلاش‌ها، اعزام تیم پزشکی کامل به قم در هفته گذشته جهت عیادت از ایشان و ابلاغ سلام بعضی از مقامات رسمی کشور به آقای منتظری و اظهار نظر پزشکان مبنی بر لزوم انتقال ایشان به محل دیگری (محل خوش آب و هوا) و مخالفت ایشان (!)

اقدامات مذکور در حالی انجام می‌گیرد که به اقدامات اخیر آقای منتظری در قبال انتشار خاطرات و حمایت جدی مالی و معنوی از نهضت به اصطلاح آزادی رسیدگی نشده است. بر اساس اعترافات تعدادی از متهمان دستگیر شده اخیر، اکثر فعالیت‌های مسئولین نهضت آزادی با اشاره و هماهنگی مستقیم با آقای منتظری صورت می‌گرفته

است. یکی از متهمین اظهار داشته است ایشان برای ما مشخص کرد که در کجا چه اقدامی را انجام بدهیم(!) در همین راستا قابل ذکر است بر اساس گزارشات واصله مقادیر زیادی کمک مالی بالغ بر صدها میلیون تومان توسط آقای منتظری به این گروه صورت گرفته است.(!!)

□ تیرماه ۱۳۸۰

دستگیری ۱۰ نفر از علاقه‌مندان و اعضای دفتر آیت‌الله منتظری. در میان بازداشت شدگان دو تن از دامادهای آیت‌الله منتظری (سید هادی هاشمی و مجتبی فیض) دیده می‌شوند. بازداشت شدگان مدتهای مدیدی در سلول انفرادی و تحت بازجویی‌های بسیار پیچیده قرار گرفتند.

□ تیرماه ۱۳۸۰

ارسال نامه‌ای خطاب به آقای خامنه‌ای پیرامون حصر آیت‌الله منتظری. این نامه توسط آیت‌الله اردبیلی نوشته شده و توسط آقای کرّوبی به دست رهبری می‌رسد.

□ ۸۰/۴/۲۵

یورش به منزل احمد منتظری: در این یورش که توسط نیروهای دادسرای روحانیت قم انجام گرفت، کمدهای حاوی اسناد مالی و همچنین تلفن، دفاتر شهریه و صورت حسابهای شخصی و بانکی، نوشته‌ها و استفتائات و متجاوز از دو میلیون تومان پول نقد و جوه شرعی و نماز و روزه بدون تشکیل صورت جلسه به یغما رفت و دربهای ورودی جوش داده و پلمب شدند.

□ بولتن پیام: ش ۱۴

بی‌بی‌سی در گفت و گویی با احمد منتظری: وی گفت دیروز حکمی از دادگاه ویژه روحانیت به منزل من آوردند که در آن نوشته شده بود چون افراد معاند در طبقه پائین منزل رفت و آمد می‌کنند باید آنجا را بازرسی و پلمب کنند. من گفتم طلبه‌ها برای گرفتن شهریه و پاسخ سؤالات خود به این جا رفت و آمد می‌کنند. من اعتراض کرده آنجا را ترک کردم و هر چه از دفتر حساب و کتاب و وجوهات شرعیه طلاب بود جمع‌آوری کرده و با خود بردند.

□ السلام علیک ایته‌ا الصدیقة الشهیده فاطمة الزهرا(س)

با مسدود شدن منزل احمد منتظری توسط نیروهای دادسرای ویژه قم و نبود مکان مناسب برای امور دفتر، راهروی منزل فوق که تنها می‌توانست حداکثر ده نفر را در خود جای دهد محل دفتر و برگزاری مراسم مذهبی شد. در اطلاعیه‌ای که به مناسبت شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از سوی دفتر صادر شده است آمده: «ایام فاطمیه امسال فرامی‌رسد در حالی که محل روضه‌خوانی برای آن عزیز به وسیله دادگاه ویژه روحانیت مسدود و پلمب شده است، به یاد روضه‌هایی که آن عزیز در سوگ پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواند و فقط حسنین و زینبین شنونده آن بودند مجلس روضه‌خوانی را با جای بسیار محدود برگزار می‌کنیم.»

□ روزنامه همشهری ۸۰/۴/۲۸

داود سلیمانی نماینده تهران: زمانی که عضو تشکل‌های دانشجویی بودم از آقای محمدعلی انصاری در مورد نظر امام نسبت به این نامه

(۶۸/۱/۶) پرسش کردم گفت: امام انتشار این نامه را به هر شکل حرام دانسته‌اند؛ و لذا استناد به چنین نامه‌ای تخلف محسوب می‌شود.

□ ۸۰/۵/۲۲

نامه خانواده بازداشت شدگان در قم (اعضای دفتر و شاگردان آیت‌الله منتظری) خطاب به آقای کرّوبی رئیس مجلس شورای اسلامی.

□ ۸۰/۶/۱۷

نامه اعتراضیه اشرف منتظری خطاب به آقای خاتمی در اعتراض به بازداشت‌های وسیع شاگردان و اطرافیان آیت‌الله منتظری و سکوت خاتمی در این باره.

□ ۸۰/۷/۱۴

نجف‌آباد؛ تعطیلی مغازه‌ها و نمازهای جماعت مساجد در اعتراض به ادامه حصر آیت‌الله منتظری و دستگیری‌ها.

□ ۸۰/۷/۱۶

دیدار جمعی از معتمدین و خانواده شهدای نجف‌آباد با آقای مهدی کرّوبی رئیس مجلس شورای اسلامی. سخن‌گوی دیدارکنندگان آقای طاهری نماینده نجف‌آباد و آقای واحدیکی از روحانیون و فضیای این شهر بود. آقای کرّوبی پس از قول و قرارهایی، به دیدارکنندگان سفارش کرد به قم نروند.

□ ۸۰/۷/۲۹

در آستانه سفر آقای خامنه‌ای به اصفهان و نجف آباد صورت گرفت: احضار و گفتگوی اداره اطلاعات قم با آقایان نادی، ایزدی و سعیدیان‌فر. از آنان خواسته می‌شود مبادا مردم طی این دیدار اعتراضاتی را پیرامون حصر آیت‌الله منتظری ابراز نمایند.

□ ۸۰/۹/۲۶

ربوده شدن آقای سید محمد ناظم‌زاده: گفته می‌شد ربایش وی توسط نیروهای غیر رسمی که هویت آنها مشخص نیست صورت گرفته است. گفته می‌شود وی در جهت راه‌اندازی سایت اینترنتی آیت‌الله منتظری تلاش‌هایی داشته است.

□ دی ماه ۱۳۸۰

راه‌اندازی سایتی با آدرس: www.manshor.com در راستای نقد خاطرات آیت‌الله منتظری.

□ روزنامه نوروژ: ۸۰/۱۰/۲۴

محمد ناظم‌زاده توسط ربایندگان با دستمال آغشته بی‌هوش و ربوده می‌شود. پس از به هوش آمدن در اتاق کوچکی از وی خواسته می‌شود به طبقه بالای همان ساختمان برود. متنی را پیش روی وی می‌گذارند تا او تکرار کند که: «من رابط آقای منتظری با رادیو اسرائیل و آمریکا بوده‌ام و از خارجی‌ها پول گرفته به ایشان می‌دادم». به وی طی شش روز بازداشت آمپول‌هایی تزریق می‌کرده‌اند که وی دچار تهوع و خون‌دماغ می‌شده است.

□ ۸۰/۱۱/۹

تلاش نیروهای امنیتی برای آنکه ربایش ناظم زاده را دروغ جلوه داده و آن را خود ربایی جلوه دهند؛ و احضار و اعتراف با اجبار از وی جهت تکذیب مطالبی که توسط او در بارهٔ ربوده شدن خود گفته بود.

□ هفته نامهٔ پرتو سخن: ۸۰/۱۱/۱۷

ناظم زاده گفته است: چون مدت زندانی شدن من از سعید منتظری و هادی هاشمی کمتر بوده سعید منتظری مرا نفوذی دستگاه دانسته است و به خاطر این که نزد ایشان جا باز کنم این ماجرا (ربایش) را ساختم. شایان ذکر است ناظم زاده مسئول اینترنت آقای منتظری بوده است.

□ روزنامهٔ همبستگی: ۸۰/۱۲/۱۹

سید حسن خمینی: افراد و گروههایی برای حفظ منافع خویش و عبور از سد امام (ره) تمایل دارند به مردم بقبولانند تصمیمات مهمی که از سال ۶۵ به بعد اتخاذ شده نه از جانب امام بلکه از سوی حاج احمد آقا بوده... این جاست که آن سه سال حیاتی را بر سر کس دیگری غیر از امام می شکندند و این شخصیت می شود شیطان بزرگ، شروع می کنند به خراب کردن حاج احمد آقا، خودشان هم نیستند که از خود دفاع کنند.

□ ۸۱/۳/۱۹

سؤال بیست نمایندهٔ مجلس از وزیر دادگستری:

۱- علت حصر فقیه عالیقدر و محدودیت شاگردان ایشان که بر

خلاف اصل ۳۳ قانون اساسی است؟

- ۲- ملاک قانونی حصر طولانی مرجع مسلم جمع کثیری از شیعیان چه بوده است؟
- ۳- این حصر تا کی ادامه دارد؟
- ۴- احکام مربوط به حصر توسط چه مراجعی صادر شده است؟

□ ۷ تیرماه ۸۱

خانواده شهید محمد منتظری طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد: با توجه به حوادث ۷ تیر سال گذشته و برخوردهای خشن و تند از سوی دادگاه ویژه و سپاه و بازداشت برخی از حاضران و ادامه حصر آیت‌الله منتظری از برگزاری مراسم آن شهید خودداری می‌کنیم.

□ ۱۷ تیرماه ۸۱

بیانیه مهم آیت‌الله طاهری و استعفای ایشان از امامت جمعه اصفهان:
در پیام ایشان آمده است:

● موضوعی را که در صدر مطالبم باید به رشته تحریر می‌کشیدم مطرح می‌کنم و می‌پرسم حصر فقیهی وزین و مجاهدی نستوه و مرجعی مبارز که ثانی‌انین انقلاب و از اساطین نظام و اوتاد حوزه و اعظم فقه و افاحم کشور است، با کدام عقل و نقل و آیه و حدیث و عرف و شرع و سیاست قابل توجیه است؟

● فاجعه نامسبوق و نامسموع حصر ارتجاعی و غیرانسانی مجتهدی چون ایشان عاقبتی شوم و نتیجه‌ای مشئوم و پایانی مذموم دارد. الملك یبقی مع الکفر و لا یبقی مع الظلم. عزت و حرمت و حریم مرجعیت معظم شیعه حتی در سیاه‌ترین حکومت و فرعونی‌ترین رژیم نیز استوار و پایدار و برقرار بوده است.

● دریغ و درد که دژ محکم و نفوذناپذیر مرجعیت شیعه به دست غوغائیان معرکه سیاست و بازیگران صحنه ریاست به سود استعمار ضربه ای جانکاه خورد. الی الله المشتکی.

* لازم به ذکر است روزنامه های چهارشنبه ۱۹ تیر از جمله روزنامه نوروژگوشه هایی از نامه را به چاپ رسانیدند. سپس شورای امنیت ملی به روزنامه ها اخطار کرد حق ندارند له یا علیه آقای طاهری مطلبی بنویسند. ولی روزنامه های کیهان و رسالت بیستم تیرماه به این دستور واقعی نهادند. کیهان نوشت: «پیرمرد عاقبت به خیر نشد».

□ روزنامه نوروژ: ۸۱/۳/۲۲

آقای خامنه ای در پاسخ به نامه استعفای آقای طاهری:

فساد را در اشخاص دوردست نبینید؛ بلکه در نزدیکان خود و اشخاص ظاهراً مورد اعتماد خود هم آن را حس و با آن مبارزه کنید. بلای گرفتاری در مشت اطرافیان نامطمئن موجب شد که یکی از یاران و شاگردان نزدیک امام در اواخر عمر آن یگانه زمان، مطرود ایشان واقع گردد... این جانب جفای به خودم را فراموش می کنم اما همه باید از امام راحل عظیم خود آموخته باشیم که جفای به ملت و تلاش برای سست کردن بنیان نظام اسلامی قابل بخشش نیست.

□ روزنامه کیهان: ۸۱/۴/۲۲

گفت: تعدادی از نمایندگان موسوم به دوّم خردادی طی نامه ای مطالب استعفانامه آقای طاهری را تأیید کرده بودند.

گفتم: اگر منظورتان تأیید آن بخش است که در آن از منتظری تجلیل

شده بود که قبل از آنها سازمان «سیا» و بسیاری از غارتگران بیت‌المال نیز همین کار را کرده‌اند.

□ روزنامه کیهان: ۸۱/۴/۲۵

انتشار نامه شدیدالحن و تند آقای جعفری گیلانی - مدیر وقت دفتر تبلیغات اسلامی قم - علیه آیت‌الله منتظری و آیت‌الله طاهری.

□ روزنامه نوز: ۸۱/۴/۲۵

آقای هاشمی رفسنجانی: آیت‌الله خامنه‌ای وظایف رهبری را به خوبی انجام می‌دهند... مجلس خبرگان به طور مرتب وظایف نظارتی خود را انجام می‌دهد. همه شرایط رهبری نه تنها تاکنون تضعیف نشده بلکه تقویت هم شده است.

□ جمعه ۲۸ تیرماه: ۸۱

حملات هماهنگ و موزون ائمه جمعه علیه آیت‌الله طاهری:

● آقای مشکینی: این نامه از آیت‌الله طاهری نیست و دیگران به وی تحمیل کرده‌اند.

● آقای حسنی (امام جمعه ارومیه) خطاب به آقای طاهری: ای همکار غیرمحترم من، این نامه در بیت منتظری نوشته شده و شما آن را امضا کرده‌اید.

● آقای صادقی (امام جمعه بیرجند): این نامه کار باندها شمی مزدور است.

● در آن ایام برخی به آقای طاهری فشار می‌آوردند که نامه‌ای نوشته و به جبران نامه گذشته بپردازد که آقای طاهری مقاومت کرد.

□ ۸۰/۴/۳۰

احضار یکی از نزدیکان آیت‌الله منتظری و تهدید وی توسط آقای محسنی اژه‌ای - دادستان ویژه روحانیت - که پرونده‌های شما باز است و این بار اگر بازداشت کنیم نود نفر را دستگیر خواهیم کرد. در پرونده شماها پنجاه شصت اسلحه هست. شما خیال می‌کنید ما اطلاع نداریم از خودتان افرادی به ما گزارش می‌دهند!!

□ بولتن پیام: ش ۱۷

در بین شهروندان و طلاب حوزه علمیه قم شایعه شده است که بر اساس مصوبات شورای عالی امنیت ملی قرار است که آقای منتظری را از قم به تهران منتقل کنند تا بتوان از این طریق نسبت به رفع حصر ایشان اقدام نمایند. با توجه به حساسیت موضوع در قم در صورت رفع حصر احتمالی، عکس‌العمل مردمی متصور می‌باشد.

□ روزنامه مردم سالاری: ۸۱/۵/۶

نامه سرگشاده ۳۷ تن از اعضای انجمن اسلامی دانشجویان دفتر تحکیم به آقای خاتمی در اعتراض به حصر آیت‌الله منتظری.

□ بولتن پیام: ش ۱۵

به گزارش وزارت اطلاعات بعضی از نامه‌ها و یا متن مصاحبه‌های آقای منتظری از مدتی قبل برای چندمین بار در سازمان جهاد کشاورزی استان قم توزیع شد.

□ ۱۳۸۱/۷/۲۵

دیدار سید محمد رضا خاتمی (نائب رئیس مجلس) و محسن میردامادی (رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس) و تعداد دیگری از اعضای جبهه مشارکت با آیت‌الله منتظری از بالکن منزل احمد منتظری. در این دیدار که آیت‌الله منتظری در حیاط منزل خویش با دیدارکنندگان سخن می‌گفت نمایندگان مجلس را به استقامت در فرایند احقاق حقوق ملت فراخواند. دیدارکنندگان هم‌چنین با حضرات آیات شبیری، اردبیلی، صانعی، امینی و جوادی آملی دیدار کرده بودند. در دیدار با فقیه عالیقدر که حدود بیست نفر دیگر شرکت داشتند زهره آقاجری خواهر دکتر هاشم آقاجری و برخی دیگر از نمایندگان مجلس شرکت داشتند. این ملاقات که در نوع خود بی‌سابقه است بازتاب وسیعی در سایت‌های اینترنتی و رسانه‌های خارجی یافت و فیلم کوتاهی از این دیدار بر روی برخی سایت‌ها مشاهده شد.

□ ۱۳۸۱/۷/۲۸

پرسش‌های شورای مرکزی مجمع دانشجویان پیرو خط امام دانشگاه ایلام از آقای کرّوبی. در سوال اوّل آمده است:

بیش از پنج سال است که مرجعیت معظم شیعیه که خود شخصیت دوّم انقلاب پس از امام خمینی (ره) بوده‌اند در منزل شخصی خود محصور شده‌اند و مریدان و مقلدان را از محضر آن فقیه عالیقدر محروم کرده‌اند و ملت شیعیه از این بابت بر حکومت غضبناک است، آیا جنابعالی به عنوان ریاست قوه مقننه در این خصوص توضیحی قانع‌کننده دارید؟!

□ روزنامه کیهان: ۱۳۸۱/۸/۴

مراجع تقلید که از دیدار با فرستادگان حزب مشارکت امتناع کردند و راه سوءاستفاده را بستند، بدین ترتیب تیر تدبیر کمانه کرد و بر پیشانی حیثیت حزب مشارکت نشست. تعدادی از اعضای هیئت دست از پا درازتر به خانه فرزند شیخ مطرود رفتند و از بهار خواب برای نامبرده دست تکان دادند و دست خالی به تهران بازگشتند.

□ بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی: ش ۲۶

● به نظر می رسد با توجه به سرمایه گذاری بی بی سی بر روی انتقال اخبار و سخنان آیت الله طاهری اصفهانی دوباره پیر استعمار قصد دارد در صورت فوت آیت الله منتظری، در یک جایگزینی، وی را در جایگاه آیت الله منتظری از منظر خبرسازی برای رسانه های بیگانه قرار دهد.

● مراسم سالگرد مهندس بازرگان که روز دوشنبه ۸۱/۱۰/۳۰ در حسینیه ارشاد برگزار شده بود به جلسه تجلیل از محکومان دادگاهها و میتینگ سیاسی تبدیل شد. خانمی که خود را نماینده نسل چهارم انقلاب می دانست از داریوش فروهر و همسر وی و محمد مختاری و پوینده به عنوان شهید نام برد و یاد منتظری را نیز گرامی داشت. در این مراسم احمد صدر حاج سیدجوادی وزیر دادگستری دولت بازرگان نیز خود را نماینده ملت ایران نامید و گفت: من از طرف خود و ملت ایران خواستار رفع حصر آیت الله منتظری هستم.

...تصمیم به حصر آقای منتظری توسط شورای عالی امنیت ملی اتخاذ شده است که ریاست آن را آقای خاتمی به عهده دارد.

بخش چهارم:

می اندیشم پس هستم

«فقیه پویا، اندیشه پویا»

یادم می‌آید در اصفهان درباره یکی از علمای بزرگ و فقهای برجسته‌ای که فوت شده بود صحبت می‌کردیم. چند نفر از افراد باهوش و با استعداد مطرح می‌کردند که راستی، آیا فلانی پر معلومات بود یا مجتهد بود؟ گفتیم فرقتان چیست؟ می‌گفت بعضی‌ها هستند خیلی مطلب در حافظه خود دارند. در مجلس که می‌نشینند می‌توانند خیلی مطلب تحویل بدهند؛ اما اگر امسال پای درشش بنشینم چه بیست سال دیگر، می‌بینی درباره یک مطلب خیلی حرف می‌زند، ولی مجموعه گفته‌هایش امسال و بیست سال دیگر یکی است. عیناً مثل یک صفحه نوار...

... کسانی که خلاق نیستند، اگر در سال سی‌ام زندگی خود رأیی را بگویند، می‌توان آن را به حساب سال هفتادم زندگی‌شان هم گذاشت. می‌پرسم رأی آقا درباره فلان مطلب چه بوده؟ می‌گویند به نوشته‌هایش نگاه کن، می‌خواهد نوشته‌های سال سی‌ام، می‌خواهد نوشته سال هفتادم! همه یک جور است. ولی آدم‌هایی که دارای اندیشه پویا، متحرک و خلاق هستند، رأیشان درباره یک مطلب، امسال با پارسال فرق می‌کند. به قول آیت‌الله منتظری، دوست عزیز و فقیه مجاهد ما، «امروز، امروز است؛ دیروز، دیروز». ایشان اگر دیروز مطلبی را گفته باشد و امروز رأیش عوض شده باشد، می‌گوییم آقا، دیروز شما آن جور گفتید! ایشان می‌گوید: «دیروز، دیروز بود، امروز امروز است». یعنی من یک آدم متحجر نیستم. دیروز تا حالا فکر کرده‌ام، مطالعه کرده‌ام؛ به یک جمع‌بندی تازه رسیده‌ام. «شهید دکتر سید محمد بهشتی» *

اشاره:

آنان که تجربه زندان و حصر خانگی را توأمأ دارند می دانند که شرایط حصر خانگی از جهاتی سخت تر از زندان است. زندانیان (به ویژه زندانیان عادی) از امکانات حداقلی چون تماس تلفنی، ملاقات منظم هفتگی با خانواده و مرخصی های ادواری برخوردارند. همچنین امکاناتی چون بهداری، فروشگاه داخل بند عمومی، حیاط وسیع برای هواخوری و مهم تر از همه تعداد و تنوع زیاد همبندیان برای تعامل و گفتگو وجود دارد. با این حال صرف بسته بودن محیط و شرایط خاص زندان، آسیب های روحی و جسمی فراوانی در پی دارد و از شدیدترین مجازاتها به شمار می آید.

آیت الله منتظری در ایام حصر غیرقانونی - همانند برخی زندانیان استوار دیگر - علیرغم مشکلات شدید ناشی از بیماری های جسمی، با استفاده از فرصت های مختلف در رابطه با مسائل سیاسی مطرح در جامعه به انتشار دیدگاه های خویش می پردازد و هیچ فرصتی را برای روشنگری و ادامه مبارزه فکری از دست نمی دهد. در این فصل فهرست پاره ای از اظهار نظرهای ایشان که از پشت دیوارهای حصر خانگی منتشر شده است ذکر می شود.

هرچند ایشان در دوره حکومت محمد رضا پهلوی طعم ۶ سال زندان همراه با شکنجه های سخت و سالها تبعید در نقاط بد آب و هوا را چشیده بود اما ۵ سال حبس در شرایط کهولت سنی و پس از وداع آگاهانه با قدرتی که در اوج بود مفهوم دیگری دارد.

□ آیت‌الله منتظری پس از تهاجم به حسینیه و دفتر و بیت ایشان: ۷۶/۸/۲۸

● «... به همه علمای اعلام و بزرگان حوزه‌ها اعلام خطر می‌کنم. حوزه‌های دینی و علمی با وضع فعلی در معرض سقوط قرار گرفته و هر کس ساکت و بی تفاوت باشد باید در روز قیامت پاسخ‌گوی سکوت خود باشد. اینجانب از ابتدای شروع انقلاب اسلامی در سال ۴۲ همواره آسایش و آرامش خود و خانواده و حتی جان خود را در معرض تهاجم از خدا بی‌خبران قرار داده‌ام. هم‌اکنون نیز از هرگونه جان‌فشانی در راه اسلام و انقلاب و کشور دریغ ندارم. ... من اگر کسی را واجد شرایط ندانم این امر به معنای ضدیت با کلّ ولایت فقیه نیست، چه کنم که کار دست بچه‌های بی‌سواد و بی‌منطق افتاده و قلم که به این جا رسید سر بشکست. اللهم انا نشکو الیک فقد نبینا و غیبه و لیّنا و کثرة عدوّنا و قلّة عددنا و شدّة الفتن بنا و تظاهر الزّمان علینا».

□ ۷۷/۴/۷

انتشار جزوه‌ای با عنوان «ولایت فقیه و قانون اساسی» در پنج فصل:

فصل اوّل: ولایت فقیه انتخابی و انتصابی،

فصل دوّم: حدود و اختیارات ولیّ فقیه،

فصل سوّم: تضاد در قانون اساسی،

فصل چهارم: مرجعیت و رهبری

فصل پنجم: تذکراتی چند

این جزوه در ۳۵ صفحه تنظیم و منتشر شده است.

۷۷/۱۰/۱۹ □

صدور پیام به مناسبت قتل مظلومانه فروهرها و قتل‌های فجیع در پائیز ۷۷ توسط نیروهای امنیتی کشور و مطالبی چند درباره وزارت اطلاعات و مباحثی راهبردی برای یک اطلاعات مردمی.

۷۷/۱۱/۱۲ □

پاسخ کتبی به سؤالات کتبی جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه در مورد رسیدن مردم به خواسته‌هایشان و آرمانهای انقلاب.

۷۸/۳/۱۷ □

پاسخ به سؤال جمعی از طلاب حوزه علمیه قم پیرامون نظارت شورای نگهبان، فلسفه تأسیس اصل ۹۹ و اشکالاتی در خصوص تفسیر این اصل به نظارت استصوابی.

۷۸/۴/۵ □

پاسخ به نامه آقای دکتر عبدالکریم سروش با عنوان فقه در ترازو، چاپ شده در شماره ۴۶ ماهنامه کیان.

۷۸/۴/۲۰ □

واکنش به هتک حرمت دانشگاه و دانشجو در واقعه ۱۸ تیرماه کوی دانشگاه تهران: «در رژیم گذشته برای حمله به مردم شعبان‌بی‌مخ‌ها و چماقداران حرفه‌ای را به صحنه می‌فرستادند، اینک نیز همان شیوه غلط به نام انصار حزب‌الله انجام می‌شود».

□ ۷۸/۱۰/۶

● پاسخ به سؤالات کتبی خبرگزاری رویترو روزنامه گاردین پیرامون ولایت فقیه، اهمیت شورا در اسلام و شرایط حصر خانگی.

آیت الله منتظری: «... من به زمان رفع حصر فکر نمی‌کنم بلکه در این اندیشه‌ام که هم‌اکنون چه وظیفه‌ای برعهده من است».

● چاپ بروشوری توسط معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در لشکر ۱۴ امام حسین سپاه با عنوان «نکاتی پیرامون مصاحبه آقای منتظری» که مطالبی در رابطه با مصاحبه فوق‌الذکر آورده است. این بروشور در میان پاسداران آن لشکر و دیگر یگانهای سپاه در استان اصفهان بطور وسیع پخش شد.

□ ۷۸/۱۱/۲۱

پیام به مناسبت انتخابات ششمین دوره مجلس: «کسی را انتخاب نمائید که متعهد، باایمان، آگاه به مسائل سیاسی روز، دارای شجاعت، قاطعیت، استقلال فکری و امانت باشد و حق را با صراحت و بدون ترس اظهار کند و خود را به مقام و متاع دنیا نفروشد».

□ ۷۸/۱۱/۲۳

انتشار جزوه ۶۳ صفحه‌ای با عنوان «حکومت مردمی و قانون اساسی».

□ ۷۹/۱/۲۶

پاسخ به سؤالات نشریه پیام هاجر پیرامون منع حق تحقیق و تفحص مجلس نسبت به نهادهای مربوط به رهبری توسط مجمع تشخیص

مصلحت نظام: «اعضای مجمع تشخیص مصلحت را مقام رهبری تعیین می‌کند، پس در حقیقت خود رهبری تصویب کرده که مجلس حق تحقیق و تفحص در نهادهای مربوط به او را ندارد و این مخالف جمهوریت نظام و مردمی بودن آن است و حکایت از یک روش استبدادی دارد.»

□ ۷۹/۲/۶

مصاحبه کتبی با بخش فارسی رادیو بین‌المللی فرانسه پیرامون بازداشت روزنامه‌نگاران و توقیف گسترده روزنامه‌ها: «تعبیر از روزنامه‌نگاران در گفتارها به دشمن یا قلم به‌دستان مزدور، تهمتی ناروا و گناهی بزرگ است.»

□ ۷۹/۵/۱۷

مصاحبه کتبی با بخش فارسی رادیو بی‌بی‌سی پیرامون مسکوت گذاشتن طرح اصلاح قانون مطبوعات: «جلوگیری از انتشار مطبوعات و آزادی‌های سیاسی به بهانه‌های واهی و بی‌اساس و بازداشت افراد معتقد به اسلام و انقلاب در این رابطه حاکی از ضعف حکومت است. حکومت باید جلوی دخالت دشمنان را بگیرد نه جلوی مطبوعات سازنده را.»

□ شهریور ۱۳۷۹: انتشار غیر رسمی خاطرات آیت‌الله منتظری

کتاب خاطرات که در دو جلد و در مجموع ۱۶۰۰ صفحه است در حالی منتشر شد که آیت‌الله منتظری در سومین سال حصر به‌سر

می‌برد. این خاطرات که از نوع خاطرات شفاهی و با ذکر اسناد و مدارک بود بازتاب گسترده‌ای در محافل مختلف داخلی و خارجی یافت. جلد اول این کتاب که حاوی یازده فصل است به مطالبی از بدو تولد تا سخنرانی ۱۳ رجب و ذکر گوشه‌ای از حوادث بعد از آن پرداخته است. جلد دوم این کتاب که پیوسته‌های خاطرات در آن گردآوری شده است دارای ۲۲۵ سند تاریخی می‌باشد که در جلد اول به آنها استناد شده است. این کتاب که تنها بخشی از خاطرات آیت‌الله است با زحمات طاقت‌فرسایی به‌طور زیراکس، منتشر شد. لازم به ذکر است بسیاری از دستگیر شدگان مربوط به آیت‌الله منتظری تنها به دلیل همراه داشتن این کتاب روانه زندان شدند. برخی از ناظران سیاسی تهیه و تنظیم و انتشار این کتاب را برای جلوگیری از تحریف تاریخ و افشای واقعیات و دفاع آیت‌الله منتظری از عملکرد خویش در طول سالیان پس از انقلاب، ارزیابی کرده‌اند. بخش عمده‌ای که موجب خشم برخی از حاکمیت حتی گروه‌های چپ سنتی شد مربوط به حقایق مستندی بود که به موضوع اعدام‌های وسیع مخالفان و مسایل مربوط به زندانهای دهه اول انقلاب می‌پرداخت. این کتاب رسماً اجازه چاپ نیافت اما نقد آن از وزارت ارشاد مجوز چاپ گرفت.

□ بولتن پیام متعلق به مرکز اطلاعات و اخبار وزارت کشور: ش ۱۲

با بررسی موضوعات مطرح شده در نشریات فارسی زبان خارج از کشور توسط معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد چنین به دست آمده است که از ۴۵ نشریه و ۱۰۹ شماره از نشریات فارسی زبان خارج کشور در فاصله زمانی ماه‌های دی و بهمن از لحاظ سطح زیر چاپ، مقوله

انتشار خاطرات آیت‌الله منتظری و بازداشت سعید منتظری با ۱۵/۲۵ درصد رتبهٔ اول را به خود اختصاص داده است. ... خاطرات آیت‌الله منتظری چنان کانون توجه نشریات قرار گرفته که برخی آن را مهم‌ترین رویداد سالهای اخیر در جمهوری اسلامی می‌دانند و در همین خصوص برخی از نشریات آیت‌الله منتظری را به دلیل جسارتی که در انتشار خاطراتش داشته مورد تحسین قرار داده‌اند.

□ ۷۹/۱۱/۱

انتشار جزوه‌ای در ۱۵۰ صفحه با عنوان: «خلاصه شدهٔ کتاب خاطرات آقای منتظری». این جزوه که توسط مدیریت سیاسی جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم تهیه و نشر یافته است مجموعهٔ خاطرات را به سم مهلکی تشبیه کرده که در ۸۲۷ [صفحه] رقیق شده است. در این جزوه علاوه بر وجود نقل‌های خلاف واقع از خاطرات و تقطیع جملات و تحریف‌های فاحش، غلط‌های املائی بسیاری وجود دارد مانند: روی شهری، حکایت نداشت، هیأت عضو زندانی‌ها.

□ واکنش‌های دیگر

● «خاطرات یا پروژۀ امام زدایی» عنوان فوق یکی از جزوه‌هایی است که توسط دفتر سیاسی سپاه برای فرماندهان و مسئولان ردهٔ یک سپاه ارسال شده است و از آنان خواسته شده علاوه بر مطالعهٔ شخصی و مجاز نبودن انتشار آن، آن را پس از مطالعه یا عودت داده یا معدوم نمایند. این جزوه ۱۳ صفحه‌ای علاوه بر تحریف و تقطیع بر این مطلب که ضد انقلاب از خاطرات بهره برده بیشترین مانور را داده است، و در

پایان سخنان رهبری را آورده است که: «این را دشمن بدانند خیال نکند که اگر آمدند و چند نفر آدم ساده لوح و معمم را وادار کردند حرفی بزنند، اشتباه می‌کنیم و خیال می‌کنیم که دشمن این‌ها هستند این‌ها کسی نیستند، دشمن خود را پشت پرده پنهان می‌کند...»

● «پاسداشت حقیقت» عنوان کتابی است که با هدف نقد درون ساختاری خاطرات در ۵ هزار نسخه مشترکاً توسط مسعود رضایی و عباس سلیمی نمین نوشته شده است. این کتاب که یک مقدمه و ۶ فصل و یک مؤخره دارد تا به حال دو بار چاپ شده است. این کتاب توسط روزنامه رسالت در تاریخ ۱۱ شهریور ۱۳۸۱ معرفی شد. رسالت که این کتاب را ارزشمند توصیف کرده است و ویژگی مهم این کتاب را پاسخگویی به شبهات و کشف تناقضات خاطرات با استفاده از متن آن دانسته است. کتاب مذکور در دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران تهیه و تنظیم شده است. کیهان در یکی از شماره‌ها و در ستون اخبار ویژه خود تحت عنوان: «هراس از دانستن» نوشت: از توزیع ۲۹۰ جلد کتاب پاسداشت حقیقت بین نمایندگان مجلس جلوگیری به عمل آمد. این روزنامه آقای بورقانی را عامل جلوگیری از توزیع دانسته و آورده است: این کتاب مورد تقدیر حاج سید حسن خمینی قرار گرفته است.

□ هفته‌نامه شما: ۸۰/۱۰/۶

از این هفته توسط اسدالله بادامچیان منتشر می‌شود: «خاطرات منتظری، ارزیابی و نقد آن»
او خانه‌اش را پایگاه کسانی قرار داد که امام آنان را مضر برای اسلام می‌دانستند.

با گروه‌های التقاطی ارتباط برقرار کرد.
 و سرانجام با دلی پر خون و قلبی شکسته وی را عزل کرد و بدین سان
 منتظری «هیچ» می‌شود. هیچ هیچ.
 اگر کسی عمری در جبهه حق باشد ولی در نهایت به جبهه باطل افتد
 اهل باطل به شمار می‌آید.
 دعای بنده [اسدالله بادامچیان] برای آقای منتظری و بیت او این
 است که ان شاء الله در این عاقبت امر، بازگردند گذشته را جبران کنند تا
 به فرموده امام در قعر جهنم نباشند.

□ بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی: ش ۱۵

حجة الاسلام والمسلمین سیدحسن خمینی نوّه بنیانگذار جمهوری
 اسلامی ایران از آقای سلیمی نمین به خاطر نگارش کتاب پاسداشت
 حقیقت قدردانی کرده و گفته است: نوشتن این گونه کتابها را ادامه دهید
 تا زمانی که منتظری از دنیا نرفته است پاسخ اهانت‌های وی به حضرت
 امام راحل داده شود.
 ملاحظه: کتاب پاسداشت حقیقت، در دفاع از مظلومیت حضرت
 امام خمینی(ره) و پاسخ به اهانت‌های منتظری نوشته شده است.

□ شهریور ۷۹ و چاپ کتاب: «پاسخ ۴۰ ماده‌ای به شبهات آیت‌الله منتظری»

کتابی در تاریخ ۷۹/۶/۱۶ که توسط علی امیری‌فر با عنوان «پاسخ ۴۰
 ماده‌ای به شبهات آیت‌الله منتظری» با تیراژ ۵ هزار از چاپخانه ترخیص
 و اجازه توزیع یافت؛ اما پس از دوازده روز در ۲۸ شهریور ۷۹ توسط
 نیروهای عملیات دادرسی ویژه روحانیت تهران با دستور

محمدابراهیم نکونام دادستان ویژه روحانیت استان تهران از منزل نویسنده جمع‌آوری و به دادسرای ویژه منتقل گردید.

مؤلف کتاب ضمن تصریح به مطالب مذکور طی نامه‌ای که به برخی مسئولان از جمله رئیس جمهوری و آقای محمدی گلپایگانی رئیس دفتر رهبری فرستاده ادامه می‌دهد که: ...آقای محسنی پشت خط تلفن آمد و گفت: «آقای امیری فر، اگر آقای منتظری ده میلیون تومان به کسی می‌داد که او را احیاء و معرفی کند بهتر از کتاب شما موسوم به «پاسخ ۴۰ ماده‌ای به شبهات آیت‌الله منتظری» و موفق‌تر از شما نمی‌توانست به این کار اقدام کند و شما در این کتاب به عنوان دفاع از آقا [رهبری]؛ ایشان را [آیت‌الله منتظری] مطرح و احیاء کرده‌اید.»

□ ۷۹/۷/۲

پاسخ به پرسش‌های فرهنگی و هنری جامعه هنری و سینمایی ایران.

□ ۷۹/۷/۱۱

پاسخ به پیشنهاد جمعی از شاگردان در مورد شروع درس فقه از طریق دوربین‌های مدار بسته در منزل فرزندشان احمد منتظری: «حوزه‌ای که استقلال خود را از دست داده و از تعرض و سوء استفاده‌های سیاسی و جناحی مصونیت ندارد و در گوشه و کنار آن پادگانهای نظامی متشکل از افراد ملبس به لباس روحانیت جهت حمله و تهاجم و تظاهرات و لعن و شعار و زنده باد و مرده باد گفتن، درست شده است چگونه می‌خواهد و می‌تواند مسئولیت صیانت از اسلام و

آرمانهای آن و جلوگیری از تخلفات و تعدیات قدرتمندان را انجام دهد؟!»

□ ۷۹/۷/۲۲

مصاحبه کتبی با بخش فارسی رادیو آزادی دربارهٔ محکومیت حجة الاسلام یوسفی اشکوری از سوی دادسرای ویژه روحانیت.

□ ۷۹/۷/۳۰

پیام به مناسبت شروع مجدد انتفاضهٔ مردم فلسطین: «اگر ملت یهود می‌خواهد در رفاه و سلامت و صلح زندگی کند باید کاری کند که یک اقلیت صهیونیست از تجاوزات و قدرت‌طلبی‌ها دست برداشته و حقوق دیگران را به آنان برگرداند».

□ ۷۹/۹/۱۰

انتشار کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری از طریق شبکهٔ جهانی اینترنت و هجوم کاربران داخلی و خارجی به سایت آیت‌الله منتظری.

□ ۷۹/۱۰/۲۲

پاسخ به پرسش‌های دانشجویان دانشگاه امیرکبیر: «میان اسلام با عملکرد مسئولان باید جدائی قائل شد، حفظ ارزشها بر حفظ حکومت مقدم است... از ولایت فقیه یک نهاد استبدادی نشان داده شده است».

□ ۷۹/۱۰/۲۵

پیرامون اتهامات ناروای آقای مصباح یزدی به نیروهای ملی مذهبی در پاسخ به پرسش‌های رادیو بین‌المللی فرانسه.

□ ۸۰/۱/۱۲

انگیزه انتشار کتاب خاطرات در پاسخ به سؤالات آقای مهندس مصطفی ایزدی: «تهیه و پخش خاطرات دو جلدی برای جلوگیری از مسخ و تحریف واقعیات و جوابگویی به تهمت‌های ناروا».

□ ۸۰/۱/۲۱

پیام به مناسبت بازداشت‌های گسترده سیاسی نیروهای ملی مذهبی: «اکثر افراد بازداشت شده را می‌شناسم، هیچگاه درصدد براندازی نظام نبوده‌اند. وادار نمودن افراد بازداشت شده به اعترافات دروغ و اظهار توبه و ندامت و تقاضای عفو، همان شیوه غلط رژیم سابق و کشورهای کمونیستی و استبدادی است».

□ ۸۰/۲/۱۸

پاسخ به پرسش‌های شرعی خانواده‌های بازداشت شدگان سیاسی: «در اسلام زندانی سیاسی نداریم. پرونده‌سازی‌ها بدترین ضربه را به اسلام می‌زند و موجب فرار جوانان از دین و حکومت دینی می‌شود».

□ ۸۰/۳/۱۰

آیت‌الله منتظری رأس ساعت ۱۰ صبح رأی خود را به ریاست

جمهوری در صندوق سیاری که داخل منزل ایشان برده شده بود انداختند. ایشان به خبرگان رهبری رأی ندادند.

□ ۸۰/۳/۲۹

ارسال گزارش سه صفحه‌ای تیم پزشکی به آقای خاتمی درباره وضعیت پزشکی آیت‌الله منتظری. پس از گزارش مذکور به دستور آقای خاتمی گروهی از پزشکان به عیادت معظم‌له آمده و نظر به بستری شدن ایشان دادند.

□ ۸۰/۴/۲۳

پاسخ به سؤالات حجة الاسلام دکتر محسن کدیور: پیرامون: محاربه، افساد فی الارض، بعضی شرایط تحقق آن، ملاک و ضابطه مشروعیت دینی حاکمیت، حقوق مخالفان در اسلام، مدارای امام علی علیه السلام با دشمنان، حقوق زندانیان سیاسی و...

□ ۸۰/۶/۲۵

اظهار همدردی با ملت و دولت آمریکا پس از کشته شدن ۳۰۰۰ تن از مردم عادی در عملیات تروریستی علیه برجهای دوقلوی نیویورک در واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و سوء استفاده اسرائیل از این واقعه برای جنایات بیشتر در فلسطین، و ذکر شمه‌ای از اقدامات ستمگرانه دادگاه غیرقانونی ویژه روحانیت.

□ ۸۰/۱۰/۲۲

پاسخ به برخی از پرسش‌های اعتقادی: فرضیه معصومیت، امام زمان و خاتمیت.

□ ۸۰/۱۱/۲۶

یگانه خواهر آیت‌الله منتظری از دنیا رفت. آقای محسنی‌اژه‌ای طی تماسی با سعید منتظری اظهار می‌دارد: «از نظر ما شرکت آقای منتظری در مراسم ختم خواهرش بلامانع است». اگر چه به نظر می‌رسید شرکت در این جلسه بهانه‌ای برای رفع حصر باشد، ولی آیت‌الله منتظری این را که یک ساعت از حصر خارج شده و سپس به حصر بازگردند قبول نکردند چون آن را نوعی تحت امر و اختیار دادگاه ویژه روحانیت بودن می‌دانستند.

□ بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی: ش ۶

احمد منتظری در گفتگو با رادیو آزادی علت شرکت نکردن آقای منتظری در مراسم همشیره خود را زیر بار منت دادگاه ویژه نرفتن ذکر کرد.

□ ۸۱/۱/۲۳

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت مرحوم آقای دکتر یدالله سبحانی.

□ ۸۱/۱/۲۵

تشییع جنازه مرحوم دکتر یدالله سبحانی در دانشگاه تهران؛ احمد و

سعید منتظری از سوی آیت‌الله منتظری شرکت کرده و پیام تسلیت ایشان قرائت شد و دکتر محسن کدیور از سوی آیت‌الله منتظری نماز میت را اقامه کرد. رادیو و تلویزیون ایران اعلام کرد: جنازه دکتر سحابی با پیام رهبر انقلاب تشییع شد.

□ بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی: ش ۷

به بهانه تشییع جنازه یدالله سحابی جمعی از عناصر به اصطلاح ملی مذهبی در تهران شعارهایی انحرافی سر دادند:

طالبان حیا کن، مملکت را رها کن، عزا عزاست امروز، منتظری مظلوم صاحب عزاست امروز، منتظری مظلوم آزاد باید گردد... فلسطین را رها کن، فکری به حال ما کن.

□ همان بولتن، شماره ۸

روزنامه بنیان در صفحه اول اطلاعیه‌ای را بدون نام درج کرد اما فردای آن روز، همان اطلاعیه در همان جا به نام حسینعلی منتظری در فقدان مرحوم سحابی درج شده بود. در عین حال با کمال تأسف بیانیه جامع و گویا و بسیار ژرف رهبر معظم انقلاب به مناسبت فوت دکتر سحابی آن‌گونه که باید در این روزنامه‌ها بازتاب نیافت.

□ ۸۱/۱/۳۰

برگزاری مجلس یادبود دکتر یدالله سحابی از سوی گروه‌های ۱۸ گانه دوّم خرداد در قم. ممانعت نیروهای ضدّ شورش از حرکت افرادی از بیت مرحوم آقای سحابی و به همراهی آقایان صدر حاج

سیدجوادی و محسن کدیور که قصد عزیمت به بیت آیت‌الله منتظری را داشتند.

□ ۸۱/۲/۱

پیام به مناسبت حوادث غمبار فلسطین: «کشور اسرائیل براساس قتل عام و ترور تأسیس شده است و متأسفانه دولت آمریکا با شعار مبارزه با ترور از این دولت حمایت می‌کند».

□ هفته‌نامه حریم: ۸۱/۲/۲۴

فتاوی‌ای جدید شیخ ابوموسی اشعری: «مذاکره با آمریکا از اوجب واجبات است، عملیات استشهادی فلسطینی‌ها حرام است، حکومت دینی خیانت است به اصول اومانیسم، شورای نگهبان حرام است، مجمع تشخیص مصلحت مکروه است، رفراندوم احتیاط واجب است. براندازی ما در کل واجبات است، دروغ‌گویی از سوی دوستان ما عین ثواب است، آمریکا قبله‌آمال همه ما است، و...» (!!)

□ «ایرانی‌ها - ایران، اسلام و روح یک ملت»

در این عنوان کتاب که توسط Sandra Mackey به نگارش درآمده و در زمستان ۸۰ منتشر شده آمده است: «در نوامبر ۱۹۸۵ مجلس خبرگان آیت‌الله حسینعلی منتظری را به جانشینی [آیت‌الله] خمینی برگزید. منتظری مانند رهبری وفادار به اپوزیسیون و گروه مخالف عمل کرد. اغلب در مورد نقض حقوق بشر، مفاسد و تشریفات بیهوده، اعتراض می‌کرد. ولی در سیاست خارجی او هماهنگ با گروه‌های تندرو بویژه

در ضدیت با آمریکا بود. زمانی که رادیکال‌ها تلاش کردند که دفتر [آیت‌الله] منتظری را به عنوان یک مرکز قدرت برای خود بعد از مرگ آقای خمینی قرار دهند رفسنجانی و سیداحمد خمینی عکس‌العمل نشان داده و موجب تیره شدن روابط خمینی و منتظری شدند. منتظری رُک‌گو بود؛ او می‌گفت: متأسفانه بین آنچه قول داده بودیم و بین آنچه عمل می‌کنیم فاصله زیادی را می‌بینیم. اگر بنا باشد دولت، ارزشها و اخلاق اسلامی را رعایت نکند بهتر آن است که دولت نداشته باشیم. او می‌گفت: زندانهای شما بدتر از زندانهای شاه و ساواکش است و این تنها مقدمه‌ای بر شکایات بسیار وی بود. آیت‌الله منتظری گله می‌کرد که آیت‌الله خمینی دور از مسایل ایران به سر می‌برد. وی می‌گفت مشارکت سیاسی باید گسترش پیدا کند و سانسور مطبوعات لغو شود. در سال ۱۹۸۹، هنگامی که هیچ کدام از مراجع تقلید با معیارهای سیاسی رژیم برای ولایت همخوان نبودند، شورایی بیست نفره برای اصلاح قانون اساسی انتخاب شدند و شرایط را تغییر دادند. با قوانین جدید هر روحانی که بالقوه واجد شرایط بود تا مرجع تقلید شود می‌توانست رهبر شود. در نتیجه کل مفهوم فقیه متحول شد... آیت‌الله منتظری که زمانی جانشین امام خمینی بود و بعد به منتقدان پیوست، از خانه‌اش در قم که از سال ۱۹۸۸ در آن زیر نظر است پس از پیروزی خاتمی نامه‌ای به وی نوشت، وی انتخابات را «انقلاب مردمی علیه شرایط موجود و پیامی روشن به تمام مقامات و مراجع کشور»، نامید. به نظر منتظری از زمانی که انحصارطلبان، خانواده سالاری و دوست سالاری اداری، سوء مدیریت فجیع، فساد بی‌پرده و انکار آزادی‌هایی که قانون اساسی تضمین کرده است سوق دادند ایرانیان خواهان تغییر بوده‌اند.

... روحانیانی که در مورد ولایت فقیه بحث می‌کردند تحت فشار قرار دارند. در ماه نوامبر خبر رسید که در فکر محاکمه کردن آیت‌الله منتظری به جرم خیانت هستند، انقلاب که در انتخابات ماه مه حرکتی به جلو داشت حالا حرکتی به عقب می‌کرد.

□ ۸۱/۲/۳۱

پاسخ به سؤالاتی در مورد مسائل روز: «انتخاب گذشتگان برای آیندگان حجت نیست، و مردم هر زمان وظیفه دارند با تحقیق و شناخت کامل حاکم صالح و واجد شرایط را انتخاب نمایند».

□ ۸۱/۳/۱۵

پاسخ به پرسش‌هایی پیرامون شخصیت مرحوم دکتر علی شریعتی طرح شده از سوی انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف واحد گلپایگان: «نقش شخصیت‌هایی همچون دکتر شریعتی در شکستن خفقان موجود و احیای نقش دین و مذهب در بیداری جامعه و جوانان دانشجو بسیار قابل تقدیر است. دکتر شریعتی توانست بسیاری از جوانان مسلمان را از سقوط در دامن مارکسیسم و بی‌دینی نجات دهد».

□ بولتن شورای هماهنگی نیروهای انقلاب اسلامی: ش ۷

حسینعلی منتظری در پاسخ به سؤالی به استفاده از اینترنت پاسخ داده است: «مبارزه با آلات مفید کار غلطی است؛ ابزار و آلات که گناه ندارند. با وسعت ارتباطات جهانی و استقبال جهانی از ابزارهایی مانند

ماهواره و اینترنت تحریم آنها عقب‌ماندگی است». وی در عین حال گفته است: «استفاده از این ابزارها باید در مسیر صحیح آن هدایت شود».

□ ۸۱/۳/۲۸

پاسخ به سؤالاتی درباره نظریه ولایت فقیه: «انتخاب مستقیم ولی فقیه برای مدت محدود با وظیفه نظارتی و پاسخگویی».

□ ۸۱/۴/۷

در پاسخ به نامه مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم پیرامون استقلال حوزه علمیه و قداست مرجعیت شیعه: «جناح خاصی که در حاکمیت روزبروز پایگاه مردمی آن ضعیف‌تر می‌شود برای حفظ موقعیت و قدرت و سلطه خود استفاده ابزاری از دین و مذهب و حوزه‌ها را خط مشی خود قرار داده است و دیگران را به بی‌دینی متهم می‌کند».

□ ۸۱/۵/۱۶

پاسخ به پرسش‌هایی در مورد اظهارات آقای دکتر هاشم آقاجری: «اگرچه در عبارات آقای آقاجری سوء تعبیرهایی وجود دارد که بسا به حساب مرحوم دکتر شریعتی گذاشته می‌شود و طبعاً لازم است ایشان از تعبیرات سوء خویش عذرخواهی نماید ولی در سخنرانی ایشان اهانت به رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام وجود ندارد».

□ ۸۱/۷/۳۰

پیام به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در رابطه با نظارت استصوابی: «عمل شورای نگهبان در این سالها انتخابات را دو مرحله‌ای نموده است».

□ ۸۱/۸/۱۷

پیام در رابطه با محکوم شدن آقای دکتر سیدهاشم آقاجری به اعدام: «جای تأسف است که اقلیتی در کشور به خود اجازه می‌دهند برای حفظ قدرت و مقام خویش با جان و حیثیت بندگان خدا و آبروی اسلام و کشور بازی کنند، و حضرات آیات و علما و مجامع علمی و حقوقی ساکت بنشینند. آیا حفظ جان یک بی‌گناه آنقدر بی‌اهمیت است که سنگربانان دین و قانون چنین بی‌تفاوت تماشاگر آن می‌باشند؟!».

□ پائیز ۱۳۸۱

انتشار کتابی در ۷۲۵ صفحه با عنوان: «دیدگاهها» که حاوی پیام‌ها و نظریات منتشره آیت‌الله منتظری در زمان حصر غیرقانونی است. این کتاب که چون دو جلد خاطرات ایشان اجازه چاپ رسمی نیافت و به صورت زیراکس تهیه و منتشر شد، دارای ۸۸ بخش مجزاست که فهرستی از مطالب مندرج از دیدگاههای معظم‌له را نیز در پی دارد. نکته جالب این که این کتاب با یک «انا لله و انا الیه راجعون» شروع می‌شود. (پیام آیت‌الله منتظری پس از تهاجم به حسینیه و دفتر پس از سخنرانی ۱۳ رجب) و پایان این کتاب نیز با یک «انا لله و انا الیه راجعون» دیگر پایان می‌یابد (که پیامی است مربوط به محکومیت آقای

دکتر سیدهاشم آقاجری به اعدام)؛ و چه تناسب لطیف میان این دو واقعه و آیه استرجاع وجود دارد.

□ روزنامه همبستگی: ۸۱/۶/۱۱

برخی شنیده‌ها در راهروی پارلمان حاکی است، هیأتی پنج نفره از سوی تشکیلات عالی مأمور بررسی موضوع رفع حصر آیت‌الله منتظری شده است. این خبر هنوز به طور رسمی تأیید نشده است.

□ روزنامه همبستگی: ۸۱/۶/۳۱

بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران و علوم پزشکی پیرامون حصر غیرقانونی آیت‌الله منتظری.

□ ۸۱/۷/۲

تذکر آقای مهندس مصطفی طاهری نماینده نجف‌آباد در مجلس به رئیس‌جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی در مورد رفع حصر فقیه عالیقدر. این تذکر توسط آقای کرّوبی از تریبون قرائت شد.

□ ۸۱/۸/۵

انتقال فقیه عالیقدر به بیمارستان رسول‌اکرم تهران تحت تدابیر امنیتی کم سابقه با اسکورت چندین ماشین سپاه که حتی از مراحل اعزام به بیمارستان فیلم‌برداری می‌شد.

پس از انجام معاینات لازم، آیت‌الله منتظری بعدازظهر همان روز تحت‌الحفظ به قم و حصر بازگشتند. طی تماسی که با تلفن همراه سعید

منتظری گرفته شد آقای سراج‌الدین موسوی (سفير سابق ايران در پاکستان) اظهار می‌دارد به همراه آقای توسلی از سوی رئیس‌جمهور برای عیادت آمده‌ایم. مسئول امنیتی حصر گفته بود: «اگر خود رئیس‌جمهور هم به عیادت می‌آمد به او اجازه ملاقات نمی‌دادند».

بخش پنجم:

فروریختن حصر

«سخنرانی ۱۳ رجب مطالب حقی بود که گفته ام

و آقایان با آن برخورد بدی کردند.

... آن سخنرانی از افتخارات من است.»

«آیت الله العظمی منتظری»

□ دکتر محسن کدیور: ۸۱/۸/۲۵

در نوشتاری که هنگام اقامت در آمریکا بر روی شبکه اینترنت منتشر شده بود آورده است: «پنج سال در جستجوی عدالت گم شده. ۱۸۲۵ روز گذشت، سال ششم آغاز شد. حصر غیرقانونی او بالاترین آزمون میزان عدالت و آزادی در ایران است. اگر قرار بود از تاریخ عبرت گرفته شود پایان غمبار تروتسکی در انقلاب شوروی یا سرنوشت رهبران انقلاب فرانسه می توانست کافی باشد، اما عبرت تاریخی به حداقلی از دانش نیاز دارد که در مدیریت کلان جامعه ما دیرگاهی است نایاب است... پنج سال حصر آیت الله منتظری لکه ننگ است بر دامن جمهوری اسلامی. یکی از ضوابط جامعه بیمار به تصریح امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، دریند و مضیقه بودن عالم و اکرام و میدان داری جاهل است».

□ ۸۱/۱۰/۱۶

پس از حادث شدن وضعیت جسمی آیت الله منتظری و انعکاس آن و طرح آن در هیأت دولت سرانجام هیأت پزشکی در معیت دکتر اکبری معاون وزیر بهداشت و یک نفر به نمایندگی از وزیر اطلاعات به قم برای ملاقات آمدند که با ممانعت نیروهای حفاظت سپاه و دادسرای ویژه روحانیت به تهران بازگشتند.

□ ۸۱/۱۰/۱۷

امروز بعدازظهر سرانجام دکترها اجازه ملاقات و معاینه یافتند ولی نماینده وزارت اطلاعات اجازه حضور نیافت.

□ روزنامه همبستگی: ۸۱/۱۰/۱۹

علی رازینی رئیس دادگاه ویژه روحانیت: «ممانعت از ورود ملاقات کنندگان به علت عدم هماهنگی با مسئولان بوده و هیچ شخصی حتی پزشکان نمی توانند بدون هماهنگی با وزارت اطلاعات یا شورای امنیت ملی با وی ملاقات کنند زیرا ایشان به واسطه رأی شورای امنیت ملی ممنوع الملاقات هستند».

□ احمد منتظری طی اطلاعیه‌ای در تاریخ: ۸۱/۱۰/۲۰

...طبق اظهارنظر پزشکان معالج ادامه وضعیت موجود و شرایط کنونی با توجه به روند بیماری ایشان نامطلوب و خطرناک است و می تواند منجر به عواقب جبران ناپذیر گردد که مسئولیت آن بر عهده کسانی است که جواب نصیحت های مشفقانه و خیرخواهانه ایشان را با کینه توزی و انتقام گیری داده و با تحمیل نمودن بیش از پنج سال حصر خانگی به ایشان قصد حذف فیزیکی معظم له را در سر می پروراند «و سيعلم الذين ظلموا اى منقلب ينقلبون».

□ روزنامه جمهوری اسلامی: ۸۱/۱۰/۲۸

احمد منتظری فرزند آقای منتظری با ارسال نامه‌ای به ستون جهت اطلاع یادآور شد بیماری فراموشی آقای منتظری که در این ستون

مطرح شده صحت ندارد و تکذیب می شود.

□ سایت اینترنتی رویداد: ۸۱/۱۰/۲۶

مهدی کزّوبی رئیس مجلس روز چهارشنبه طی نامه‌ای به سیدمحمد خاتمی رئیس جمهور تذکر ۱۱۰ نماینده مجلس درباره وضعیت جسمانی آیت‌الله منتظری را به وی ابلاغ کرد. علی اکبر موسوی خوئینی نماینده تهران با اعلام این مطلب به خبرنگار رویداد گفت: پس از آنکه آقای کزّوبی صلاح دید تا متن تذکر در صحن مجلس قرائت نشود جلسه‌ای با ایشان داشتیم که در پی آن رئیس مجلس طی نامه‌ای به رئیس جمهوری خواستار رسیدگی به وضعیت سلامت آیت‌الله منتظری و ارائه گزارش مستمر در این باره به مجلس شد. این نماینده مجلس درباره مفاد تذکر نمایندگان مجلس گفت: یکی از مطالب مطرح شده اظهار تأسف از تداوم حصر و درخواست برای لغو مصوبه شورای عالی امنیت ملی در این زمینه است.

□ دی ماه ۸۱

شایعه رحلت آیت‌الله منتظری و بازتاب آن در داخل و خارج کشور و تماسهای تلفنی بویژه از سوی حضرات آیات: وحید خراسانی، موسوی اردبیلی، شبیری زنجانی، صافی گلپایگانی، گرامی، طاهری و محقق داماد با معظم‌له.

□ روزنامه مردم سالاری: ۸۱/۱۰/۲۸

آیت‌الله طاهری طی نامه‌ای به مراجع تقلید خواستار رفع حصر از

آیت‌الله منتظری شد. این نامه خطاب به آیات عظام آقایان: شبیری زنجانی، وحید خراسانی، تبریزی، بهجت، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، صافی‌گلپایگانی، صانعی، موسوی اردبیلی و نوری‌همدانی نوشته شده است.

□ قاسم شعله‌سعدی طی مقاله‌ای بر روی شبکه اینترنت: حصر آیت‌الله

منتظری...

اگر شیخ‌الفقهاء در حصر بمیرد همه خواهند گفت آن مرگ نیست قتل است و قاتل کسی است که او را با کبر سن و بیماری در حصر نگه داشته و مانع رفع حصر او شده است. آن هم به جرم بیان حقایق... در همین راستا این روزها بعضی از عناصر اقتدارگرا با دستپاچگی به دنبال راهی برای برون رفتن از این بحران می‌گردند و پیشنهاد می‌کنند از آقای منتظری رفع حصر نمایند ولی جریان فکری و طرفداران او را به حصر بکشند!! گویا امور تمامیت خواهان بدون حبس و حصر اداره نمی‌شود.

□ نامه‌ای به کوفی‌عنان دبیر کل سازمان ملل متحد:

همانگونه که مستحضرید آیت‌الله العظمی حسینعلی منتظری مرجع تقلید شیعیان پس از سخنرانی انتقادی در ۱۴ نوامبر ۱۹۹۷ و اعتراض به رویه بخشی از حاکمیت ایران در حصر نامحدود قرار گرفته است... توجه جنابعالی را به این نکته معطوف می‌دارد که این عمل برخلاف اصول متعدد قانون اساسی جمهوری اسلامی است و با مواد متعدد از اعلامیه حقوق بشر ناسازگار است... از جنابعالی درخواست داریم که نسبت به حصر ایشان اعتراض نموده و از حکومت ایران

بنخواهید جهت رفع حصر ایشان اقدام لازم مبذول گردد.^(۱)

□ روزنامه رسالت: ۸۱/۱۱/۱

این که دستگاہهای ذی ربط امنیتی و قضائی در انجام وظایف قانونی خود قصور نمایند و با خاطیان از ضوابط برخورد مناسب نداشته باشند و بخواهیم از طریق حصر به چاره‌اندیشی بپردازیم راه‌حل مناسبی نیست. حصر فیزیکی و سیاسی جریان منتسب به آقای منتظری با هزینه‌های کمتری نیز قابل تأمل است.

□ روزنامه کیهان: ۸۱/۱۱/۳

یک گزارش موثق حکایت از آن دارد که شورای عالی امنیت ملی، موضوع رفع حصر آقای منتظری را در دستور کار خود قرار داده است.

□ ۸۱/۱۱/۵

بیانیه جبهه مشارکت ایران اسلامی منطقه قم، در اعتراض به ادامه حصر آیت‌الله العظمی منتظری.

۱- نامه فوق به امضای جمع کثیری از روحانیون و فضلاء و محققین حوزه علمیه قم رسیده بود، اما نیروهای اطلاعاتی و امنیتی قبل از ارسال، از آن اطلاع یافتند. فردی بنام مستعار سجادی از رده‌های بالای اداره کل اطلاعات قم سراسیمه با حجة الاسلام نادى تماس حاصل کرده از وی تقاضای ملاقات حضوری در مهمانسرای اطلاعات قم را می‌کند. در این دیدار حضوری نامبرده از آقای نادى می‌خواهد از ارسال نامه فوق به آقای کوفی‌عنان ممانعت به عمل آورد و اطلاع می‌دهد که رفع حصر به زودی در حال انجام است و نیازی به این‌گونه نامه‌نگاری‌ها نیست.

□ روزنامه همبستگی: ۸۱/۱۱/۵

احتمال رفع حصر از آیت‌الله منتظری.

□ روزنامه ایران: ۸۱/۱۱/۵

ارائه پیشنهاد رفع حصر آیت‌الله منتظری از سوی برخی چهره‌های منتقد و انعکاس چشمگیر آن در تریبونهای این جناح باعث شده که برخی از ناظران از رفع قریب‌الوقوع حصر سخن به میان آورند. طی هفته‌های گذشته گروه‌های مختلف سیاسی خواستار رسیدگی به وضعیت حصر آیت‌الله منتظری شده بودند.

□ روزنامه اعتماد: ۸۱/۱۱/۶

دبیر کمیسیون حقوق بشر اسلامی: تلاش‌ها برای رفع حصر از آیت‌الله منتظری ادامه دارد.

□ روزنامه جمهوری اسلامی ۸۱/۱۱/۷ (سه روز قبل از رفع حصر):

علیرغم رفع حصر آقای منتظری توسط شورای عالی امنیت ملی [!]. فضای سازی برای سوء استفاده همچنان ادامه دارد. احمد منتظری مطالب منتشر شده در خصوص رفع حصر پدرش را تنها یک شایعه دروغ دانست.

□ روزنامه جمهوری اسلامی: ۸۱/۱۱/۸ (دو روز قبل از رفع حصر):

علیرغم رفع حصر آقای منتظری توسط شورای عالی امنیت ملی [!]. تعدادی از جریانها و عناصر مسئله‌دار اقدام به انتشار بیانیه و نامه‌هایی نموده و خواستار شکسته شدن حصر وی شده‌اند. جبهه مشارکت قم با

انتشار بیانیه و ابراهیم یزدی دبیر کل گروه غیرقانونی نهضت آزادی با ارسال نامه‌ای برای رئیس جمهور خواستار رفع حصر شده‌اند، حال آنکه شورای عالی امنیت ملی قبل از انتشار این نامه و بیانیه حصر وی را لغو کرده است.

□ رادیوی بی‌بی‌سی، برنامه شبانگاهی: ۸۱/۱۱/۸

صادق صبا: «در برنامه امشب مصاحبه بی‌نظیر و مهم آیت‌الله منتظری روحانی بلندپایه ناراضی در ایران پخش خواهد شد».

در این مصاحبه که به‌طور اتفاقی به‌واسطه تماس خبرنگار بی‌بی‌سی با تلفن منزل شخصی آیت‌الله منتظری صورت گرفت ایشان در آستانه آزادی، ضمن توصیف وضعیت جسمی خود در پاسخ به سؤال خبرنگار ما که می‌خواست بدانند نظر ایشان درباره آزادی قریب‌الوقوع چیست، گفت:

«من آنچه که مطابق عقیده‌ام بوده است همیشه بیان می‌کردم و هیچ تقاضائی از سوی من و فرزندان من برای آزادی نشده است... من همان منتظری سابق هستم، اگر آقایان خودشان صلاح می‌دانند اقدامی صورت گیرد و الا خداوند تا به حال صبر و تحمل داده است و حالا هم ان‌شاءالله خواهد داد». آیت‌الله منتظری مجدداً ضمن تأکید بر این نکته که من و فرزندان من هیچ تقاضائی نکرده‌ایم به صراحت می‌گوید: «شما این مطلب را که ما تقاضای رفع حصر کرده‌ایم را تکذیب کنید، من خودم حسینعلی منتظری‌ام.»^(۱)

۱- این تأکید به خاطر شایعات گسترده‌ای بود که درباره ابتلای آیت‌الله منتظری به آلزایمر از سوی رسانه‌های حکومتی پخش شده بود.

□ **روزنامه جمهوری اسلامی: ۸۱/۱۱/۹ (یک روز قبل از رفع حصر):**
رفع حصر آقای منتظری که با تصمیم شورای عالی امنیت ملی از امروز به اجرا در می آید محافل غربی و ضد انقلاب داخلی را نگران کرده است.

□ **روزنامه همبستگی: ۸۱/۱۱/۹**

- محسنی اژه‌ای: بر اساس مصوبه شورای عالی امنیت ملی محدودیت‌های آقای منتظری از تاریخ ۸۱/۱۱/۹ برچیده خواهد شد.
- آقای کرّوبی: از رفع حصر آیت‌الله منتظری استقبال می‌کنیم.
- سعید منتظری: تا این لحظه (۱۲:۳۰ ظهر) اوضاع بیت ایشان مانند سابق است و کیوسک جلوی خانه هنوز پابرجاست و مأموران امنیتی حضور دارند، از ظواهر امر برمی آید که امشب موانع ورودی بیت ایشان برداشته شود.

و سرانجام:

پس از پنج سال و دو ماه و دوازده روز تحمل حصر غیرقانونی، در بامداد روز ۸۱/۱۱/۱۰ هنگامی که خیلی‌ها از آرامش شب بهره جسته و در آغوش شب آرمیده بودند، کیوسک آهنی که نماد حق‌کشی و استبداد بود با تلاش نیروهای امنیتی که منطقه را کاملاً بسته بودند برداشته شد و عملاً فقیه عالیقدر در ساعت ۱:۳۰ بامداد بار دیگر طعم آزادی را چشید. و بدین سان در اولین ساعات روز دهم بهمن ماه ۸۱ پس از ۱۸۹۸ روز حصر، موفق به زیارت حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و مقبره

فرزند شهیدش محمد شد، و اگر چشم دل باز می‌کردی می‌دیدى که محمد چگونه آغوش باز نموده و از حضور پدر پس از وقفه‌ای طولانی خرسند است و چه زیباست این صحنه‌ی خاطره‌انگیز و ماندگار.

بازتاب وسیع این آزادی در داخل و خارج را در نوشتارهای دیگر به جز این مختصر بایستی بیان کرد. اما در پایان توجه خوانندگان را به یک جمله از خانم «شولینو» نویسنده‌ی روزنامه‌ی نیویورک تایمز جلب می‌کنیم که همزمان با آزادی آیت‌الله العظمی منتظری طی مطلبی که در آن روزنامه به قلم وی آمده، آورده بود: «... و این بود که مرد نامرئی قم به کارزار مبارزات سیاسی اسلام بازگشت».

چنان نماید
و
چنین نیز هم نخواهد ماند

